حیاتِ حکیم الامت مولانا اشرف علی تھانوی کے درخشاں

پہلو (علمی آثار و

تجدیدی مساعی

منتخب: مقالات و مضامین

usknod ...

delari

محكيم الأستضر مطااشرف على تعاني التر

ومناصم وقروالمك الأرعمية

عكيم الامُت حضرت تضافوي علامليد بي لقيات والعات الاقتبارات كما يخش

هم واحد الإنداعة فإن لم تيم وان بعد مهم وان بعد مهم والد المستقول و المستقول و المستقول و المستقول و المستقول و المراص في الموسعة للمنظمة المنظمة الم

ده، احکام اکتر آنِ قعانوی میشند: ایک تعار فی مطالعه

ا مَكَام القرآن (فَعَالُونَّ) -- منظ وضوعيات دا كري مدمد يق *

احكام القرآ ن مفتى عبدالشكورتر ندى – تعارف ومنج

محد صوران باندول.

بیان افترآن مصنفہ محیم الامت مولانا انثرف علی تعانویؓ کا ایک محقق جائزہ

يدفير واكثر ملاح الديد على ال

rad residence of the street of

ر، کار سامه ۱۱۸ مهره که مهره کتب تعارف و تیمره کتب

عام كتاب ! حفزمت منتيم النامست مهود ملت موانا الشرف على الناوق كم على الدعملي مجدولت كارتاب مولانااشرف على

ملفوظ حكيم الاست

تهانوي مضامین کے نام رکھنا

41 - فرمایا سی المفوظات کے نام عی مکھ دیتا ہوں جاسے صورامایی دخره بواورفنوى بويا كه فرض جوسفهون ابمر بونات اس كانامركه وتنا مول كداس من اس كاحاصل كرناسل بونا كم مثلاً الرجيب كما ومكانا

سل حوالددے میں آسال ہوتی ہے اگر کسی اور عنمون میں اس مے حالد كي فرورت بوتومهولت بوتى ب.

سفرنامه لاېور و لکهنئو

ص نمبر **179**

mental ha

حينم الأستضر والنابشر ف على تعانى التر

ندوست و تعادل الله من المستقدي في من المستقدي في من المستقدي المستقدي المشارك المستقديد المستقدين المستقدين ا المستقدمة المستقد المستقدمة المستقدمة المستقدمة المستقدمة المستقدمين المستقدمين المستقدمين المستقدمين المستقدمة ولذا تدست من مستقدم والمستقدمة والمستقدمة والمستقدمة المستقدمين المستقدمين المستقدمين المستقدمة المستقدمة المستقدمة

دارات سندن برود نوش و موشول وهودن برود در باید به موسول به دارات و خارج بر ساخت بیمان به برا مه به باشد میمان ۱۳۰۱ به قصیرای مردوم فردی و است برود با در ساخت با این فرداد از ماشده قدت بروم امیسیا خواد کال این به برود ایرد اداری زاد انوروس علی موسید تالی قواری دارای با این این مواد از آن ساخت برای بیشان می شود از انوازی میمان

اراسته ای می درویل کسامیانه به قاری شد میری یکسده ۱۵ سد بدیریهای هد و کامل فیزار فروش که میرید. در به کارگرد بری که کافراند سر را ما بدید این کندری بدیده هایرین کم رای سعنی مکرفت کرک خان میری کشد های میری ک مرز خوال در استروی می های بیشانه بیشان بیشان شدند کشود کم با در بیری با شک هدهد.

الله على المسالمية المسال

مدرت عراورت كاداده ما مده مي اكيت صاحب فسيت ال ق فيس

معنون مگراه منت که ام در بی ایداد گذامه شد است هادهای درگ به با نشده این میکند بید دانند کنده با بدر این می داد ای می ناواند می دارسیدی فی سال میشود با در این میکند بید با در این فازم می بر خد اندانی در است می است این میکن این میکند است در از در این می سیدار می سال میکند بید این میکند بید این میکند این میکند این میکند و این میکند ا این میکند بید این میکند با در این میکندی این میکند از این میکند این میکند این میکند این میکند این میکند این می

الروائي المسائل ما الله المائية المائية

ر المنظمة المن المنظمة المنظم

المراون مراندا مند الباستان المرامة والرامة

دورید کانام اگرکی ایک میل مواد دوموی مرکار دوم ایرا داری با در ایران با ایران با ایران می در در در در در در در مدرید کانام اگرکی ایک میل می در ایران می در ایران می مادد که داری ساختاری که داری می داد و در در در در در در در

2 Life and July and for the first fine to go to and and constituted

را در این به مهم از در این به در این به می این به می این به در این شده به دانیان به در این به در این به در این این به در این به در این در دادی در این به در این به در این به در این به در این از این به در این ب

الما يعدد المستويات المواقع المراقع المواقع المستويات المواقع المستويات المواقع المستويات المست

معنون به باده المعنون المستوان المواجع ويؤخل بها، فاده من كان الموادك إيراس باليس العاط مين المعاط من المواحات مرجع الجواب مساكل بالمستوكد بالموادك المواجعة المواجعة من معنون أن المثار الدواري المستوكان بإعماد الدم كان إنتقال كان والموادع المواجعة على من وإدب الذمن الذمن كان المستدرين عن موادع نويم كان المواجعة

الموضوق التي المنظمة ا المنظمة المنظمة

ای با پنینه و دو درگید برای برای با برای سازند انتخاب می این اماده انتخاب می از در انتخاب برای در این می داد. این با این با این با در این با برای می در این با در این با در این با در این از با در این با در این از این با د آق داد در این با در این با در این می در این با در از این بر چنه با که سازند این می میداد و در این می در این با در این با

الدي كان من العيام الموسان المولاية القرام في المولاية في المواقع في المولاية في المواقع في المواق

wite

からない かいかいか

جوش برود نین کی -موت بردن این سخت ما مدند نه زی وای کافوی بی نصف شده اید مکنی بروژه کا مک بروت به شده اید بود با شده بود بی دخو دری جو اساکه ایدن اسال بیشند برویش که و کلند کافر اسان شده برویش میشند بودند

ر به مود با سود (در سیست به داد به قد می سیست به آن به این با می به این به این به این به این به این نشانیدی وابد این به این به در این به این به به این به می به این این به این ب وی این شد که می این به این وی این شد که می این به این می این به این می این این به این این به این

نا که دارد این به این بر این بر این بر این بر این به این به این به در به به این به این به این به این به این ای سال به این به این به این این به این این به این مهمان به این مهمان به این به این

سماریت از گزیر بودند که تم و ما که دارانده به به توانده و به این با فراید نویست شد (داده ها من سهید). دادند برگزارش داده بی دارگر اموان زمیک سایر زایان خاص میدن داده برسک باز دادک داده این و برای به بازی می دادد مده نویست از دادند شد کرد و این مدتر با نویست این بازی شاه شده این با نویست با در این این داده این این استان ا

ورس مدرس ورس مدرس من منافق بدرس مدرس واحداث الماضية بالماضية بالمعامل المدارس المعامل المعامل المعامل المعامل المعاملة المنافظة منافع المنافظة بين منافظة المنافظة المنافظة المنافظة المنافظة المنافظة المنافظة المنافظة المنافظة المنافظة المن

ار آن این که موسد باز به فی کسند در موقعی میده برخد که اولید برخده داشد. مدودی فشان میداند. که آن می گوانده می آن این که موسد این به این این در سدید کشده برخی میسید به برز موسدی بازند میداند. در در برزی شوارد میشود ما وی مهای میشود این ادارای که میشود که این می کند. در این می برز موسدی بازند میداند. در در برزی شوارد میشود ما وی مهای میشود.

کونین دیدگاه ایر در پریاب سیست شده با ۱۵ با ۱۵ بودند اندازه یک این حضوری شده وی کامیس بدان یک بیش با طوز می کارد از این خدمید برای بیشه است و در اندازه یا بازشد سیست امراضیته شده بردید با بریدان آندازی نده کشد و کارد در نشر کارد برای کند در در در سری سیسکار افزار کارد برای با سیسکار ایران برای برای بیش برای شده برای در و در در در در در در بردید برای برای می در در در ناز در ند در در است کارد کرد از این برای برای در در در در در در

چار میشد چی جوار دادگین هدرسده حرشه اقدسی که خوانیت سه دان فارد رسامی کرد جا ا او دهندی می مدسسته جهد بیشد می که مدلی توانهش کی معرشه دانا چرنگروس توسعی میزد و که شد کانه دارد درید کان بیرید و کی مدکونیت رسیخت شد . اس چا در این برای و به کار برای به این برای محلی این معدن سال به این که است آن که میشود که این این به این برای به ای در این برای به این در این به ای در این به این در این به ای

ر مرح اگرایس به از مین از مین شده به سال به در این می باشد با به به این به این به این به این به این به این به را در دانوی که به این به این به این به در این به در این به در این به این به به این به به این به این به به این به این به این به این به این به در این به این

ر المساول الم

معارض و منا

ير الأي العربي أعلى من المستقد على المواقع المدافع الإن التعاقب في البدون عن المدافع المدافع المدافع المدافع ال المراوع في القد أن المدافع الم المدافع المدافعة ال

معوضه قدمی بیشندنت کمه مدید درگای آن مصفیه بی هدیراید سنده و قرم الملید و فایدن که در بیرانند. کیرجه در سع متنی دارگذیر دانو بیانی امنیت دوداری های ما میشانه دی امنی مدیران بشد کاملا آن بر از کیر در سد کردند نیز کامس قدر داند نیز کامس قدر

المريخ المثال اليها الميان المساول الموسط الميان الموسط الميان الميان الميان الميان الميان الميان الميان الميا الميان الموسط الميان الميا الميان المي الميان الميان

assay of

ي كدوكا مصر بسي قالترمان ترمي و مبانت دي كرمي كافي عاديد ص لی شاه ملیان صاصب وجردی ایک مشور بزرگ بوشکیس داده ای بزنگ سف هوست سندگی یا ۱۰ کافات آدایی - ایکسیان معلمیت فر معاد تنسوس من الدوس فاحد موت معارة والمراج المسول وووف كالات بول موساع الر ورويف الكساميس بيف وسقديد الدكي كاستندر وهرت كالم مدكر زادك وباغة كلور سندكي كسك " منوشاولا و الراحث منا في مده و اكسر حد ما الروم زسته بي مداد تعاصب مكر البائل يند ، ولكي ي مورس مورت كرد كوما منا قولها الله المرسه لبدر الألا مركاة بها كي ويدر وكوري والداد الواحق بدما صب قدس مراع في الإسدار الدين عدى اقل ا وسام بي صامي كالبيد المراشيد والمورسك مناديخ اليف الأوكروب وكيان اليد كان وكالبيامي كالم معزست هروسه والانا والما والمار مرجال ترجال ترجال تري تر وكان عدد معدر بروكود دره كويد والمريث وورا وتيا الألوى الى روات دنياسقاسيم الانقد نفي ، لين واقت سك عمق عالم الدول ما كازدكي مثر فور رقعب رشه و تضريح كما الأموت ف ب ی حدیث کی در تحاست کی تی ای بیانا تومیات اب کے مانڈنج کی تعلیک دیات دیے اور دائقی مزین کراپ معدالی فيتعامد في دارة ي مر مداليها و ما درال زل كل من عن الدوك مدم و و الري حيست اللها و ہ اور پرشید اور کھوں اسک ساتھ جرات و ال روہا ہی خوت ا دیب سامسوم ہوا ہے ۔ تیام تعاد میوں سک وقت معرت مثلاثی لعواحا وشائل كا مال كرمست كان مرت الا وفيلاكسف تق برس كي سع كر بك أن دى وافي الا واتب الأكرميس كي المذلا صده العبى دور مي مستفيس من شال ند اينداس مرسد بنده ك ردوكي مِدى كردكان الدخوب بي يركا لول - ثيخ المست ٥٥ هروص مدوية سناع كوير المان والقديد والريت والمقدي كالكوي كالمنافرة ماس ادروي الي يوسزت مودة لوقام رات كالكروفاس عدوي معاريت من وقع دو الديث الكروكاس ويواسوم فراك الاكوس والمنطوعكال المصعدوية فكر وت " كامل المات مصل لمسترك تنظر شيخ الدال العيب" بي حربها ي امقادت الشريب وه عالم المثلامية رميس وفي بول المر وجذاملت خدرادة اف عالفاظ فين بالمديمة بالدارى وي م كرمها عدى ي بركون ها أوجد يرى المدر تسيدالدان يك ومدة . الى على احراس وكايت كي باشته : الى دورك بدريك موة اليس العربيان على المسالة من المساعلة في ورد كاندين المع والواكل مي إي نظرة ب معرت فالن كانتن فراست . في الزي عام التد عام التد عام ل دائد من كوري وي " تبيد كم من من كالمن و دون من كل الله من دود و ودود و الله و これにないないとうとってった

 برويس toobaa-elibrary blogspot com

المن الموان المنظمة المن يصدق على والمنطقة عدد في التي يوانين في يعد المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة ا من المنظمة الم المنظمة المنظمة

و المراقب المستقبل المراقب والمحراف المراقب المراقب المراقب المراقب المحافظ المراقب الموادي و المراقب والحاسخة المراقب والمحراف والمحراف المراقب المراقب المراقب في الميان المراقب في الميان كردا أم السير المراقب و والمراقب المراقب المراقب والمراقب والمراقب المراقب المراقب المستقبل المراقب المراقب المستقبل المراقب المستقبل المراقب

عباره النسبت كي فرده اسال كل كل ... معمل شايد المعمد التي يسام يعد منه في تقد المستنع العرب هم قدار برد فد كومنو كه مكونت مينا ركس كل الكن برا يسي كي المحكم بالانسداد التي يعد بالمعمد من المعرب على السياح العرب المعمد المعرب المعرب المعرب المعرب المعرب المع

ک کاکول بالآساد (دان منا به کسماسده که اشدا کان به بی وارد داند ویریت کاکه ما استیاست و ایره مند کار ایری کشد ویرشود که بود ویران کار ایری کالسید کو می مشکل معروست ندوی بروشد ند سید و اداره یوکر کار کار کار کار داد و میست کهند فرسته از شکار بیزوان در

موارد او مکننده به بسیده جدامت حاصره کی توکه توکه این باید احت امام به موادندها داشد به باید است. بها انجفار اکنیس مکنیده دارد است مواد به حدودان بیده ادامه که میست می را مدت مرابع اثر این مکنیده و «میشد» کایدام خاک مسیکی واقال مشاکیه بدک اردام بدن که در از که داران از کار از در ناشد می میکند.

ي م الما و المست ما المناع ر المستدون م المستدي المستدون

ر میره بازد خشق استد کویگی اما شده می گذاشد. به بیشته که صفره میروانی چود را نیج اموادی از مرسط را کهای بیده می هم نامه شده که دو معدماندگی ها و میرواندگی است شد سد از میرواندگاه آن را دارد است می را در می میرواندگاه برای برای و میرواندگاه و برای و میرو میرواندگیای شده و در از میشند بین شامست و دند شده میرواند بید و میرواندشد می واست بیدان یک و میرواند

ي ويوان المان المولد وسيح المراده في المراد المان المراد المان المراد المان عاد مي عليه المولد المراد يوانون كواولات على مجاريسته في والومان لهر وي . ويوانون كواولات على مجاريسته في والومان لهر وي .

ا الله المستحد المستح

toobaa elibrary blogspot com

المسيدية ال

ای در است آن برای به برای کی در است به برای با برای به برای به برای به است به برای به

toobaa-elibrary blogspot com يعرف معان المستعدد المستعدد

واليسي اورفسي هم وطن عيرف بي الرائع يحت من المستقب المستقب المستقب التون ويمال مجل عامري المدندة الم

مثلق ماده در رسفه عشمت ال مجمل شده دانده مرسفه عاشقال من مصفوق ست مرهنگ قدما من مدرسه باشق مراقع سسبط و الشوی بریدای در معرف من مرحمت من مرکزی و مرسای الله در این است.

المراق المساوي المساوي المساوي المراق المساوي المراق المساوي المساوي

در الله الما الله المستركة و المستركة و المستركة الله المستركة الله المستركة الله المستركة الله المستركة المست

ر با بار با منافق دستان از بره ای به سینی باشدان بهداد به از ما تنافق بیدا به با بیدان منافق بیدان بیدان بیدان به بیرای تشویده این بیدان نقد از منافق بیدان بیدان بیدان بیدان با بیدان بیدان بیدان بیدان بیدان بیدان بیدان بی در منافق بیدان و میران مدافع دادان اسم بدان بیدان بیدان و این بیدان ب

والعالمي وكروي لشان النيفي المحراس فليناس عي محصلت كامركا ينيل أدمات عب. عزض ميكين المنظراب مرصتي على في ميري الداويل صاحب كاخوري مي ميت الدموهون من ميتري آدب كالحراف مرمن برمستاگی حوں جوں عادا ک

بيب اضغراسيد والشامت عدست كزريث دائل آدايب وايتدا بيذشيخ يأكالى قذى مرؤ كي معامت بيرجي بأراص عي بي يومق كمياك است النوارج برح الدويل صاحب سعدي جاروج في كره ليكن عاص كي - بوار مب را وليكشيخ إكمال قدى مرع كالدست بي بينيا ل رقدای دو در کاکرون و مروو ماست و ایس مد فی ما اسون مدون کی کامنون می داد جرم است داد می است دارد می است ب و مرد و سف ای بود که و بسال سک و در کرد در فرای ان سه که و سید مک ما را بروارم و شدید کرد در موسی د عن كرية مرا ميد و ما حيد بندو تان من دورت عيده المدت كون كان و الفيك والدح و المثنا فا دهي وويرى كوات كر ميني مانور ف والاندسية إدار زان بام مي وال عاد أربواس كاهال فودهنت اقدى بول بان فرائد تي بورو توجير م سند یک موزیت کار بهنیام بنایا مثنا ، س مثنیتی البیامعلیم مواجعه میکند بورش کرد برگزی برق محال میکند میروش می دربیطند موسط ر برس ما محزاد که درای . موراک نصف مصبی کر براشان دوگی رو در رسیانک و در معنی ما دن تمار این هری و شوق می کینسیت ال الله بالكي وديا الن الله الله العالمة عا وي رتيك نفيا طبق مك بد ومعن علين كا خدمت بي مامن يستون - 18amin 184 y

مركمازس الن كميرد ارخل والشعد كمرو روزرو مجدد اللَّت كوتسليلت عدوضت طروح مرئي ادرون بدن اس من تريَّ مولّ مع كي ميان كلسكركم في مجليد عوب مقام لين دوورس دورس و تديي سه ي بداشين فلوم ك وصوعت كي نسيب يادان كه الركمي كانورت من بدائد و وادا مرواي والمار مون مي ميكر مني موا " موا من حدكم مستم يم منان ل كرن القام الدارية تشان مون كوم و كال معرف " الما ل من دو إر و منكل بنا يا المان المراب المان الاستان والمراب المان المراب المان المان المراب المان الما الت يكوم مد مويل الله السر المسلف عد يطر الراء عدد مد الدى عاص كل اليراي المرووي المصير ما مب بدوال كومد الل بنايا دف براست بهم مريستي قبعل فيال والرهاري وسع من ترتب وسدكم برفرن ك نفقان وحرية عياسة بهدة الداول كان وسعه والمدالية الا عدد كري و المواق المراح من فوق فوق الا يرسع يوسك من دعون الوسويك والمعن كالأوجاب الداء من مواد أس م بن نظرمت عد المسامد مورد بسيد فوق كرد كالله عام ي واللي بوكا وداسيها مسعدد والموك ورر في وكرد ك

وروت أب كامل مي دواك من الدميل وبتاب : ومكوب قد الدري والتلام) ادم مدمن كافي سكماكات ولا ولك دريار عدد بداور جلوت ويقسيت كالرائي وكو وكر وكب تعلق كالماس ن سد عرص و در المدرسد كي شين منيك في من وي دب اوراب الداوع مدا ي عن في كا غرار مني

a-545.

وشامير

23/33/20 " تي د قال سر ملك لا كرات كيديد مدست معلى قى كر"

in the syn of the wind was a subject to saint

روستان کر دربود دندند کرد کو پیمان و ویسک زونسدن د نبید کا نک د بودن چرود می ستان تشعیر و بردگی وست س و ایست and the service of th

المانية عصداللت كالعدورة من الماعية أوبيات في

الاهم منتق في م كان كبون مرستو بمنادين الدود ون ساسم مود و د مرک دوات ما بی مناحب کی عرب دوروزی ما می مدامی سر مدان مناحق از کاشان شده مناف که و است ما دادی جی در و مستا

me said it is at the sold and a the year our granger wis conflict for the and you con in the off fire goile to will one of the fire of short in circums by the last read in for sweetile projet his a transaction of موسل کمس مکند، و محل و مکرد کا و و و در این ایس کا ماه می میداند و مطل می دان و دیگ و کرد کا در این داشته دی يس ول من كل من ومشيد ويدافو و كالعديث و من من من من من المراب الكرام الكرام الكروم الكروم الكروم الكروم المراب

وم مليه وزيك ويدوي وي دويدوي وي كردو كي وي دويد ويد منه ي وزي دوي ووي وي من من من ي عاد كرد مد ست س جيك رو مكتب او يومي ما يي جد يول س سع مالد مال يرمي علي ملي مشر منيس"

معتدة والتي ورسافة من ما من وور الشائل مكرور والواسون الدوج الركد المركد التي عراقب ومديد التي أسالاندان to de Site. The forther in they show the of the contraction of the own

معاتم بالأعراب والشار مواع كمنت من ايرم والانامال Jacobson Merca May more denis

و من منت ما من بارها من الدائمي تدويوات تي كر دويو وصوب من يسكون ساكون الدور و ومن و . . خيا مس كار -ده در الله و در الله من والع مور و الله و در الله من الله من الدي مروال مدر من منات دكوم سعة عداللت من دمون تشريف تقد مين وخور كشره بروره بوارك س عدالي

ال المان ما ع ميك الميان و المان الم

morato

الم مودى الرصين مدا صيد كلوي اللك فا فعال المود أست موسيق ما والمرابع الإرام إلى والمحرا ما مداد والمواكل شريع ورسيعارض كالمرسات وروما والراب عام المراب والراب المال كالمالي المالي كالمالي كالمالية موال المالية لے اور ان معدومت و کے وی دور ان میں معاف کا بی عدیا مقال میں اور ان مال ان معاف میں وال ان ان ان ان ان ان ان ا ووللطب الشريق وفادة وموسل والمراعل ولي معروى ويد وعدك مطوات كارون القاب وكده مامي ما القطم الاست ف المان المراك المراك و المراك و المراك و المراك المر مسينده من المنام الرياس على من ولا موان بعد المالي المالي على المرواد المالية به ي الما المان ما يمام المرا مبدا المراك المراك المراك المراك المراك المراك المراك المراك المراك الم عى سعد ميزد ماكن سه الذاتك تدل دوية عوص الزيا أليد سال كلب " فعيد بيست ما دى دو المطارية من كى ميامت ى يون والمالكان عديد والمراج والمار والمراج وا إن الى يات يون كالعيل كمايي والواء الرود مذير - بروسناق ومدان والمساسة ومدت أب عالى إلى ال والمعلى الم المستعمري الني والمدورة إلى أسك يروس والت إلى كرمس والروال والمداعية فالمست ، كما الوالى ياد المسك الدار مي الحل المساس بالدين و ورا ما الماري المراجعين كالمراج من المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة والمراجعة المراجعة ا دار و ما دیم وال داشت کی گر ری بوگ ال بن بات بن كاس منا و شديد كاليك ميك من الله سيم ميسيند قويك ميكن درول درق بديد اس ماس براوكا ادركيدا وروغ و تلي معيزة وبالا كوك وادت جاب م عاص صنيت ميرة البلت كه وه مرتب عطائر ومي كر مهديت - حاشرك بالأحيد بي كان ي معنت بندك اودم الكندكي سيعه ويل يمل الكسما عنواد وروس واس مصريت، قدى ك مقام عمديت كانداره ومكاساء

the additional the second of the simulation of the second of the second

44.3.0

No MARCH

نیا مج حرشه در گداده این که ایندگرش به که کارد داد. منابع حرشه در گذاری می این می که ایندگری و موسید به دارد و زند در از خواسیا بی می بیان میشد که

هنام باید بیشتر باطرین با با می این این می این با بیشتر به بر با بیشتر به می باید با بیشتر به این بیشتر بیشتر ۱۵ به باید بی بیشتر بیشتر به آن می بیشتر به این بیشتر به بیشتر به بیشتر به بیشتر به بیشتر به این بیشتر به این بیشتر با بیشتر بیشتر میشتر بیشتر بی

toobaa-elibrary blogspot com a respective

حغرمت موادا عبدالبه د کامه سب عدی سابق برد فدرونسد اساور حاصر حمّا نید معندت الدي كويد متروس والمعن فرع حزت البد عمد أي المعاديد والما والقرافي أب عده الما والمعالم المار الله ي

こと いんつかかいいいいいんいいい

الرساسة بالإروسة عابندها غانشنه

مع العقامت، وتنظيم كار المعادن من أو بداري الدائل بي ميزادن على ويندوي ودواد دح الم مادها كيست ومن ي كرند كي مود وسده و مترن د - متي سته مكونوست كي مدّان شان كار وصف ي ست في زيد و أسيد سعه بی رسگ در دومل زندگی ایرا سرون مزیل کارد باست دی لاک ای ای ایله می از شدی در از داد و خوشت می ساکندست و این مع ويقي من من كاف ريد وروي كار وروي المريت على الله ويد التلك الله الما ما الله ما والموسين ولا الله - ニャングリレン ラブル

ص وروعه

ري عقل ووالسشى ما در كراسست يا كالرام الدي درك مك و د كر مسد مد ملي منت و و د د دي معينة رسته منتعه والما دو كارسيت شركي وشيت اصلح

د يى سمد دوانال مرقرا .. د معلى سه - اس كي اداه يست - اسى بيله دادك اساده يمي الى ذيكي امواد، كوس سك ما فدور دور مودور الله - ل كرم مى الترهير وسل وسل مال سي ك مدا تما ي على المراق المستان عند الكانت التي المراق المستون المراق المستان المراق المراق المراق المستان المست

فرورسي وفاستان ب- و-ووس الكلود ومورست وي و- ويد عد الزفر على را يمان القيد كادت تهاد س يرياني ومثل زمل مارغدوقيو وستصوا فسنت منك ميدما والمناكب عام بحد بي في عن من موثعثى من يوثن منا العدامة وميت رسك تو مد در وق دكي سعد عن شق على و و ن ك يه والوجود بالد حاللدكر يقت هي دواز الارتشاق ك العامل سك سيك صورت فاكرت ودي ين أويزي ميلويس ك الدريان بالديان بالدوار والل إلى يال من من والرك سعد يصفين والنات مايدر والا ميدون من وين براه و كدور و دين ما علي مك كروي مقيم بين أكده حد أماني و إن بي بالمساور ما و المتطبع من ومسور كو.

معتدر داره كار مي العول مقال كي شخص واحدت صاحب مالقاد ي مدست دكرسه وكي ال سك عراد الدر راست مي الاستدامية لسه دور المان و المان و المان المان و المان المان و المان ال

وقت المنافخ موسد كالمكان تقاص يدرم معادف مامل كسد ويصعدت سديك مدول بالمكامقا كالاس كما هاي ما دير للتصميت كالمصيفيدال كدعو ناشاء يق

مع والم يكمن ويل وقت كى مقام عدة بها الدويل كى وتت قيام شال دوريد معاش وى مدول وير كم ماك و

0163000 خير يهم أستنده اردوه عربي الكري كس تسدست شفكا شتنده الي استيامن عاقات المجاملة عي الحركزية بارتبال والعرب مثناق عر Similaria a mantimentilling and phantist or your ك يا الما يما المارية وي الماري مع الله والماري الماريم الماريم والماريم والماريم والماريم والماريم والمرادية جاجها يدى الفير - بال كانتهم هام كافريد اسي - الرياة والقراعان م لياسي الدوى اللان معي من مدات

مك وقات واضت ومعروفيت كالعيلب. ال عاد الله و براية ك الذارك يد مو و مؤاليات شاف المساع عدد ما يوال الدوم و الذارك ما من ما while winger to She will be in fire in the the constitute with the ميور لك بل الدر الل عي مقاق وعلى سكان الربع ويات بينون فطود كالل بدوابات كالديكون م اعدا كه ورورط

مالات كالما مدند الماكند المنزقات كالديوولية وكالمقد كالمديد والدول تشكل مية ولا كم مراب كراتي المديد اسى احد ل دخى كانفير تنا ـ

واضی مندگی ا وطور میز داس در دار در اعدار ساید دیند کاری شدگی برای ان بانگاه می جانی می الدیتران از واضی مندگی منيت كي ده ودوع مليوت يتي ال بيام كافت بعنى كاميت من أن مادي مددي كرك ديد إحقاد التي والتي التي التي التي التي كالما والمراد كالمواكرية على الربع و في فال ويد عدد ويدا كالد فيط مون مع المراد والمراع المراد والمراء والمراع المراد والمراع المراء والمراع المراع الم

- 直直りとリートセットといい

الى فاريرى الاسكان كى بعيد دالية سفى كى كى فاس كاسف كى والمن وكسف عبد مسيدة والدعر عدوات كى مديم الم بناتاس مي ي ديد مراس منادك كال كال كار و و وال يداون ميدون و وي ما ورك الله يكسان こくいいちゃーナテール ووركزت ستانل كم كالمرايدي عن الفوال عدمات عدد الله والمنال والمدال والمال والمالية

fision Ling in an in Santranitarining of animal is sure تركيت على وقال وكافرورك شاء بعوست و كرم والتعديد كم عدائن برك عرف كانديد ع والانت تا وك ب كومير والعاد كر بدر قدم و كلة ي و وارج والسيد رمان كدا تا عدد مكالت رافع جوروا الله يوج

الكرداريار ريل مويس عبادت الدراق الريد كالوميد الدرى صنت ميد مرويام الكال دال -صرات الله والتذكر كم من الفائد كالمرافع كالمرافع كالمرافع المائد كالمراب الله والمرابع المرابع المرابع

Simes x 35 = 16 for Second the for full of Signer to go side of any toobaa-el-brary blogspot com

میراندامید خسومیستانی آن در مکامان نید : موزادانشد شکاس آنداد اینست دکیرا میان مکارند می مهوشت مداده شد امت ی ستر باشش و را هم قامه داد.

ميون سيد المنظم المساحة والمستاح المواد البلادي المراقب المستاحة المناطق المناطق الشدى من المستاس المنظم المداد عنوات بنظرا الاستعمال عند الدول في من مورك بركسان القرار وي العداد الما والمستاحة الموادع المستاكة المستاكة و مكسية تنهم والمستعمل المنافذة في الدول المنظمة العقد المام الدولت كي القيل لاما تقد المنظمة .

ن مندوبی سند در میدند. منافع است و بعد است در در میدند میده در میدند به در آن و مرشد میدند میدند در در سند در میدند در در مید در می می به می او است سند شده یا با می بیشه پرست مدد دهم رکتیس به دم ترکدی شدگی میشی برد وشیط از در فیشان در در است داد

می ایسال جسف کے آر سکت ہے ۔ یا ہے۔ مقری اصلام متازم جاتھ سے معلاج دارج تا باد اوری آمال کی اس موش کا خاط مت ای کر کسر جواری کی میکن تعریبی تر نباد سک احتیار میں ہے۔

ع مربل چشتا کی جود دوای آن نوبرک کی آفتر با بنده کی بخوشده آن رومناصب و شوش برگ بکور برد و کی کیفیشنده دی دشتا کی پخرمیس می برش کا اور تا تا تا با در این از این از این از این از این این این این برش کا کی کیفیشنده دی دشتا کی پخرمیس می برش کا اور

معمده با شد تری ۱۳ میسیایی تا این استیاب سیدن تعییر توقیط و "بیشتره تریت تک با بیش در بیده مکتب بین میشکد. بین نرسته او در شدند و تین مصدی تکده شدین شده در میل با شدین افراد قرق بیده دادم برگر میشدند: معیا فرایست کا ایندم بیال اداری از تا بیشتم کمی در نیست دارای می سد ده مدیر و بیست می بدود و این قر شده میری

ان به المستوحة المست

ول ما ول ما تدوية جاكل من يجري كوسني منها منا منا منا ورتنها وين ١١١، ويدي الما ويون الما

toobaa-elibrary blogspot com Shaywarer

مي تهدمند

ی دری رست و در مال ۱۹ دو در این می در می می می می می می این می در در در در می در می در می در می در می در می در a zound it rever is to she shows مرد و المراد و المرد الم

المكر لافت من يول معايش مروسان سيدم

a 12 なんといるのはなる 2.5 差 2.5 まんけいことという مومینا صواسیسای مشترمدی ا ب دامیای

ひししてずれしず 12いりにない - لياد دوسيد فرون سياس فين أكل الديرانين فيداليون مكرما من من منت رواوز منان كاراده كا Kappymolia 108376 &

عيد كان مازور ويلى كان عديد إلى ما مك والف كرد ويلي يرجل كالأدي المرسنة والمثنى إرال مناجر مدك كور فعل كان والما و ما معام و شاعد و معاملة المعاملة و المعاملة و المعاملة و المعاملة و المعاملة المع ويدم وكروم وقد اس كا ندازه وي كسطك مس في محتر متن في عشك و مدان اواس من كمينيت سك المسادسته المبيد

ي سائش دانت باساكيد م س توسى جيال مي ميتراف الله المن المقيمة كومني من افاكنادك مسها واستداناهم عرمندر منان سزيت وهدين منط كلات علية وعدومات النديد الدكون والله ور

اليد شهر ده دور كان ك يدب كي شعاعت كي عاجت في و بالفرى شاوت ، أدك و ع الحا بالدوس القال ، الموجع were land of heart for it Ister for a to so a the same imposed طور سے واک می کی دونشو کری آواں کی آوان سے کا واحد اللہ ہے ، جا تھا کہ اور سے الماد اندی استان شاہد ارافادے الارورے حبود مشر وفع البارى ومكلا عي الشرعيل سافيس فريشة شيق فرا مسكون كرده النان كاخر والروكون كرميان رجاري كرول فيز استفرس كابوكى وذاكر عاقريض م كالغيركم وفتى مى بخشعاس كالتكوس الذي الماست كي بيد الرسط الكادور والثاث

الدي والتدي معام سطف المي ين الي مرمن وندي الموريز ومثري. كاسك والفرسل مهم حتى يرسي بين ودمي شاح بيرس كومعزت مد كيد ساس عشري المقاص مي فقاء قرب قريب سب الم الاقتاق الرضاء وكخب، معتلى الدي كرية مثل قريق على مديد تقري برش الدثيثري سك وانت مين مقرين وسامسين كم يتكب بتعالي - دوديش وس عدد ما الا الدور العال الدور العال من المدون الدورة كار الا أن الدوي والعالم الدورة سے کھیں ا جائز ، بود اس ماده در جو کی سند د بو فی ماد که دو از دول سے مجان مد سات کا کرد شخصیت کا تا افراب با تاک ورجى حزت ك صاديس النياد كفات كرن ل وأت : من أ المراح رب سب اليصال أن ب كيايا. إذا ب عدد ال

ان وه و آر المرحية المساق المواقعة المواقعة المساق المساق المواقعة المواقعة المواقعة المواقعة المواقعة المواقع المساق المواقعة المساق المساق المواقعة المواقعة المواقعة المواقعة المواقعة المواقعة المواقعة المواقعة المواقعة المداقعة المواقعة المواقعة

سنة العرق مشعرت للدون وخا منا ما وسره وصعده كما الكافيل من المساحق والمستحالية التي الله المساوية المستحال الكاف المستحد المس

ا المسائل المستنى عوق من المناطعة في ودون المسائل المراعة الكون أو يراي و منطق المداعة والمسائل المستنى المسائل المسا

والم المدانين بيلوه سه وي مركز في الميدان بير في الميدان الميدان الميدان الميدان الميدان الميدان الميدان المي والا المدانية الميدالله ومدان الميدان الميدان الميدان الميدان الميدان الميدان الميدان الميدان الميدان الميدان

مه با المساور في المساور في المساور في المساور في المواجعة في المواجعة في المساور والمحكمة في المواجعة في المو المواجعة في المساور في المساور في المواجعة في المساور في المساور والمواجعة في المساور المساور والمساور والمساور في المساور والمساور و

toobaa-eibrary blogspot com المارين والمارين

as se سركم باستر تقدمه بن كالفيكي معبست كرش الدهيدية الدكي في برسوق تي بيل ست إكدومات بوكراد وكر برتسيوس مدون الند ميركروني وست شف الدي مدل البك منده كالميد شدوري الدين كالتفاريد ووز وينت كاولا كراما يتي منز ساق بي على غريد كاكي جاهت كان مصيرة المكافئ مهد على فقائ ولايارت وهمّة فاللون ترج اللوم م بدارت العيرت واستدكّى كا الدفعيار الماركي والابت للاز بهلات فلعب والهيين وتشيق وتشعيات مؤت ووب يدادها والابود فياكي الدواخة ع برح الخاص مكن مكيب يرمور بسيد جين عوادة و مقادي بالأشرشي حاتق اين مع المدين كالشاخيت مك ريد معنيق ووم معاسلام مستقده والداري معلى وموجد مداست كي معلى وشي مدست احمد و بدوه والإتجام مع عليون على المواحد المودقية مد ومنان كر حكم الحراث وطلب والقادر على دوكا دائة منتف يد مسكم مرسد مرم عالي كورس ور ورون عيرون الناو سكدون الدوم كاليداك براسان يك وفدرن عد المدوري الداري مدن بيل عدده درقاص جسكت

بيرشة بشدمان ومتقل بقامير ومن كفريعش يوسي وسيدكي وكان وادواق المرك وكالموا المرام والمراد بيان كالأسهرين سيك تشديدات مكسي الي مقرار وأي كرستاس كادبر راياس في بويك مي ركوب عدد وأن س عرب ماندس بيد مره واي سيدات وسد يك مروي يران راوي في عديد راد ورسد كرس سد دواي مردي دد الله وست دي ميت يد من و مرس مك ورش كان سك جليت ورض كرسف كالن ومهدد المنيت وسن كراس ودي ديد ير موي الاراء ويدا والمستان والمراسية والمراس المراس والمراس المراس والمار المالية والمراسية المراسية المراسية مندي نيس دهي الداعظة الرباب فريسة عيراصل والبت ار داوري تين والإنتاء بين اورس واردون و الكيسان عندا مقاده كركمة ا وراب في الله الله عناده الن كاساعل بنا سكت بدر الاكرائة برال يراس و فاحت كاللاه يدا مجرب والرب منعق الاعلى والدون والمرية من المالي من الله والله عداد والمد من والمندوس والمدون كرا من مايت ولا الدين كم ما مق مياي كرست يلى و معادت مع كركتر يداد وي كفي اين مزمري ذكاوت والعانت كالكيد دار م ل خير مات ساعه منديد إكرة الد برصاف که اصل مشیقت کریمها نیان که و باست کا ماس برد شا .

خواس محسية تغييريان القرآن مرشاء شؤى موة تاروم الدحرة ل كسية مشتق زور بال الي كار مها الوكيراهي ع لنسيات بري وي نفوي ويت ما منار صده عدى ويوس به وب يس مكتي درو لا دارا ب وسيد مندرو مه کندو شای محلی درواده وی بی ایک کرد کر مرا امریک برا

عنده بيما واحق فلك الامتراكي المراج المجلي مراها وسرك بيدما ويزر بدوي والارتداء ومراعات ووارا والمراع المتراجد ومراد かんしょうなんないこうけんちょうとうかいとしていることにあっているというないからいっていかいないないないと · per a facility sing of same of since will get in the will be good to

ده، ترب الاشاة

Merch street

مها آن داند. به مدوده به بینهای نششته امرانی که رس سند ب دانوی شاوه و همکنه بین که به مدود به بین به شرق به که که برای برای تنبیده انزید ۱۰ به بین مدس شاه درمایی بینهایی خاص مدارد برای بین به از فران میساند امال بدر بدر این از در برای با در با برای با در بین به بین مدد در بینهایی خاص مدکد و در نشوی به از فران نشید بین مدارد به نیست مدد امده داد به اگلاف مستانی به ایما که در در در

ال المعالي بهما متوصف و النصيع برايس. محق فول الأيافية بهم مهم الا المنط عاري الانتسان في الدين بأعارت العالمة العروف واسي السالة الي الانتساط الدي يلي مناك المستشرع عياق والموارك ما المائة كرست كرا ورسيدان - المراسيت باست مهم والاستساده على ما يوارخ - كرا -

درن مرم من و الملت كريدة على المراسية على المراسية على المراسية ا

٠ المرتبادي الإعليم والما المرتباري والمراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد الم

toobaa-elibrary blogspot com برئدس

الكامات ويمية شان عنظرين مركزتيدي كالمرتقال مناكب، والعامات على المستدك على معانسا إلى - my in the wal was a make of in the water on the site on the ادرايات العلين در و رسال الإسرام و دار اي ك - و ي مالا فال اي كون ميكود ب اي كور كود و مالي واست ي

مري شيدي ماندي

نان النافرى سروى . دىركى دىركى دىركى دىركى دى دى كارى دى دىركى ال كالمنديات هدواسمة ل سكروريده و والى جريسي مورادو معال كالمناع والديا كالإحد وأن الوووروس كالا

الله الله المان من من المدار مع المراد المرا مندح المرفقة من فتائع سرت

لا و سبعد و دوی وابع سرسان در خوانیت سر دفی چرای موکزید ب میسان میل ساسا

المراوية المراس من والمراس المراس المراس المراس المراج الم - Good 318- will so griss relained good on in in in in just surisher こいこうじんかいっていかこうしんののかれるとうかとところんこんかっこいからいらいこう ين بالى الدين كالمات و ماليا و مده كالي على المدمان وحرار الدي كالمعاني الرياب عالم - FLOR C = 8Kg U Sin SSIAKSM

ما غامهم يرا يعبد كري فري مرك فسيد عدن اللي درك سادير إث ديد ما ير وادل كانداد ك يم واقت عصد مام بي و رفري معطول مدي على المواقد من المرادي منظ بي وي الما تكام التي موالي المواة الماس بعط بي اليم الك بي متدامتان من الرسلدكا المرام عنية منا القالوى مداروا اس.

مولانا کی تصانیعت کے الواع | موہ تک رسانی ادر تصویم کی اثناء اور توسک تریب سید عملان یا برا میں اس کے الواع ا

القري كام عديد المنظري و بس الياميزين كالي كي معادل كاري

ر الله المين مع المراد رود بادي مي هند فروع دوسان وكنسه الدين مي بين محافر وي بيق الهاد ل الم الريال المراد و و سريق معيم - والتي تسريد عن المراد المناسسات - المنابسات الدين - ان و را العت مالرده - ووقال في من عرب الماس على المر من المستمية في المراسة ورتي داري مي بي : - شرق روم - تعاف داري - حاد بال الا

ي من مودي كانتياب مودن ي يك متوى زود برا عداد والراقي ما دوي في ميد العام الله المعادي ر از من من من من من این کوشند مون بی کید شموی زیره آم سه دان والب می سه موتی می بدن انظام ای بیشه بود. کفتر و اسر از داندان به در مادی مشرق کافت بر گروشایت به این مناق کی بوریت از داکدان ب . کید ادد کام ۱۰۰۰ میزد

عادمه المعتردة معرسادي

المرام كالمدائد عد عافظ ما الدفع كالمدخروك الدفع الدفار المكار المعدم

ين سين المناس ال

معاشيك فأتاوه

المراقع المستحد المست

ختاج رحدة موجل کارشنده بساحه کارشنانی نام و ترکز استان می ایند مدیند بهی کارد بایدن (کارسامه سید شاک ای سین کشاهانده شاهدی کار مشتام از نکامینده ای ایج کارشد می ایم به براید بند. در این کارشنانی است میدند کارس براید کاری ای سید را کارش به بیرمانده برای کاری بایدند و کارسیاکی ایران میداد ب

ئەستىنى ئەچ دەرئات ئۇلۇپىلىدۇ چىقىنىدىنىدىن ئۇلىق ئەتقەرىق ئۇلەپ ئۇرىيىلىنىڭ ئەرگەپ دەرئاپ بىلادىلىن. ئىچىدە قىقىرارىت ئىچىلىقات قەققىق ئىلىنىڭ ئەستىنىڭ ئاستىنىڭ ئىلىنىڭ ئاستىنىڭ ئاستىنىڭ ئاستىنىڭ ئاستىنىڭ ئاستىن ئىچىدە قىقىرارىت ئىچىلىقى ئىلىنىڭ ئاستىنىڭ ئىلىنىڭ ئاستىنىڭ ئىلىنىڭ ئاستىنىڭ ئاستىنىڭ ئاستىنىڭ ئاستىنىڭ ئاستىن

ه المراق المساق المراق المواق المراق الم على المواق الماملة بين المراقبة المراق ا المساق المراق المراق

استانی بالقات سام استراهی معددی کردگی استکیدی نیزی معدد استان کی در . حسوس افزاد در نام کار الافاف . - استان آزان که ارستان کاروری مرا انقاد سب بند اور دراری از کرانور قبلی که وجه

ین می کی سه -۲ - وج د امثرالی اسد اس می فرق شروب کی مشهر دلایتی سکه انشاد در کافران یک کی مودتی کی قریب سے میسی اول می مج فوق سید - اور

م ي المواقر من كم ي مراود من المرود من الم

من الآبات مال الرويات من ولك مال المرسيد

ا ۔ یادگا بیکل انتزاق ۱- اس میں فرای میدمکند سیدادی توسک ساک انترابی سے پیچ برافز ن اداختداد او میرے ۔ ایس ختا براست الفر ک انسزادیکی وصفال در قزان یک سے حاوی توانیج میں قزان ساندی میں مشہر نقاب میں کھٹے ہیں

ص فجدومرين

دين النيب ال خاذى

عرب الدومين ان مصل سبيد كري يدة أواد الريخ رعي أيات منكاميد و الاسيد منك يي. - أواساق عدة أن يك كاورت كار ساد كادت بسدون لكن من كامور كالموار كاليات وتبست من

مر المراق والم المراق الله المراق ال

مدست ناه مو وي ده و د د د د د ش ده ب و مو يد م ي جدود بد الما و ما ي مود مود فاي ال عدد من المراد المراد من المراد و المراد المراد المرد ا الرمودي تشر والعادي برما مدير مرود وكي هومش عدمت سد والعبيريان القرآن ويا دهد ال عراق والملح وي الي من المول من كا من يوال من وول ي - النيرك من والمولي إلى وسفيل والموادي المساكمة وي يك من المادوروك يسكن سريد يديم الدو و بعد ما يولاد و الماد وكالمراد الماديد وكالمراد وكالمراد والماديد والماديد الماديد والماديد والماد the ditters green grandyna die - o the sant of 3 3 th of 3 for all a for 8- 20 Land 56.00 ch 3- 2 600 00 - - 50 00 20 00 00 00 00 00 5 00 00 5 00 00 مك كي ير المده رو مد سب سدوده كاي كيندادي كالسرة دوح المسالي بالمخاول الميب وتشيير ما المدين فيت معيد كالترام يدان شاء مع مع في كيت و مدينة تعالى القايدة المعاميد والمنف والمترام المستعامة والمركان الما در دور سے مجام ما سند کر اردو تعسری صور در دو توانوں مک الداما - گفتہ جی و میں قبال موان کی تعبیرے مشعق م الل ارکو ت

س بعد الدائلان مداده فای وقت مود ایر شوم و ب مداشا دو کی قول ایم میری فاق تشریع می بدوگر فور قرار کدارید عادل معدد تراسي والمرافع المري والمن مان والمدور والمدور والمار والماري والمراب والماري والمراب منسرس بي بالكوسيد و عرواد رو يا سندك من معيد سكاست كيدان فيس اي سيد وجود يعوض من اورواق مصوارد مين واي يك مستنداد و مع المراح من من من من المراح و المراح من المراح الم من المراح من المراح المر

درة ال ووبدان كامتراسدى ارسى بدرس يدكرون مدرك مول منز عدد ووتك الم بدك اصلات فرید و بلوید | جارسه در باشت ادان که ۱۵ م کافرد و نای سبت دام آن کرد و کافرد و نای مید و دو مید ان کرایس اصلات فرید و بلوید | معدید برای مان سرسی برجه نظر در دو بر موت شاه در کافرد و در در موت شاه و در موت شاه و موت

ما صبت مكاز يك مَا في منت مكاه و إصلى اللَّ عَلَى منز منذ وصبيع بينط مراسستيسد نعس قليه لا يم تشعبهم إماما و في كان بحرص مب ن يد الله المارة من عرف المساوي المارية والمارية والمارية والمارية المارية المارية المارية المارية المارية

على زد: اوردل ديوان عاتق سي رديا سداس كا تساوس عادي بوكيد وددوق ادا باعاد بالعراب مك بعدادة -

toobaa elibrary blogspot com

المنافعة ال

ر المراق الم المراق ال

"الهاوي اليخطران في واوي تفصيل البيدان ! وحد مدين بديك مدين الإسلام التركيم الدين اليم يقيس بيان أن المستعمد ال القرارة المدين المستعمد ا

المدوري المراجع في المراجع المراجعة ال

عرب يرب. المستعلقات في الطّرال في قالشير المثابات الثوث | من يمسّن هر كاتين أين فإلا

العمال وسيراتي تربيع يون يوس مده مراه مراه المراه يون المراه يون المراه المراع المراه المراع المراه المراه المراه المراه المراه المراه المراه المراه المراه

الى المراس الى الى المراس الى كان المراس الى المراس الى المراس ا

التناكرة على الميتم عريس وين عليث ين في الذي ير.

ありは対し

الل المد مام ورو رول كاليت كروو يا المرواد

المنفرف البيان لما في عليم الحريث والقرآن لي كيد مواسعة من الما والأموان عند

لات وتمثيّات مي الوسيدلير فالمراكز نين عيد كالما تاكيديا وكي على عادة ويك عدد الم

your of with and in the market of the to the first on the one with the orla منتی فرنسلی صلعب اوندی واست لیوس کے براویا ہا ۔ کام ' مان ۔ مکار تحق برویت بھٹی جہاست بن وست مک مواڈ hortensinist to it is the their for a money recomment of the ورايان وه ورايد و معد معد و ورايد و ورايد و ما ورايد و ما ورويد و المعدود و wings, 30 - in Sort Er Butie a doposto trape office 30 for in section is ياقتي كرسيك لافيدوليا الدوون عي وأق كم في طنيت الانافة المعاصب عُلاَثِكَ وروزال الإنساسة ، معرّ وتعوص رفذ كاد اكسان المناوس المرور و و و و و و و و كالمان المان و و و و و المان الما يدى الدى المان المان المواقع و المان من المان ال مة مني ووكان كادون عدة بإن وسد. حدث مع من ساوي را يد عاديا والاندود على و ملايد کی در منعادی کی - بی ، ۱۵ وحی هرت نژوع و را میامندویی مورث نماه باستی صاحب فذهار منه میده و در و میرود دار بد

سوم براساد من مد مر العد سب ريحة كالمصدير حاسب كاب اليه الله الله يرا الي والدي مع المذاق ال الكاثر نعنيمن الدول الدائم مست كالمواد كالودان موادد المست عريد الى.

مسير عاد ي يروف مقلبات المولم وحور بال مد الى رمادي والمان وى ما ما فالصور لمقطعات كسك بان كالأست مى عرود متعدات كى الا في لا لكسيل معدوم داست .

لايس معلى المانك

وه عدا ، او د كاك درسا علوالل كل عامل اورس - يور ود و رايان

يوجعه ميناور والان وك مستها كان المراك الموك كل الموك المراك المرك الموك المراك المراك المتابعة الماكية عن الماليان كامه يا قرأن إلى كان أج وكا تعيد عدى عامل كاسان منك ورة يراس ودريد مال مار وكار وكار ما مالا و ولا يعب عد من كاللي وماد صورت من الواد و كو المناف من معلي وي الاق والى يواد ما الاكر كر وساء والم والم

المرافق المحروث المرافقة المنظم المرافق من المرافقة المر سكادتين ملاب سكامل الدائل شكاكات والمالات كاين سهد يعمدون مدائر غي ما موحرم الا تعزيب إيرا معادم في

عدد مدار المرابعة على من المرابعة المرا ことでかかんかかからいんいん a parent of the strong on tentral stately land on the

ويدي العاديث في عدد و وول كالمعتبري اورمست بال كاليد وخلات كديد السكرين اج وافت ك الود وفت يروايل قاف س اللرت walt of the or the second of the war and the second of the second of the walk وي ي الراج الإنساسك في تلاك ي و في مو صورت في مدين ك إلى يري الإسرون في المكون المكري عىمىدىتى تىيىددانى-

الى موك سفيل دوا والت والعارمة عدا إلى منه عدارة النسف عكوان والمسيل الى ساء الماسة موكر كر كون بالمرادة كالرسويدا ويندون ويدوي والمستدية بغ والانوالة فالمديدة والمساد المداد المسارك المداد المسارة معلى المراس قام الرائل ويومل ما المراد المرا

لا من المعالية المنوس المنوس المعالية المراج المعالية الم من مور ما والمدنى والمدنى والمدين الماديد ب ود المنت من المركومية في مورت المادي ادره صفة الله ويسرعت عن في المسترف مورة مهاديث التعوية

عداد مصدون بن "اليصدرة س

الشياح بالعنديال مد مرجب معنت كالآب التكشعث بجامث التُعدّ من على من الطرافية فوجه درمان مي شارك من درجيد معن الرب معين عيد المراد ب سوف وسنوت عدمال كومندوك كريد و در دار كوافعة ، على التقال العيات ، علامات وهذاك ومدت روم وساكي .

الدائمة والمعالمة والمعالمة والمعالية والمعادية والمعادي

مشابشت می موشد. بمدن در موسید شند و موام سه منطقی ستعان کودنیت می مک شده کم دوافق این سکاود که و دوج ادریت واکسته بیگسته بیشان بیر و آن موسید را در دورد سر سرد و دادگار کرسید سکاوت سیستر دورانگو و این

ین کران معریف داید سه اس سال می کار مست سے طرق در سشیان باکنگورون . معید آزار انشرون بور معرفت می معیامیون کی معیاریشت کی تازید بسیاست میشد کاماند نیز ورتدا و میزان کی کوری می ماهوم

مندس او در در با مده مده مده که مان موسیقه که در ی کندم برای کاهند برد در شده مکه مان تیکیاست . و مده مکاشده مرای کرد. مند در کم برد در از موشوی مداندند و در ایر کرد بر که به شود برو ای نورگذشته در شار متاکز می کود که کرد در ای مدوری کرد

تشینات زراده ترمام مودی کا مقامد الرب ساخان کی کئی ہے۔ معدّ مود برخام مودی مدون معنون ما مودی مودی کا برخ مغیر ہے والدیت کی ماری کا کافا کا رقب مدوس کا جورے مواجعت

وکیسه دلیگ میدی شده می شود این داده ای و ترسیده در در این به در این به شوه بدند. مکه داند برک طرح و افوق در بود کنند شده می کیاسید، در در بردند اوسیک دوانان به شوش به در نشک می کنند به و بسیداند دستر با در بی به رسید مدر برش بدند و میکند به می این که سیاسید .

به المنظمة المن المنظمة المنظمة

منت این برجوه شده از مناسهها با بردارسی این با برداری این با بردارشی این با با بدوه این به به داشته به به داشت و معنون سنده ما دارگاه کندگی می تاجه این کردن اهادی و در این که کند و این که با بی هم مرافعه کی تابید و که ای بردادد شده هم شرعه کامل مداخری این مدینت که ادریک بین سندای می ارداست کی این شد بدند برای ناخ برای دارد بد

که خارجه بدر اموانید است بر بدر بیدس مواند و است می بیداد بر اگراه برای اموانید این می به صدیر برای سد می امدار به داد این افزار این اموانید این اموانید ساله اموان که اموان که بدر بیدند مده امدار که برای میداندی ب که میران اموانید بیدان این این این میداند امدار این اموان که امدان که برای می این اموان که اموان که اموان که ا که میران اموانی می این میدان میدان میدان میداند. از پرساس شدن که می اموان که اموان میداند.

تهدافت مه می بر وزمت کام بر روی داد امراوشن که نام مد او و کرا . به نام در تب ارساله

موکی ترشیده ایر بستشر برگی دنین مدود کردس کاستون شاخ چگی -کی و داول سک تبدیج راسسی موموع ۵ میادی او دور در انکسید میدیداستیریدی ای تشرک داد فرد که کابیدا سهای های ادار سکدی روسرشد بازی دلین رستید: ودیسید خطابی مستقال شین فرجه سازی بیش در میدیدیگر

جاجعُ الآثار | در چپ كرشاخ جاكيا-

ير بحل اى موس سے اوران كوموان الأثار كالمنيور بيكي سي

معة المراجعة من معامل عدم من المواقعة المنابعة المنابعة في معاري المنابعة المنابعة المنابعة المنابعة المنابعة ا الماستدك المن يستم من منابعة من المنافق المنابعة المنابعة المنابعة المنابعة المن "منابعة المنابعة الم

ر کنده دار می داد می دانستان شده که مرد دارا و دو است می داند. اعلام مین مین دارا این کانتینند شده می در میزای بی در برد برد برد می در در در این میزاد در کوشد. شیط به سکه میزای کادا و د

ا مجدد المساحل المداورة كالمستقود على المجدد المداورة المداورة المداورة المستقدة المتعادم المستقدة المستقدات ا المستقدمة المستقدمة المستقدات المستقدات المداورة المداورة المستقدات المستقدات المستقدات المستقدات المستقدات المستقدمة المستقدمة المستقدمة المستقدمة المستقدمة المستقدمة المستقدمة المستقدمة المستقدمة المستقدات المستقدمة المستق

خلّات الاحكام مناصف مناسبة على المناسبة على

بيدان سيد منظم كريك « خام شانعيل قرامت الذان والأن الاسل شكام حد الكناطري و تا ايف والأبيد. جاميش منك المكافسة والقول بيد. جاميش منك المكافسة والقول بيد.

مقدالیفته اکرمان فاید که توتریکتین کامان دادی آن ارد دن ارد این این بیشتر به در ساندگزامیده در مرافات علوم الجفید علوم الجفید

من خوع کردی می نادمزید کردندند که این کامتر مدارد و افارستاید مدی برا با در آن سرخاب با برای سید که جدمه ما تا مال می نیز خوش کودندند برای بردکند، مراوی نوس بر زاردن شون که جدمیده به میانادد و انتقاعات این مشخوط

toobaa-elibrary blogspot com month مان الريال مان ال يحس إسافتي ومساعد على وتعد المحروب والمداوكان الدكن العالمة في كل مع معالات والذقاء ما الما وسنطال في كذا ي المرابع الكرينيون إلى كالكرمين عن ووبل المنظرة الله فيدويد والمنافق المرابع الماديد والمنافق المرابع

الم الشيخ الفيّا وسلم الم يحد بين بالدي كالحروب بالدند في مستة مسال ادر شعفوات من طق يرم

ر من المرابع المرابعة عن من من من المربع المعلى المربع المربع المربعة المربعة المربعة المربعة المربعة المربعة ا المربع المرابعة

ا قال ۱۰۰ و تا دخارستندگار برخش درگر دی - یا شده مزنشکی اضا صدیدندی و آمی اصعد بخشد میشدگای افزیت 🚐 كالمطرث محاراته ورمتى ولاحتر معدات كالبين ونني كالبين الارجنه بالاخام كالاب صاص كواس فعان معزت فيذا المعت سند الإستخابالميانالاعن

مري المراج وي كا الريز بري الم المريد المري

الماسته المعرب والمستعمل المسترك المست وم دستى جديد يا يا تقد ركيد زاي الراع - اكيد والمثالة وي . اورا فري ده زي تعلق كي د مورسد الأرمي شاج م to Beth bether the some the will be the war the work the war the second عك من سك من الله ما من من من منظر عدد لك ووريت مراد عن من من المساوة المناوة المناوة المناوة المناوي المداري والمداري والمداري منى. من منيت بري الأثني عاميد وإرزى دامت في من في وارت الدوع من الأنور المديد الماري المرتب المالة بوشت كمه المسرقية يرتسيكي من كي مدخور ماستان على و- الكرم مشكر كانتو على فقى كانت عدد مدمي على بالريح الماري ال الا كار المعالي من المراس الما المراس و على المراجع ال مرا الله كاركان الم الله الله والمسام العام وسك المار الله الم ما والله من من من المار الله والمر الله المرا الم وسيف في الما من المراجع الم

مستاوسيط المشوف به سكام سعدائي دنيد سكتين عقالمدشاخ جدنع والمقر رمائي جر-

م مستقی فراد کاست طبی با دون کا میشاند ما مدین موجد ما داند. د میشان میشان کامل این بیداشت این می پیداشت می مدید در میشان می این است میشان میشاند. ک دسس طبی ج تروروی کی مزیدیاست کے ملے بیں عجوال بی اسای معلوماست

سس كى يا برمسلان كويديش أستى يى مى وريدود عاشى معتقصة ورميش كى دايدوي ووياوي معلومت كاسك -45-15

يربش كماي

0100-23-16

ا برس الله والمساورة العالمون الما يون بران والمدون الما والما والما والما والما والما والما والما والما والمو المرات العالمون العالم والما وال

ي بي آخاه وي الن كرموس سكيه شرى موشي . نيزمي ميدول يرمودق كه يا نامح واق كحد د. كند ٧ اختيار عقب من سكتسيد الكا しんだいこかかいんとしゃいいんかいらいかんからとうしていだけのましんというよ

ية معادرين ويوسك الرائق فينت يرادبيو وموس باباد كارس عاليدارك على كل مع المام والمار المدين المدين المدين المدين المدين المام المدين المدين المدين المدين كرك فهزند على كل من المام المدين ويكن الدومول المدين المدين

الالاست ساور ا ورال السعيد والالتعييد ب ال كالعب المادر الدين المناس المادرية للدين الركاحك شامع بالشفيف والما هما الرح سنة معقولهم وسنت يشدك أعظا المار كاخلى صفيت بسعك برجي الاور فاستلامان

المقالي العقليل حكام العلق في من بيديد باست مرين الاماد سائل معدال وتريال كالت الاي دور كار وي كارك كالمتر يدى كار يرسيس ويدون فيد سعد ، مدون ما والن الليد

مرصاد كانتلق اسار تبيات كرمداع ي الانبيا إن المفيدة في الانتها إسالهديد المديد الدورورية في مدين مدين والاساب عدم والم

اشرف الجواب المي الم كاكر و كاكر و الم المراجع و الموادة عدا من المراب المراجع الم

عم سوک و فقوفت عمر سوک و فقوفت المستدی بات بدر ندار مدونیدندس بریم ترین می برشان بیش از مین از این از این از این از این از از جرواب كي وكالمراقع الإخراميانة ين في الرابع الوي الراب احتدى الإسبيان والوزيان المسيكية المرودي الدر فيدا الله الما سين عيد تقادم يون الدوم العدائي القدائية المراتع إلى والأرائيسية من الدي و هفيت عام بوتى بهد والسوى سيكامنوي درده دارموفي در ديد كركيس مفاس برس برد والدوائمة من دولودد مك الدور مكر بطاق وصال كادير وسلوم ما است - بعر بستان مي بنط كم وك مديدان ك الرساس ميت مديد والله وك والمم ك مع مكتم و ال

ي وي الرودة وجد وصية عرد دعاف وووائدك باحث واحدل مي اسل في ست تفال على موا والم المام واستهاد إد

000000 غيادات واحال مصطبيتين بين كالنقق طسيات مصب امل شفيع عوص في طريق بعضب روم و محصول ترب «راحل واخل تخطب» مثل تسرس ادرجن سعة متصور و واكل سعة الجنول and weeker by in surger he will all the second and will some and the second will وكلسيري بي الدمون كالدو إدارة يوش عراك كسك كتب منت كالدوري الأرك المكرمان كالمدون المرادا الم عالى الم كالدين (والمرب والديد المراح المراكة الديد وعير من والمالد

43450

الاستداري والتداسين ميدوي رسالهم را الترساد مديل كالماس وبالمديد الكراكم مثان الدينيا ما يرمال الروائع من ي الرمل مك ميت ما ماكن والاين فعد باستر و المراجع المعادي و المراجع الم المريد في المراد المراد من المريد المريد المريد والمريد المريد ال ميل بيون در وكاما والوفي س في الك منظر والمعالية المعارضة المنظرة المن وجورة وموس تاسير الماريك مع ماريك مع المراز المديد عيد المناسب ما المراد المراكم على والمرازات arter and on the wind in the form and the first of the policy of the said of

دودي كي مشيشت سعال اوران ملك سدة التياس مرت ميز العديد الران عام ل كرمب سد يد فار يك معامنود و مدى ما تنون مدى كاستان الا معالم الا العام الملك الدينة في النيفة بالقامت المتيقة مسكن م والمدار من الله من الماكم المراد والمست مجان المسكر شرع المراق كا خل المادميك برى الدرنسية معرسه الدين الشاحية الارتفيق الطرفيس المستنة الانتحة " بيل عقد بيل.

المناقية مصيبه والمراض والمسجام كآب الشكشعي وتعيان التصويف والمبدر لالأم المتعمل ين فترسه ويعشق الواهيد ومن والمتيد بغين كدست اد و كردن بن عنون بطش سعه موان الدرسوك مل موارد وموداس تدوقتي ورنوك مورك والديث مكاليس الما المال ليديد ترماسية كر كيام الايان من

كالدائية يزيونكي ماس معسدس صويت معولة فالعظف كالإنتواي سكالهب مرا والاحتلاب بدي مهى الميث سعادراس بيد الرسد على المال والمرس ورسه مريدوي المال المراكز المراكز و مداوي المراكز ا - 3 f ina s co- 655 re Land Sinstantino nahringer

مونت ما جرماميد ومن والمسكنوا مي معاميد الا عندا مد المرى والمات الى الكويلية من وال موکس سکار ، فوالنیت کا تبنیات اویشوی کے بات کی قرآن وصریف سے سے ج السکامان اور تانوی میں تعبیق فوق کے س ن اجدى مىسىدى كىسكادى كىدى ئۇلىدى كىدى ئۇلىدى كىنىدى

ريان عافق رون درياني ترب ندي سد عديدة و فرار المدار مد بدار يا تدريان فرايا و المراد ا

يعرونك والمراخ والمستعادة والماد والمادي عاد معاد معاد المراسة

200

wigapier with the stay of where

ى دىن ئەرىسىنىڭ مۇندان ئەرىدىرىيىسىنىن ۋاتېرىدى يۇرى بۇرى تىرىنىنىڭ ئەرەپىيى تارىخى ئالىرىدىلىنى ئالىرىدىلىرى ئەرىنى كىچى ئىرى ئىدىدىللىرى بىرى ئەرىدىلىرى ئالىرى ئالىرى ئالىرى ئالىرى ئالىرى ئالىرى ئالىرى ئالىرى ئالىرى ئى

ده در در داخیر که تغییر دوریت شکه بیده در در داخت با در داخت با نکاریک در در در داخیر که تغییر دوریت شکه بیده در در داخت در ایرین باشد به در داخیر داخیر در در احمد که شنایات به در اگرین ا

اتن غیر میخیمان وطوات داده بیاده باشده چی به کشده دامیدی طویرمان د دمه و مکانش کارد و برگاسته ادرای شخصی پاری معدی که سه کافر نوترسد که مدسه وازی و توسیع به دادهود می باکند بدند و با دراست پاری معدی که سه کافر نوترسد که مدسه وازی و توسیع به دادهود می باکند بدند و با دراست

نعلی ماید دوم در معند سلطانی سال معند دوم می بردومی برده به معنی می بدان بدن م به را بسته ایمد دوم دم معند سلطانی ساکامید در مالی میک عنوانی شد مرتب کردندگی می آدمید در شدن مهد بردان میکند می مواند

ر مورد المراق مي المراق ال المراق المراق

د سده در این در در مقدوست و من ماست ای کار مند و این سه ای کاری نامیدی کارگیری از مساورته می نام به مهم برای خ د سده در این کار در مقدوسته این می می می می این این می می برای مدار - در دواسس امتداره می میدسسیدی کارتین گهرای ایران

میزنده بخداکست. دن الایون میکانون شده طراح نیز به دارد شده سه فی میدخت باسته دن میدسته دن می میشود. مندسر سندگ از که به کارسته در برد می شدن سند باشد و از دانده باشد به مید و برد به برد سند میداند آن به میشید برد میشود می برد به فروسکای میزاند از این میدند کر فرزا با شده ساخ میشد با این سندگذارد از بیشد مود شده میزاند.

مديات واليمات والدب واحق كد علت واصلاح الشورة وكيدكم الإستروي الدفول معين على مراح المرافق مكمون الادواع ووجون آميد فلان مع مرومه برمة يم.

ار المساول المساول المساول المساول المساول المساول المرى المساول المساول المساول المساول المساول المساول المسا المساول المساول

ه از دو دونسان دونسان بر دوست میدگذید در دونسان به دونسان بر میده دونسان بر کاری داد. در که شدود بودن موثر نداست مه بعد باز و وی در کارست دست نوست واست و بست به را در ندار که در بازگذی برا را برا ر در میدم بردونسان سرست بری ایست و میدند بری دونشان که دون به دارگذید میدم و در بدونسان در بردارد.

مانيان مانان

معرسه به دوسط مولیند و همین بی زیاد و دوان میلی می مدرست شیختاری مودهد مین ایران میستند ساز که داد. در مدرست م و دونه میرمه به دیش میلی بین بدائم سکه درمین و انتقابی به دونها رساس نمی دورمی مست مدمی که دونها می سازد. مهمتر انتقابی دونا موست سکنتی بدنده می برای کا درجت که دوان میکند و از دونهای می دانشان کنند و از دونهای می داد

مر المعصمان

ان بي المراجعة المعامل المواقعة المواقعة

ار مسلسک دود رن که آبره استان شاوم و میشندگی میشدند شده با صند و سیسی القابیدسند به میسیندی در در مهمسندی گرمود بروی استراییسان خدام رسیم استان رک داده آباد با که میشندگذاذ نگریانسی مسابق برای ادر میشن نتی به مود این نکست تفاوی میشندگیری به شده به میشندگر از شاهندی که در به د

عكم الأمرت حفر من تضافوي الأراد المراد المر

ではないかんと

مكيم الامسك بمفرت بختالوئ سفرتسيم وتربيعت وسؤكب ومعرضت اورهنين وادث وسكاليم س صدی پر بوندست کی بندس کی شال نیس متی تب کی س ندست کی تغییل کے يد آميد كي بيرت و تعييمت يركزيك بالفدول كتب رميات الشرف . جامع المروي تجديد تصوفت وسلوك - تيديد معاشيات - تيديد تسيم وتبيغ - ميرا لاستنداد سرمن استطرف كا معالد كرنا بعبيها - خشى حداد الان صاحب كى "ابعث مسيريت الثرف" ے م كريسندي كريدك مائة لقل كرتے يى ، يما خال ب موا كالحيرف - 4- Udire on 6

ىكىدە ئەلەنگەن دۇرۇك كەخىرى يودىد تارىپىسىم مىنى ئىدىن دوسىك دۇنىرىك دوگرۇپىلىدە كەردىن دېتىك كەشىرىيات ئىشىرلىك قىرۇنىيەت ئىدىدۇرىك ئىلىقى مىزىن قىزى كۆركەپ ئىزىن تارىپىدىدى ئۇراپىسىلەس كەردىنىدىيات كريد از ترانيد دوس كالمدر الله المراكبير.

- كى تولاند ، فراند مدد دد ياف.

بس بشعمیان

د کی قامی مغرب یرو و فارکیس کی فیانگر دیک جانب

عد كام كالمنظام إلها ي فاص منص عبدا اليبي وكرم. جيل عام مليد. سين منطف ؟ با مليون ك خواش خالات كلاك في وقت منين كريس عن من كل الد تمن الريك نيد الكرانيس سعد من الله الادوات الله وال

فواب عاصب الدين المساعد ومواعلوت أدرام بالهق لما تذكر والمرابط وكمد والمداف والمست والمنافق المرافق در داند النتاق بن بالإي ديراس فريس منفوركري.

مرت او المنظم مرت او فق مال و منهم بشدن كارج الشاراسة بالمستجد و بسيد بعيري الدام المركة المعافظة المالة المستوات المالة المالة المستوات كالمن المؤتك والمقالي من المقال المراج والمراجعة والراحة المنتقيل كديد الدى تقد كر يسيث وم يرافل وزي المارية

· ite and us. العجديدي كام والنق كر يكس مركم كالتفاع بالدوام رسندوراندي سته سميداد تسادرته والجوي موسط موسط مراحوت كريس فام تكريات والوطوت يصلى مقتل كم سن قد على مند و يود مل كوراك بين الدمك ولان على مسيكرة فواعلا فراوية ن و مى المعرف د ورود ما در كا در تدرو در در در در در در در المراج المراج

espit Santon subser manining wants legistermin, so ingote Rad of we was Signey to do was no siere op of the sure on more of worth and المرام المراس المراجي والمراج والمراج والمراج المراج المرا

ية أو يرسك ما في يف والروسك مد من أو ين أو يد أو يكور المراسك المراسكة المر an there dis white is plicable in It is want of wish

معنان می تونند در اگر کا هلی ته در در این با به میشود به در در بازی و در بیشد. در به بیشد کا می در در در این میشود در این میشود در در در بیشند به در بیره بازی به میشود کا میشود در بیشند با میشود of bour both and the and so so one of good the and or and of the south يك ف س من الكريد ين نعي مري ماق ويد من وصف ديد وروي مرت.

In plans is he in with it yet will wind the in he had been by the in Low the said ing the in his ist again it has a so to he is it is in the who we is الم ين لل أب عدد موري والأنها برار و يكر برات بيس الاي عدوي الكي .

or in about of the property any Survey of whoth with enjoy Said a apopular in a sent way is hely it

مندين بي كور بني كميكة بيسيك أني كالرويديين وكروسه مرت نعزی ،

- Kdown

لم مي ميد المعالم مي المراد و و المعالم المعال 2 2 4 5 1200

موت سف م ب ويكودن بدو برسام فيفلون بالرسيوديث رايين تونيت ركم المان المرادي كور

و جرتان ما و د

A grant had been a supplier and the supplier of the supplier o

ر من با سال به هم بن ما دوستندسته های بن و دوسته برام و این به هست که از اندیانی میشود. نید و او دو از که میشود های برای به این به این به دوسته با برای به به با برای به با برای با برای می بید با برا مدی و دو از که میشود با مدیدگاری دارسته که با در این میشود ها میشود به با بیدانی به با بیدانی با بیدان می بدن ب نید در از با که با مدید با از که با در در در در ادارستان میشود از این با بیدانی با در این میشود با در این میشود از در این میشود از این میشود از در این میشود این میشود با در این میشود از در این میشود از در این میشود از در این میشود این میشود از در این میشود این میشود از در ای

معرات القرائي من والبواري الفروس من أداره بيونان الامران البرور من والبراي الفروس والمران المؤول المؤول المؤول الموادر المران الموادر في الموادر الموادر

می کا ما در تغذیب سک مثنان برس آنی بور تبدیب کا وصف برگیرا در پراندیاس ، وکریکس شده ، اول آناد شدسک بوارس رکزش رک دراند ، اندان مشدنود است کس از مشاکل دادی برد تبدید برد اور مشاکل بازید برد اور در تاریخ از در برد میر

without age by pathe yit who was been the ping.

toobaa-elibrary blogspot com چیرفرستاسه ۱۳۰۰

من واست والدين على المست المست المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة ويحاج والمبدارات المراجعة المراجعة

Mr. Commerce of when we will see the second of the second

و المساوم في كوسيل بين أيدون فيسيدم إرسان بين عند ما في المستوحه من بالأمام في الموسيد بالأمام والميان والمدار والمد مناوعت في المساوم المستوجه المداري عند را من المستوجه الموري المستوجه الموري المستوجه المام والمام والمد والمد مناوعت في المساوم المستوجه والمداري المداري المستوجه المستوجة المحافظة المواجه المستوجة المحافظة المستوجة

ر میست کویت اول د انکاز فرد سه دیگر له او در افزار دامل بنی بدد د س سه دار موسد مرت ما اول اول که بد و سه دیت دار بدک فراد است در برابد می می د برمان برمان بر مان در برمان بر

سته این یک دید میتری برای دود زدنده سته ۱۰ دادین بین این این برد در در دادی نفی و نوین در مشرقی . کیسمند با در این که هم می کیسمند برد نوید برد این که این سته میزایند و کارای این میتری میزند و این کی فرایل ایسموی او این که که هم و این کاف در این برد برد معاصر که دوند سه سه میزند کارای این میزاید میزاید برد با در نوید و برد معاصر که وفت سه میشود بردی برد با

» يە ھەرچەسەنىلىن ساھەن باسلىكە كىرى يەيىتىنىڭ سىھەن تۈكى بىيە جىرى ئىرى مەھۇرىنىن يە دىئىن ساھىمۇنىكە دار دېرىكى دىرىكى كالىقىنىڭ دىگەر ئىرىنىڭ چەرچاپىيەس ساھەدىپ دىرى ئۇنىچاكى ۋەسىتەت ئىرىن ...

سورت نه فراد د. - فرا دار فرد در در بس بنور پرسکن قدی د که مصی هدی میروند کرد به مند کرد به شد کرد و فردند دان کسون

- پرز امریخه نیره نیره بیش بیشهای آن بود هم آمنگاه نامدهای ایو بیش آن آدیا جاسته کیوری گرفته افغ سکه موان سک وهای به بی دران بیگر موشته کا و دکتیا سک مسید ایس کرده دکتر نیاست مشایقسته اود کیشده بسید به انتدادید و منصب کومیودی ا

مران می تواند که دوران ها سیده کسیده این بی این شده استان میده این در این به در این ما میسه میسود بود. مهمد ما می مدار در این نواز که در این با در این با در این با در این به این با در این با در این ما در این با در محکمت کی از چی در در نشد شده کار مدرسها بود این این با در این میده این با در این میده این مدولا با در با

E or specification

محلنا البينداق تشاذك

ي شعمون

ر العداد المان المنافق المن المواقعة المنافق المنافقة ال

ا با مساوه هم المساوه المواقع في الما الذات المواقع في ا

هد که این ها داد که دخت کمنت و توجه که چه این که داد این که داد و تین که بر پرسه بود کرد بود به داد که اگر به در بین که ما وسطه این دارند که منتهای در کار که داد که در کار داد کرد به و مند و را منتهای و که در این که در ا و این ما وسیع شده می دود به کند و در این که در این به کند کار میزد کار در تاثیری و که در این شده که این که که

گوندند که بهدار به ما مده به کاره باز ایندندگا که که به به با با بست مجدت وصلی مند کانه (۲) مجدت وصلی مند کانه (۲) خاندند بروی کانه با ۱ م برایست نود به و بدخا بود برای به با برای کانه و با برای می در

« والده انده والدمون بالطوق سيطه الموقات المساعة الموقات المو

د معنون دارگه کا این در مند که میشد ها تا توری که است » این با در در می در در در شرخ و توزین مرد در در در که در کار در توریس شاید شده بری آفزایشد و دکتر بست »

toobaa-elibrary biogspot com المان شهداي هاون

ورود ما المراك و المراك كالإستهادة كالمتعددورى مدافع ومدري وكيها وبساع ورا ومدور ملك والمراجة · of 31 to 15th of an anis you Sand in a distribution of a dispose is

المحسد ويسمد كا على عرضة والعند مواء لعند الإيوان من من من مراجع المعاديق المعادية المعادية المعادية المعادية المحسد ويسمد كا على عمولات والمدارية المدارية المعارية الموسد والمعارض مراز والراء المعادية المعادية المعادية

conditions in my live hards while there is there as the there is a self-- he his a en expense in isomer Nats elaporar & - الماس الله و من و المراق و الله و المعامرة و المعامرة و المارية

- with a rever experience of history a .. Si de mingo of on the forthe of on six of the six of the service of the servic

Levers 50 5 them whiles & lar low landes . to do it was the in his or wing as dry and in or winds : Loter west storiker and her

В и припримень вы вой преверен вы поровородной пород a jour of so you ar and he was pool of a part of a wife of you of in a for justice

الله عالم والمراكب عند المراكب الله المساوي والمعالم ولا مد المواجد و والمراكب المواجد والمراكبة والمركبة والمراكبة والمراكبة والمراكبة والمراكبة والمراكبة والمراكبة والمراكبة والمراكبة والمراكبة or Signe Swing South a fire fraging on or or of find way on many is on or and by out you of out it is a found to copy our on so side of war por or I have been for a form to me with the war again and or an who are the

willy bring in the about the interes on of it here willy verse years in sich and anticontraction dangerous for years

ورود المراج على المراج and promobility of tay son of fire sings frag say is a se in with formy dering and firster world and the desire to the self a support

س بسیسین

معلى الما الله المعلى المعلى

in the state of th

منظيم المستقدان على المستقدان المست

موریات بی موصف بی برای مصفحه بی بیستان بی بیشتان در میدان بیشتان بیشتان بیشتان بیشتان میدان در که بیگرایشتان د و هرفتان برای مای آن را مستقد بی بیشتان میدان بر در از بیشتان باشد بیشتان بیشتان بیشتان بیشتان با در این برای موساعدت استقدام در استقدام در که از این میدان میدان بر در از این از در این از این برای از این میدان از این از

ليه به خدد ؟ ليم به خداران كارس به شامل ادران مد ميكان رام مرقون باكي .

in the second of the second of

د والمدمن بعد بعد بالدين المهجر المدخل المنصري بيست بن المدينة استرسك معن الايدل مجدود يشينه وكدل وعدود يست وزشك ذاذ يا كي روابراكام الاومان سعدين الميدين من مومات سعد عزيدا لمربوا براي والكوبروس عدل من التاريش الموجود إن جواليات سعد ميسيس مع دور

28-27635

- the of any of the the in most of

- we will so the second of the

ر المراق الم المراق المراق

امن کار ایستان و دهنارست که دستان می میشونید و کار کست که . - می مشود و بین کار در امن کار دیشان می کسید شده بیری بود بدو بر میکاد و می میسید فی نام آن کاروش کسه ایک و کمرمین کار ما جهد که و کلی بود میشونیک کشارگذارشد این بیری میسیدیک داشتر کرد.

مەنىن سىرىدى بىدىل كەنگىزى ئال ئولۇپىدىن مەنى تەبىدى بىدىدىدىدىن كىلىك كەنگىزى چىقىنى :

ng grand pala lafter an ang Sala sa Salandan Janka Salandan Janka sa sa Salandan da Salandan Salandan Salandan Salandan salah sa ang salah salah gi maki Janu Salandan Jang pang pananan pan Janka Janka Salandan sa Salandan sa

- at-sprenger

در اید میداد میداد میداد در ایداد در ا

3- ans for me had and a see of all so log series of Language and had when the

ئى ئىدىرى كى دىرى كى دىرى ئىلىدى ئىل

toobaa-elibrary blogspot.com June to زبدیاک ید 2 a Charlow Siglia. ميل معلى من الروع في والمسائل من المراجع ملاست كل منابع الم - Majains and is fit is agonor by the ator of to Lizarhorombo indesprisiping on he or je colarety in الرامون عراني الاسكادم وافع وافعات كافون مي عاد ب المان سر الل كري و المالية المواد و وورد عاريا . وسينس المداري من المعالم والم من المعالم و المعالم إب كم ولا والبياء ومن ماسي أب كرو لها وسيد والرب المناسبة والمان المان ا وربعت س ومدكر احترت في ريق و يعفوست م كى كالمؤلمين ع -1450 30 in 15th - والى كاس كالرق قد كرس اليف برسه من كيد كم تصديقة لل يقد من من يورد من كالزالان action of mile عومت شعراب وا . of men and for in it was profes Languisting direction designation and interest and action of the with the Live you it is a to give of Ly surger you thing com for the الله والما معاد الله والعوم من فتراون سه مكت من سياكا والماستين الأكر والشهيدين عرف المراجعة والما تتعلي وسد الا دروم ولا كسد مرك درت الله ولي عدوت كوند مر والدر حق درود معافي كم عليها بدق. disant sastor you is made sort in grant sully inter branch

Enterfolight a Subgracion the horis que in the minimum source for a

يرفريسيان

مري البت مي كمن أست يريس في حدول وي على مومان سن إمان موت والأعيد وي دووكم امرب منه شديدي العضاد ال بعاس مام و كري قد من والرساد أن و من والما والما والماد والمادي من و دارا و و دارا و در العردة برود و مريم وموسف كركم وكور ي و كوم يكان و ي المورة المان الله الله الله الله الله الله عضين الاسافية درسيب مريد شدورك.

3000000

- ديك يوك برد تفام برنه مركان دريد به بنزيك برا الم يون بودك الم من بالد و کھیں مشیقت ہی ہیں سے ہوں دور مودانا مادروں مبدری رساء مست مام بیں ایک تعام سک سان العام من کردا پار 11800 4 15600 - 25 20 5000 20 20 50 60 - 50 60 50 50 00 35 - 50 ي وه من كسيده بي رست بده كويد الله تعد بعد يرين وي سك النام ود ام كالموق ي سه بده الرين من ز كردة يك الم يراكم الديس عدد ي المريد وعد الكرانيد من رم من المرمان يس كمانتظ مي اي عدد دوي بيت عدد موم يرتدي د

وومرون كى رهايت موسدان ركام كمان معنى معنى معنى معددة المستديدة الد مدر في ماليك كرديك كالن من كورون المراج ورك وسولانيد الدارك وسولانيد المارك المراسك المراسك المراب المراسك المراسك المراسك I degranger of Six a day of the State has signed to do or part اس ك ما وري يوسين نفرال ارت الله يوسير من بارويد في وسين اليد من مدين ويرس بريان المندوس المدعود في

. ببتركيام مشييم د انتيادي يرسيد و چه نه مهار نیمی رست وقت منزره بر دوار جدند بهی ست منده اصاحب . موی نبر الحری ما صهدموی ول ای اما مدب بناوی الدووي واند تويين صاحب منكوني مي موزت كي الإرت سند وقاء منزيل النا ل برنك . أرم ف من مداج كي زري عرشت دواً مع بينه و فريت دام وغاس مسب ياس مؤسك النوركة كا مدس اشهر فرويد قد الد ومؤسكي يُديًّا عرف وكوم ويرا الأجال العيد مام، وعزت ودا من وي مام مام الراس كالموق ود بن تايد وي كالكون مك بعد مكر ما كالى ورود الله وي الله وي المرود والله الدين أو عزت مل م مريدة أو مريد والارت الله الله الله الله الله الله الم

alepopt وعدور لي وَوَالرَّوْنِ بِينَ وَمِن الْمُرْتِ الْمُوتِينِينَ لِلْهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهُ (מישים שונים מיציים)

toobaa-elibrary blogspot com وس شرے معان

ريدوك والمدوري ومد كرموسه فانح خار دويد ومان وساس ورد وساس بينه وياد مدينة بدا وراد الدارة المركة من عارض في منتوى و المعرف والدارة بعد من من المنتوى المنتوى المنتوى المنتوى المنتوى المنتوى بريدين ماري

Leap de in man of the man with the state of the former of the state of the state of the state of

معالم و فرد على على وران من من ورد لا وكار من من الم الله على الله على المراد ا e'invitarionique se sortamentionite entre concert fil his explication of the control of the state of t Jefornohummerene en angronin

- است وال الموست ول المهدروب بعدولات كم بداي المعتند كرديد بن ال

Various with a trong the conservation of the state of the state of the Summer for the free

محصول کی اداری می به دواند معدد کرفتر سه به خدار ما موکسی بری فر ماک پیدود ن سه ندادی آب اندون محصول کی اداری می در کارت در مرابع معرون را کنف سال ما نام تام برا میکسرند سرار سازید به نقد می تواند سال ه جدول معر مل عالم في في وكل تعدير بعن مكر أو مو وزير ولا من كر الوحدة بدى معيد الوال المواليد a lande titagen Il to sainen granderige sel the a hotely to a bish of the for deriver of the section of the section of the section of the section of wiggereau in a do a or a will the Engraviry of the win with for

کوام کی افا میں گی رہے ۔ برائد وزوجہ خاص افزوا و منکر مترکہ منافقہ ماروز کے کار مدر ماروز کار منافقہ ماروز کی کوام کی افا میں گی رہے ، بار دائور کار منافقہ کار مورث کار زمان کا بھار اور اور کار تاہم کار ماروز کار میں کار jan Brildy itan Hitenin am Jerrard sprekt Hidan Saifin under and deline posting is desirent is an enthanger to or westing heart me comple in or tiller a lately recommended المورية المراد عيد المراد والمراد المراد والمراد والمرد والمراد والمرد والمراد والمرد والمرد والمراد والمراد والمراد والمراد والمراد والمراد و

- はらいれるからかしたいちゃ

1800,00 استندم إلى كليم منفرت الم فاحتفاى قد وركيدس الحادث ي كم منفرت والسنة ين الله الله خرى إلى على الله ركون مع تعدا كما في جريس يدي برابر من م

ي دوسك يها كراد دراداد مال داد وك وم عام المفتادي.

اد سے اللہ کا دائم قا کو جل جدا او ولی جات وال اور الله و دان کا وار دکی فرد علی مارو بي ادر ويد كادفوت كرب تفق وال منزمت كم عض مع هاديق على تنفيل أو منزت كرد بافي لعف وسي وباقت - ال طرك في يت بيت بي بديده به كروس عفظ كي الى علام ومع عانى ور در من الما والمعالم الرب يعلم عاده الريس وي كرك ويد يدوك من المدود ويسف كم معن حب وس الل طرف مشوره وياكروو و ب ماحب س ما داست ضرى بعد ي س لى كى قار درب دور دورية كرمات بى دول رس مقد كوفيل فر دينك يك يرم أو جريس كمات كور عد الدكور يورت كالمشرق ف سركور تستى عد الديون كالمان دوي ويدك المان المان

بور تكان فلارد الشاد الله فالمن الميس عوست التيب ا ير اللان فرار حلس ماهب اس وانت فراميه كي ناك سك بل اون دكان معاملت بي سنت في أسيست. بيس لك ر به موسیت بن کاریسک ول می وی ادران دی کی نسست و منعت سے - سال می کا مطر بالد کار شوی كى كى دروى كى الى مولىس المرويك بى كى الى كالدون الدوليال الدارة والت رصت جاکری نید کیاگی اور نووک زاو رسینے کون سی فروتهدیب کی بات سب 2

اس برواز دیگ مهاحب سند بنی بدنمی کی معانی مالی ادر مکی گرجعرت علای پنی ماد قاست مکداد تو مصافحر بر فرمه منزت سفاس بر يك الاستى وسله وياكر ..

- مب سى يدمد فير علام بسى ياك مروه بوست ذهره كى فرح الهال ميز بال ك و فيرس برانسي . س عل مع من وقامت كالسع بره يوجودي سيد . آب ما فدين جي وقت بي لوفات ويكين عالى ت كرس سی پر میروست مکی که دوجی پردوجی می تی مطل جار سی سبت میں ۔ سب ایست واژیت کو بی سرکرانا میں نہ ویڈستانت معوم كاناسى . بى دفت وصد م ل عام مدمد بوك ريادت شريد برجاف لا الروصت . برى توا

ا ورن کا صداعت سد دکی کر من بازگر جواب ، او بوانس داولی سک فرد بر گفتاند - بداد مست امریک امراد کی بست میرست سی اندامشریک بریک کریشته که با ایری در در کا می بیاد موات استیما " ب كرد يارت أوجي جاست نظ مروم ت م وقواً بداخراب سنه أبي درد ي كواجال ت فرايتها برا و واحرير

اس مرام ومفري كروي ويله على يدر يد مان فرول كرا-

- ير درنو مدف قد كردوند كري دور دار دوري ال دور كرميد دوستك بي ال كرد داند ن کرا بل دوری کرید شان ب مربط قار مل سے بھا مقصور تھا مگروب وہ بنی کوتا ہی اسم کرم کے قواب كبيعة أرخا الذكا فنكرب كدوفون عاصوط مكاه Tri sating

ي ديمان

وتعيكم والماحب فروآست الركيس مي يعول مقدورت والمدكمة تعالى صاوب كسبت مي ورت كالكرك ويد تعرو دیگن رسیعی داشت بنور شوشت کارسیم میرکها شرحوت قاصد و شد فردند بس ک. ين عدم ١٧٠ ب ويادر مكر مد بوكرمها فيك. يى سند مت بى مديد تك ووزاد بوكر ماين ديد ے مرت بعدد المعدل فال موت بائے س بالماد وس ور عدد کو در صورب مور پرفام ما دب کی میدر مغزی دور انتظام معدنت کود مید میان کرت درے دور کے بدک کر واب م مديد سے ماقامت بري سے . ترست م سيسب

س مديدها د ورس الها ي واب ما ويا كاكوت ك بدك وري وا من بعد من مال کرمی داشت برسف ال د سک ماسب ده ما سب مدف رف د ما ما د س و می در و فرود ما كا دانست على كورك ي واب ما ميها روس كالمائخ واب واحديد والانات كالي عدادى درى يه دى معلى المعلوب در معلى بالمال بالمال رجيده والى يركوج ب دويا والم الم س كا منتول ومن كرا يورون من كرين أو عاقات كرماؤن معادت بي معارت من من كوليي. الد لا دَن كُرِكُ أَوْ وه مِنْ بِ مِدِين ظالب بِل لا تَرْس صورت عن الإنجاء عَدَى لَيْ زَبِالاً بِل مِن ستعالي كانت بوسك ب وست كرج يزيدك باس ب ومشامل من وز ووالتسده ورث كالتدمرون كالتدميد and the star of the second of the start of the second of t واین وا معسب دید دوره دو وی می أن آن صورت من امک نوم در می بث اگر تبور ک مون تر بت معاك مكاملة دند الأتول نيس كرناني واب شاجي كه فاوت كونت تول ركست مين التاكسك الانت جرك ورج تؤميل اس والت الي كم حدود من وروس كي ما فائتس من و خواج وفوه) يم يا بن جرمند من تي تو كر كستكة بن وْ فِي السائد كُوكُونُ تَفِعَ وْ الْمُكَّالِ الدِّمِرِ تَنْقِيلِ مِولًا

يد امريس فين ملايين كمدون ب كروواني رواياك مرج كفرو في ساعد ما وكان كري مريي غراد وك را تكدي كوف سرس كري كيس سى الداوس مد كرك ووض مد وكر تك تف ملاهديد كرو س بين سعدك دين ال سك وس جود ورد و مرسك وس أش الدائع ميست او ي شعور الدان ال

いかいいんんいいんんからいん وسي كر أو الم مناسسة كي الكيس كما تكسي ودكياك

- كنا يشيون وتوجم وكل كانفرسي بنين بين سكتي " · Sachojajo

ر مورست عدد اعط کرنا و طبابات) اس میں امر : کا کوئی وستدم ان جیس جگر ابل علم ورزند ک دریا مقدل و تا بعد ای مقدم می کارد سند کرتا بول ؟

و انامنامت اليوم العرصام مستدى سط

toobaa-elibrary błogspot com بسي وستاسان

Brit Hoph are ر می سف قصانی کا دوور ماست اسی مشری میست مار بع بورودت سے مگر الدائد فردت اس

مَدِيث كي عليت يرادل الى قدرزم ي كري سه كى درى جى بيد دى بنى بدق - الكى كاد والله ف

يى ويكي ليَّها م ر أو در كيس ب نبه عدود ولي وتي جوب سند . أبيدك اينصبي تعلق اوراتها ع منَّست كي ويدست اس ألّ كي وفواكا - とっというないいとこととといるとないんしんかかんないいいんとしま

ر الله الله منه سك دفع من يحيى مي سعد مين جال كسي را اعداء والقرباد ديث ورسكا في مب مي ا درسد -والميك معاط مين يمين ست عويدال كرا قا المراع كراك وكور كور كالدي فررس وي اللي مد الف مسام الد

ناكر وسف ك مع موم من فيس - دوال ك زوز من مدال عاد رس ماكر بدورة وعوافيد مفاورة في وموجد ودور - croshop time in the ing ing in a continue of bound to it in ju

در ودع دیک مناص و تسب کا عادی مور با عدد --

ي سي معيف عن عي الا تراف كالرائل في تعلى إلى الإ الكام يا بله العول كام كري سي الأب من المائل والدي وقت الاز وكرود ا

العنرسانوي مسين الديدي وراعنت تفاتوي ك ورميان من وينصبي أنه فات كنا مولاتا مركى كامعاطم يصحرن المندال الدوان أرناس فالا ومدين الإشتار وياد

حيى عدم، صب عدنى سے معزیت بھائوئ کے تعلق ساول کی تومیل بست تا ہیں جوسے دورفراک یہ کی ااہم سے مواہدے جم توان کرایس بی محص جر اسا کردینے ووس سے بڑا ہے کو معدازیں معامرین سے ہی ، فرقانی ملد کوائنی اجمع سے وی کرھیدارہ اس م تنسسه الدو محد سائد بون بنر در روك بسار ووفود من الدي

ا ، کابل سف و کسک یمی ساتھا کریں سکہ در ان سک درمیں سے مطعی ہے : م م تی ہے : ومكيم الإمستف مسكا ،

(مكيمال مستلد صيفايس)

ميكن سب عمد م حدم سب تعزيت موق إحميي، عدماسب بدني كي ميسند بيرسيلي مزني نشار تعبون عامز بيريث توعيده جدمه سب كوديكتين من تغيير فون كان فان يب كاء

و لهاز خور الله عيسر ولا الكيد كريوني تعزيد والقانوي، الشيد تكاوي معن من مولان حبيل الدعيب South dist acution, 100 - 50 - 750 - 250 6 50 5 30 مزاره الريطان من بالمراح المصنعة موسقه المراب والناش الروس بنينا مسكرة إوابشره كوفشك مزري او

ين شعمان

میمندن مکرنیچه : وکسریزی کنے منگ کران منکه درمان بیشهی چه سابی قریست کافرز نے بدخانسی میں مان تا نگون در افتہ انتہیں واقع دری کا درویت کے دورست کے وارسیدی آخر والی میں واقع میں انتہاں مدتی کا دوست انتہاں واقع در سابق میں مرسفی بائے یہ بی واقع در انتہاں کا دار میں میکنی

م خوده و بروه ها دوم سه کاره اما به دوه اکار م برای کارگر و تا به زیگردی سدنده . منتشده های شکه آدمید و افزار برای برای میشونده و آن اطاع را دادم برای ای هدیدند میسید موان این آمد می سه سه مع مدی بروان مدامید برای بیشتری کاوی که این برز داور سکه بدن ان اجری به گزوند از مشیری آزایش های و تامیس می موانده موانا بدار که می فران میراند.

دفانا مدن کا پیشد خوصول پور-ممتر به انقام فرید بردیدکم، معنوم انتیکم و دفته انتیم برگانیز -و ها عرب بردید بردید میکند به مشارک از در با در بازید برگانیز -

ده تامیم ده ۱۰۰ می برده این برده این به مشدم دادند. این تین ساوی این مانته دی کانی کند بوشکه میزادند کرم وال کی معربی اصدی برگامیت دستای برکست که بی صده

کان یا جمیسید کشیسیل ویادہ پہائی ۔ بیار آرتمبان یا دہ پہا دا لچرکو توی امید چھرکا تختاب وال پر دینشا واقات کوشا ال چھتے ہیں مرت فرہ دینگے ہیں کے مشعق بدایت کرسٹ

ی مورست در ... اجز وکیسه فرود می اوافق افغ را فوار که بنا مربرگزانه بود ادر ایرو کوری کری فوار کوری هم مد و فرویتی سکه بود ست همهه مادن شاه مشورت مودن افغان و دو است برگزان در آنها به تنویش سکه مودر بر ای وقت آنهه کوریت کرد با ناز گر

میکنشند بسته کوبر با بر برای رومان بر به کابی به شوید مدافر برگ بی از دانندند شوند. مندهای ایران بیدان کابی وی دسته برای هماند به دارای نیز درجه در واژه کابی سدند در ایران با میداد. این درهای بیدان باشد به در ایران میکند و در در سیدن سب در برد به که که به دی سال بردن سال بردندگری . میگه وی میدید کود وی دست برای میکند و میان سال میکند وی در ایران بیدان میکند بر ایران میکند بیدان میکند بردندگری ب

که میدچه انوان دامنده با هم ترییات و چی سکنده برختان و این بسرمان بر نتایا و این بسرمان به نتایا نیسه برختان ب وای الدود هادست کوران ترییاسیده و از در زیدست کمی آن بول شد سک مول به بسد کریسای ترا از از طویدان که در مت بری زمان از میران کرد از در از میدید کید روا و از کامی کامی کود و هادت ما است را و فرد با کرد نیز کاره در سنت یک حمد میشی و دک به کرد و کرد.

ر المراق المراق المستحد المراق المراق المراق المراق المستحدين المراق ال

ن العرب بيني ميون بهران عليه الماري المستقدمين عنه الذي سنة والميا الم و الغروي والحركي الإن الميرين المعرصة حب واصعة ليصنع العسول المليكي وديكرا الكرو ميكان ا

والمراب والمراب والمراب والمرابع المرابع المرا このはいしいとうとうなりといっちんろうかんとしているといっと 4 pt - Me Strong S. 4 Springer pass Cal Jr3. S. Grang right 4 mais on ations to protect it is seen it is see or كرمواى ما دب كى در داي و داي و كري المرافعيد به ي دوار ي ك دنته الم معاليد به كل 438 mily addont - 100 to and fine - will and and it of مان كافرا دويد من كالرائد عن دواكم من عادل كان بعيد خيل ومائد ويرجى ال متوت بردرسي ويا مكر سيسان اوي و فول أوكاله الموالي سواس الرموي فالإفواق ال and descended in English on it with a fill we تهريس ميري دوري كي دون كي دينان منسه عن الأرواري والان ساجيد در منت بديرة الديست ال و له إحامة الديري لاب سالن الكرب في وي مد وسر أويس بالنا كالمرادا ports - qis comp & quest and q sole and son s.

1 g 2 - von to to to the grant Lough of who had ه ماي ، فري احد الا العرب الاست ال وقت الى ين . الله يدي الله وقت مك الله لا إلى الله

و تقار مون در ود بند م بای سیل بی ، ای سیل ی عانی در در در در در دان مدال داخ دفرای ى كى كى دوردونور روكى كى قالى عقامت ئىسى د كاردوردولى ئى ئىشىنىدى كول كى تفت مقاوي كى بونب سائلى در در يسام وز كذا شد يس كان فرق اولا احسى ، عد كارد

وعجمالامست مسدون

مولا گامترف گراتی اور

ي تفاق أن إن ال شاب بي كاب الإركودات إعوالت ، بك ووسيد كالمنت في فاحد الماركات . ال الله ويم النات وارته و الله اوران كم افتان فاحد الله كيد مول ميرك موافق الد مدود فرف ك الله في . الى دوسى كمتر فكرس شال من شكل بعد بالإلى ميدالما جدها تب والا يادى ا رة وم محسب فراط و تفريع كرمي من الدينا وصد ميتوسيد كي عالى وس

مولان الروت الا تعالى ال War with يدا مرفرشته برد الرفرشته منين ب تو مرشيطان كدور كوي دربرمنين . قوازان د احدال كاكو يا قط يراك به در افرا مر دربال کون کے میں مقام ر رکف م وک میول ی کی اور تیست در مارم میں در اور مارم کی بدوروں اور الی سنت کا فر سے تو ہی میں اور مارے معلوؤں کے ورم بن اکس مطیبان آوازں کے مال 、他のこのから ここれを見がることのいからんらかにおりまけ

مكسور المارد و فرق - كمارة فران ما مستان كم مال كر موالا كو الما المراقع الما

Liserie of one of the sound in من المكوارة ك بعد عدت كي درست على بدي عدة كالها إدر المازت باي والعزت غدمات الكديد めいいはこけかいなんなかいいかんといくいいこうなととはかかかいかんと وي ك لذا ك مزور ك يك زالت مزد و الي جوس = الل والي اليان ميا لهما صبّ قال کوک علم عذ رکه کندر برج گور وره گور - چای هزشد، بی حرمد لدموان وحودت ای توکیدی شوک

را در در ما ور و الا الر الروال و در الر و الريد و المر من من المر و المن مال مراس ما المراس كراد و العوافواسة الموس الته يظرب وراالة كى مدى كى فريس كراؤم فى يى يىنى دى كى و مستورك كى يى فلا كى اكرياب سى يا العد كى مرى دوائيد Ald our such the in a service is a standard of in the standard int.

a. 46 to 16 84 june 1 Line 50 4 10 List work.

مختل باکتان

ياكنان كانف عدويا م متر ترسوان مع بدى وصوى عيدوى كان و لا ال ج في بيكريد ذوا ماك ن بريد الا يعامل شان مدك المستان عداك مدواستان عداك مدة. يدوين و والله كوا يو المواد و و و و و و الما المراد و الم ويد ميدس كاست و مرك كالمسيد و المعدد و ه در خاول از المعالم الله ۱۶۰ مرود که برد الله معاده م

الالدائرون الايتنافية

كدريد ، قا مروصة برايات كر عامر اقبال مكر علرات والارترار والريل فقل أستان ميل بتعال مير بالا بكرست مندولاردانوي ريس ما تعزو منها ك دور إلى و يو قار على أنون من است التلاء كانتقاع ال كاند شود براي

من يسلفت كوقيام الويان عدرة بالفرسويك كمتذكره والد بور بل يوكي الله والله وي فيال من المعاسس يط عزت مود ، الرف في هاوي ي السر عام مي كن وتعام دوي which is a representations were site the solution of the the يتسددي سل المحريدة ويد فكروست رست مد مطرات ميوالمسين الد مران تكوير بالير موقا جدال جرمامياني وي

تعزيد موقا طرت كي غذ فوي كي خدمت يارسي و ترتقار بيول عامتريوسف دورين س دويس طا كاست كاعل، ين كاب متوش و -1 以をいけるのははでっかりか والمنط كارتفا ودى طرورور مروم بدروسها والركاء نقد مي اورويسرك المولى محبت بيرسياسي بمودر يراكمنكو

ابن الروا ما قا النظر في سب سه اي مترب سه را مرى ماس الدوري مر ماري المناس الدوري لورنسش وي بر- لا تول ولا أوة جس سفيلي بيها كها مان رغ سف عاسد. برمال هو شاري كمد. بركون مقوليل ك العقاديني ومساي مي ايد مواوش وين اورفيرت في ين كي مواهي . عد سرار كرمنين ساكمنا والكيل ماليس مالا اموى مؤسف الانبال برسد اورى يستد بدكى بيل بطرس سائم كي داري يس الدي يري سرميد معزد كريم ولول كساس وفسد كم ولا كارسيالية النان داخة الكرار الحروث كيدايد فرد المقادن مير سرمندر موسد كالرار ع كونوسى وروران در ماك تراس والعزيد م وكون عديد يكي الم فيب منيل ع كيداً سك سي بول. وعزمت كي كعنكوس برتيز إلى صاف التا ومنزت كو مكوست وقب سته و مالفت متى . وه اس كى كافرات بوسدى ما يرمتى . ذكر س كىدلى إعيد على بوسف كى بنا يري والوش قا تاريت كا

ي المرادن و، كمث مد مندوتان ك ، سر طلي محالى كاسيد - وشروع شروع بي سياسي كالاست معدرت على أوي ك بم خیال شف طرا کا نگوس کی مای جا عمت سے تقل ر مصف تے ۔ 10 را 18 . . ب کا گوس کو باعد می اور عام و یا کو باعدم می مایس ، تاسفين مندويات ي خدويان في منين ركعة عكل بعديد كيديد ان كريد الكفاف اوجب جرست بوركير است ملار قبال کے اقدر کے ورسے کیس سال لیدائھ عام ہے و فرجدی سے گرکی دست کا علم میں دی اس کے فلھ بولے کی وس میں بوتی - در رو قدات ، الل کی عرع عبوت بول کے بی دور تی ان کو فندرت کے بردہ میں دورہ وريك عيد وبالكناج اله

س مراوير ير موال بدا جوّا ہے کا كر معزم القانوي بي وليا بي نفام ، كسّان يا جا ساتھ ساتھ جن كالمقط علامد فيان ورقائد اعظمات يضافها عدد على استدين ويش كي فلدويس

الم توسيميل

الاقويري المسامط بركري ب

سه مرت الرف دامل وداران حرجات مناعات

31082200

ور اوال 8 و بدهر الماجر من المراد والمراد والي والمات كالتعبل عد المناجع الموساع المشكر والمراكا ق نوی سے ف درس کے میں میں میں سے کا سے ک ي سنتريه تحق عامل الاي متوسعه ف ل يرسيسة وازي بسنت بعدكي بي يتصفيل وي تمكم كي وار يريين كالاي ياي

(لتوشر وعراب معلل) معرس كي منظو مي م جروه على من من تفاء

دورة على المون فيل المورد و من على على المدوري في المرود على المرود وي المرود المرود وي المرود وي المرود و المر المدوسي في دون ما مديد يكي فيرد و المسيم من في وال ودري وقت للروس و المارك امياى الماكر وكدو كسي ال فيل د عدى كالماك لارون عديدة رك فلد م و مد مدورى لدورو لل ہے لیس ویسے سے عار دورہ دو تمال میں قریق برسے کفائر روزہ فر طرف میں لیے۔ اگر تما زروزہ دوافاعد ہوگی ۔ آل المبر موکا ، اور میں ، المست ب المبر کی ۔ آل مار روزہ عرص الميں سبت ، اور میں ان اللہ میں المست جه و بی سیند این تا بهت بره کرستهاگی کا تغییر و فور می میسرون برموتو و سیند دور برسیری داسته آن سیمسیسیشیر LINE, it's your to be interested on the out are hard an

سهد رک حدد ی جد دو الاست مردوست کو معان کو ک مرکز قالم بود دوسری چر یا مید کو کل مرافق يو ا دوس كي ميداونيل بنا يا جرست . اس سك أحرش صفاست جول - كيسسترن بيني وه و ندار جو . وه ميستا لمياست ے واقعہ ہواور میرسدس کے نام مرسمت ہو۔ بہاکی سے کامین کے ان تری کر سے کو سام میں متعدد نيس ورسين كالمدحسن سي و منار السيد مساور

يركزة والمرك در رسيسته كالي الاستدال الريث بها مليان ين ويداك كالموس وري مرينا فالإ اکروہ ہا کہ معزوی مفاست صعب ہوں کی کایک میزوش کے میں وی ا

س سعد ور الابريد كالعزيد مفاوي سه درون سد سه يك وك عالميل وش كي طراس سكته و سك يدم 二七、からいのかい カンちーでかいいかんかい معرف تفاؤي كرويون درقائه الفرك ورقادو مالتيك فارمام ال المرافع في وفي تربيت المري تفاوي كدر ياس ورافي المريد والمرام المريد والمرام والمرام

رف ع اور وسى عزت هارى كم والا والنواقات ساوك كے لئے يى ا-ا يرامك مينشت جه كا قائداهم كي قدم تروين ثر يست تعزيت التدفوع كا فيضان هذا وران كا معا كا ثوده ويشر

ی ده دست مودی برگامه مید امادی شده آن آن به هم تونید این کستری در میداد. کار هم را بست سکن در به برای نمست و فارسسهای در میدست نام دادید شدنی بدارست. در این با بست می در بست که شدنی نوش سر یکی دون که برای در تا سری ما در برای را می این کارش باید در بیرای

ه چهری گار هو بر ساز می بادیدی دیگی عرب بیزد. وارس و جرمسد نے دیک و دیمون دائز مذکری توتوں کا مشرق ملات

داستان تکوؤلگ داستان تکوؤلگ این توانی به مناسب در دارد به سیاری میزان کوشی بی میزد نجوم در کاری دادی می دادید می

ل بر تری اور پیرست فرد کویسر مشمد شیاست میں سنے تھا کا مربعت جائے ہے بر تفاد کھرارہ پیشنع بیگس سکے لٹارہ کی مکل در مثاری می بھر بھر ندرواز متر موسرے کھیں پر

المراكي المراكية عن الله المراكية المر

لول فال دي ما در قياد من يوسي مي به معادد مرودي بعدا

Best of the second was a second building

المن المرافق المؤون المساعد والنامة أو أن المرافق الأول المن المن أو وصف الموسان المرافق الموسان الموسان المدي المدة الإنتان المرافق المرافق المنهوا الإنتان المن المساعد المن المرافق المرافق المساعدة المرافق المرافق المرافق المدينة الموسان المرافق المرا

المراقع المراقع المراقع المواقع المساور المراقع المراقع المراقع المواقع المواقع المواقع المراقع المرا

المواقع والمواقع المواقع المو

مين فريد مسهون الموادي المواد

مه به العراق المراق المنظمة ا

مافقة وظيدا تودعاكمتن استنعل ورندك مبائل كالشيند إلسيد

الشراف بنداخ بی گوشه کار دیدا کردند. - سر معدد بریکسد دری گفت کاشت التین شد کر بر قرز کرد الحدیث می کارد و میداندگذارید و ا - در معدد بریکامید گلی کوش اکتوانی کردگری برد دری این می اساس کرد و مردند درید کردن می کند.

ار. بالمساق الميلي عند المواجد المواجد المواجد المواجد المواجد المواجد الميلية المواجد المواجد المواجد المواجد الما الميلسون المواجد المواجد المواجد المواجد المواجد المواجد الميلية المؤود الميلية المواجد المواجد المواجد ا

ابتام سفرآخرت

المنظمة المنطق وليت عندان المنظمة والمنطق والمنطق والمنطق والمنطق والمنطق والمنطق والمنطق المنظمة المنطقة والمنطقة المنطقة ال

یں۔ دوق بائد مان آئرست اخروہ میں منصوبے ای سے ایس الکننستان براس اس کا کالرقیم ایستان کی استان کی استان کی دو و طبعت پر دفیان کی درجائی کی درجائی کا انہوں کے کہ دینے رجد ہندیک ہے جس میں مختصی میں میں تاکیف کا استان کی د فروست بیش کے کا ادار و راہ والے منصلی مثال اسال ہے ۔ دویا تعدید کا توسط کی دوران کے فوست میں و افزائی کی وست م toobaa-elibrary blogspot.com معاشرتان المان الم

آپ مند کورگار بیننده میردد دارد کارد کار گزیرت وابسته که کرد و فور کانت وابد کارد و این است. و کاند بازی کا کام با کورباسته نام وجاست. - اعزان میران که در این میران میران کابینه خدارد و وجهت برای کنیز در کرد.

المحقوق الوهيت | معنون مقاول بيضاره وجهت وي تحق رايد . مسيعتان فالمها بين معنون من المسيعة من المعال من ا معنون المعال المعال من المعال من المعال المعال المعال المعال المعال من المعال من المعال من المعال من المعال من

مب البرسة في ذكر المدينة من المؤولات موجود و الأن المستقد المدينة المواقع المدينة المواقع المدينة المواقع الم ومن عدمة بدولات المدينة موسئة المراولات المواقع المستقدة والمدينة المدينة المدينة المستقد المدينة المدينة المؤ والمراولات المواقع المواقع المستقد المستقد المدينة والمستقدي والمستقدة المدينة المواقع المستقد المدينة المستقدة

ه میورد به به به مهری سیست. ایرگیری کاک بین با و معرون سنته پیرسندگی بین بوش بیرسیده او گذشته دو شده سند سیندایش برا خاسشه سک. دایش کردندگر اورین شنا فری کردن کرد کردند. دو در مدرسید مراحت کردا جوی و

ری بیده میده در این این میده میده در این این ایست میده در این این ایست میده در این ایده ها میشد. دو هنول کوچشریت در این در این این این این میده در این این میده این از این این این این این این از این از این این این این این ای

ی این بهت و اش کاهودها و رسیستان وی کام با صندینی پسک مه فاسکتان که طوی این دو در این و دو در این و و کام کرک برخرش این ساعه - نجاه برمدیل نیسب بر با در در مستند، بگزوی سلکاری مورست اش کاهش و بیز سند تفاهست برسک تین کی " بکل برمدید کار مندسیلی، دی در در کاهدید برکزاری،

به سه کومندسته و بن بین به گراهمدسته با کون داگری. هم ایسته به می می به ایسته شدن به دارا مسته کرد به را کرمندستان بین برخوس در که که موره نیستی ناز جده. می با در ایسته به می ایسته با در ایسته بازد کرفید کوش و کارسته شد در کون امرخواسه منسده و با تا تا گرا

هی این چیست دکریی. مربر مناصل اگر است این طور بی این بر در این در متاجمه سد داده این در کمین دوست افاقات سنتی این ویواد الموقوت و بین سام داری که نام این در در تیمن می شود با این با بین سام و او در قده با در شانیک نیزی بین است از میرد از بیری شام کردان با میان می شام و زیست می شود سامه در کرد، دو ترایی این از این کمیست شام این میرد تیمن می میکنسری

جری مل چیزان مصف نه شده دهدم بی سط می است ما معاد در این دهد از این است مصفری هم نیاستندی کا به انساستان گرفتی هم در اینبطه اس مشکل فرمشان که شعب مای کا اعلاق دور و ۱۵ دورون و دهدمی کا ۱۳ میشود کریا تا وست . مش داد ممان و دود ار مستندی در کا وی در داری دکت نگر خرصندی دانل برین میشد این مصف چرد هم کرگرامی و فرهد

من داد مان و بدود دانسدندی رسان به در در به را مداخت افز فرحندند و داند رجود بهیداری دانسته بارد بی گرایسی و قصد چندم امل آبادسته ترکز دس کمانا منتشخص بد بود خوای مشاوت رفت اخرار خواسید کمانشدنان و کافوی جون دخشها بخیوات و در برقیمت چهمهم کرس بر

ا در الى الدوام ون ك أن بول ك قبل دات ك رات ك كماجول مد قو ون كدا مقتق ركية ديل ، ورسى الوس

ا من المساولة المساو

د دولان سنده می دولان سنده در به دول که این به بیشگی ادر امنوع مؤلات سنده در به دوم سند اخری کلیلید مجرس کلیلید مجرس از به به مشانای جان بازشته میت ادر ای در این که ایر از دار ما موسست معروف ایل دان رسید بست می

ر بین از پیده منده به بازی بین همیشد که در اداره و را در در در به این کنند بین را آن کی که که دار دکون بود ۱۰ و در بین مندم به این بین همیشد که در بین مندم به جرح به آن کنند بین را آن کی که که دار دکون بود. این مندم که در بین که داده کا بر حرز با را دا دار داری با اینکه قانون دشتا بر روید در جردی در این میشود است

د فات سے موضوب روز قبل عمیسکے تربیب انسّالی نقابت سک یاد بود هنوظات کا مشسلہ کیا کیسہ مروّوع فرا در گر کا دار مشکل نکتی تھے - اور نظر پر منابعہ کا مبرۃ کرسے مکرسے بوکر لہال میان اڑ بھاں سے صادر ہو کی تھے۔ وم بھاستگ

محطا شرسة المتنازي

ب مناور د

وين وفد عا بنا بن الريد ورد و د و كدوسة رد و ر ر د در سام كان تعامل 色というらいまれらしついるいしょうけいかいいのとしかけられるこう ١١٥١ من دود الت عيب وكن حفرت در ينسائى شارت ول ميرك يرس ويتمي فارس 1- 2 - 18-14-165- 23 50-150 - pro x Kangan - 3- 5- 204850 مني كن ديا سان على وميطين ور مين ورا "نده كي در يا مين تومیری مالسند،س قا و کھی سیرے جوتی ۔

و المراجع المعادي لري على الشريد والمدكة الري الى ب العلوة وما ملك اليدا الله الله الله م العزيد في وفي أوي المري المرافق والمواد ما المرافق الم المواد ما المري والمرافق المرافق المر و" ميلي دوي ور الاست فيال بي خاز كا در تقوق كا " بالأ ترجب مدين والبي مكت وقد ري على المست يت الماد والنادو رست فالان فراست محد دود وروائد تك رئيس فدري قد منك - يدريك را فرى فتى اور مقال مع فتوسى دير سى يكك وريا المنت ف ويراس مدسي كر وبيه عدد كياليا كروس منت بل. فرد كرد منتذر دفريا كر والتسكة سليس ولات

قطب إلارشادكي وقامت الا بروز الروعالب الواعزت ك فاما ن فال بل عد عد .

ه بيل وترك في دسك معروب تقاكر ولمنشاف بيطاقدسين ديك تفريحي ورويس سف بلير مراي كرويا-ب موم بي عد عد الله بي بي بي من على وي وي حرف المرب عد وي المرب المرب المرب المرب المرب المرب المرب المرب المرب تعديد داري وال من بوق بدي قروى وقت ول احر وكيد خاص ميك مرفسول مخالب الدكيد مشاع كالحموى مواليد ادكاس الأيل والمراق والمراجع والمستان والمعالم والمرد والمراق والمراعدة المراء والمراء للعبالة والموالى والموسيين منتق على العربي، ووريس عيد أن بسياراتي و تتاكم سلاسكة بالمراقع collection of the contraction of the contraction of the collection sychologic ich in viene the company or is estudis sense Both wild on must be sing - if + coloning & becker 3000 it in the resident replanter which will in the continue of ordin to recipe in it is get the most tief is the continued charges pro Lucianistis in the dising for collection of the ingres law sollen رى آير بيان يحد عاسد، جها. وفاشتالسوخ مستلا

toobaa elibrary blogspot com 的可以知识 مرشيه عكيم الاست شقل برتار ع محينت مرونال ومشكيب اج ك مدام آه در اكنساق الل سيسم ميم دميد كرامت طور كيامت زادره وره يدم ولم زويرهٔ تونيار تطره تطره وكليب نداخ از پرشنق از قرمنند بوجهت ال ﴿ كدام تعزت الراق على نميسه مان از پر سم بام تار تار در پد ميكم امن مروم از تريب والم ي شرك چنر افياك مدة ملتوكسيت زیں بر زوہ فاکے ہو گواری و م لد كرونيم كيموية ديل الند فل مام آن پیری جب در كدام كل شده اداع از جناني نزار الله و در برس افتاب زير ما المرام ويدة البسم بييد كشت ب كر فار الم برك بال ما برور فليسد Vivi - in your of or with زمانه آه نور ديد فرسشى ميش و طرب نفا بار فدش ما بر فم نی سی كرفة شدول عنجدزي سيخ كررك يتيدوتنت الرحوشف مبايز تيست فغان ول زير مشد بسنسد اكروال زيهم دو و متاره سر خون ناب مكيد بم است اگراد است ملیل فره پر ٹوئسٹ کے بیر پیش کا مدست جائے را کرا سٹ طائٹ گنتن کراسٹ تاب ٹمنید میتان فقیر و مُدّست بنان ممذود نست الديده است کے و کے تواہده باغ حزت امآد تمند إد ابل فلات سنت خرابش لعب رتي یاں و دید مقاتی کوچی دیں توزی يرمهو بم علي رونيا مداسست يديد زون معزت الرف كاليب المرف كاليب المرف رَا نُكَاه عنوش مِيسَد كُرِمنَتُ كرمديُّ چرگوفسن بخدائی کیان ما چے۔ دسب محے زیرہ ولے یہ کسس تراندید . ري فكشر عماراست الشركب وبدعست را زدگداری این واقد میرسس کر این بناتي سنتشع عنسرا الأوبماه رسسيد بالكدازي تحديد فط مسيغ كشب بياد مال وصالتش مشعز برُن كرمخ العنكستسيده تكنتم شهيد كششة شهيد

" ليكر مايم آياد الماديث تعزف كي تدوين وتحقيق موانا الشرف على تدوين وتحقيق

A Vario

الدن من على بعد م المعين من أو والد معيد يد و يعد و الم يت ي المحل أو And an and a colin all the second and a second and a second العد الى با اور الميسون على الله إلى أقداء بعد المرابي بالدر الله الله الله الله الله الله و مديد ال مام . الله ما يد لك الراسية و آال عد للال كال عبر عامل مامه الرف عي تعاول من حيس الرق عود والان الله عليه الماء العبل عن يا موف مال الكر المال Alternative and the freezeway M And Note to war - he was the sale out of and the second of the second and a second of the second of Marie de la Ser et la coma ser en se de la face de la coma de la c ۔ کوٹ میں تھے اور اول عمر و فحقیق کی تسویلی ہند کا شکاشی سے القب اول علم کے اس میلورج م ت و تواند بالقرار درو تواند و تا بات سور فی کر در مهور در ای العربات مديان و دو الوالية الدول الدول الدول المنظامة والمنظم الدولية المواصلة المراهدية

امر پی صدف و ۱۷ و او چانید ادار از دیون گیلان و حسنه در جسد که صدف در حسول ۴ کار به از ایند کار کار مرسول نے قدید سے آئی صدی سطود ۱۲ سے کہ دهند قابول ن فیمیت ما بل حد مدد ن مرحل نال مدد نور حدود کار

of Exact in will work it was to

عفرت ألداوني حيت وخدات

منزل قراق و ادار مدمين شامور ع في الله منز كل الد الل عربين على ٥٠٠ الله الله على على على المديد على على الميد كا على الميال على على على على على على على الم المحال العور عداف العند المحد المدارات المراكب المحد " ما الداور عامد المدارات المحال المحل 40 38 36 3 20 12 - 13 20 21 3 - 4 - 3 20 2 20 3 5 5 6 ت الله بالدوري الركارية فال و عود بدور الدفاريون ي الدمون الم الدول ے و الحال کی ایافل فی اے وائد وائد کی مراہ ے وائل 1944ء کی اور الرابعہ ے کے اور ایس میں آل اور ای استان ای درانان داوید نے ارامان مالال آل اور اسے ام 18 1 tor 2 16 in the as the way of the way the الاق بال الماهم و يد أن بالاى شار الناف الد من د الكر بالاها وق ال ال ال A cor. 500 - A 1 cor & of Sen L June L of st 2 8 20 المي الله يقاتى و موادع مهد الله" و موادع المهالي الدر الله محدد" يجيل يك . مكر ستيل المال عن عمل war on a sure franch - But to face to each in a to به باهی ایر اند است آب آد تیم و شده ی صبح هشته اد قد سه بام به صور عمل عمل funitario william a side was dani da alla ١٥٠ مو يمي كراي يود من المال قريبك حديث مراكات والله والله يمود وي المواصل الرامدر ملتي بدورس اليام من الدارات الله ما الوائد الله من الرامد والمال المالية ے مواجع و علوفات کا مادید شرائل ہوں اس کا اور اس مردی ہوت سے دو اس مردی علوہ و اسمال the water of the son between it is a Matheway it -

ما عدد مدر مور فی کی سامع الله و مای مامی کی توال م وال مدانت و عدد ب والى عد صوص فيمات ب والمدار واللي رقى مرقى بالمراد ماری اور ع می سائد تولی کا محل عیر ع دارد است برای ساخ ای ند دل بر فراتی ع کا در مدمور نے سے اللہ و ماری کا طورہ میں کا اللہ سے میال میامی اللہ میں ی د واقل سے باقد باقد ملوں مودہ ہوں در صوب ، عاتی صاحب ی و تعیمہ "میں اللوب کے سے ملت ملت بائٹ اور اس سے روان و فاوال سے شرف اور ای اور ایک اور مالی روری ش میں برائم واقام موامری مرائل صید میں اورائی برد والک عصار الله مالله and the first of the state of t with the se de the death death and with the se و مرقع کا خدر دو در ایمان در ارویت نک آپ سرگری در ایمانی مودی " بادی مودی " كر الله المستر والمساور على ما في ما من الميان أن المائل كالمار الما تعلى تعلق الما at the second of the state of the second of the second of the ادر الله الله محدث توون في بيكانت سے مال صوفت جائي اللي عدر على إدر اللي الله علاق الله في at the animer who are in the same 4 11) who that we have been in as for so fore when he

ر به ۱۳۵۰ و روای ۱۹۷۶ در ۱۰ در ۱۳ در ۱۳ در د این در تا در در تعمید در تایاب کا مدر در این دکاره این فالله کا قرارت که این به ساست شرعال بین آخر این به

به فاقاد المداان الرد الوق الداير أم الددار أي الن الدالد الا وقت عن الا الوال 13. 3 . 2 . 2 . 2 . 1 - 3 . 1 . 3 . 3 . 1 . 3 . 1 . 3 . 1 · Su race without of Some & street was so make ما ۵ ته در تبدید عاق و می تیم می دو ماتی کی . را مان رسیم و حد متر و من ال می تی میں سے مارے مام سے کامی سے مناق سمال سے فتی سائل میں جمائی می من و ک ناده تیم و شده رسال در وی ش و شد سرای کی ک ک ک در این اور EARL MOURESTON OF STREET STREET, A ورون کے کے علی و فوق بھی بالی کا ہے ہے تھی ور میں کا حسد میاں یہ اس مگر مگر المکا ہے على اولات داران الميان ب الى شك بود بور تحتول بد بورق ديا ، ما مين شك برطل ك 44-12-4-53 March 341, 127, 175 46 3 1 26 13 march 4 3 دمن الان اور الد إلى سارف و محال عالم على عدر الله على عرضون عدة وارد محاكد و عراف Succession of the State St. St. at St. State St. State of a State of the State State of the St. in Sugar Second in all and an age of the second and

محول مد داخلہ و معلق میں ہو استان کے انتخاب کے دائر کا ایک کے انتخاب کا انتخاب کا انتخاب کا انتخاب کا انتخاب ک میں انتخاب کی موال میں انتخاب کے ایک میں انتخاب کی انتخاب کی انتخاب کی انتخاب کا انتخاب کا انتخاب کے انتخاب ک محمد آنے کی کل کے انتخاب میں انتخاب کی انتخاب کی کا انتخاب کی انتخاب کے انتخاب کے انتخاب کے انتخاب کے انتخاب ک

اں موجہ ہندہ مواقع کی خدود کڑریا چار مو سے۔(4) جی طریع پر دوہ کو کا فیل کے بعد کمایا مسئل شعیص ان میٹین ، کا ہے ۔ ** * * تابعت اثر جہ مانان ہے کہ کہ ہے کے میکلوں مواقع کی منتقل بھی جہ کوسے کئی ہے این برائز یا حل سا معرب نے مشکل ٹیردا اسا اس میں ہے چار کھول کے ایم بر ایس ان میں امیاد انتخاب انتخابی الکی انتخابی انتخابی انتخاب انتخاب انتخاب انتخاب انتخاب انتخاب انتخاب کارس اندازی کری انتخابی انتخابی انتخابی انتخابی انتخابی انتخابی انتخابی از انتخابی انتخابی

م المواقع في من تنصيحي النائية بالمواقع المنافعة في جائي المنافعة في هم المنافعة المنافعة في المستوطنة المنافعة والمنافعة المنافعة في المنافعة في المنافعة المنافعة في المنافعة في المنافعة في المنافعة في المنافعة في المنافعة ولكن إلى المنافعة المنافعة في المنافعة والمنافعة المنافعة في المنافعة

المردي التي الموادرية من بيدان المردي من المردي ال

حوق فواق سامی اولی استخدی کاس می که مین سازند و مال بیت واهل شد. "پ سامه احقی از همیده این سامه یک بید شده اهوس به طول کا ایرد از بهم وید دول عمال ادارای سد بیدهمید ترف و از احق یکی و اعمال یک و ارز کید واستخدار یک احق همیده و نکایت شک تهدن این و اهم ساکس قد خدید از مهم

ا بیا کی باعث او انتقال بیدهد سے دو کی سے انتقام بیان اور می علیدی اور آم و عن اور اندن می اور ایر ایور اندا بدا کیا ہے اور آق ایس اور آندن کے اور اور انتقام کی

اد آیا با ختان کا بردادیدی در ایت ک برا شده منطقی در ید یان بیمانی سال سال مید آنهد که تمد در آن به با باششان کلیل دفترش میان مدر بردر با بدی می انتخاب میداد تی موفق امان افزار الدادی مثل که آنگار مدید بیان بدی دول کال دارشد.

ا المؤمد المادي مديد كان المدام المدينة من أسط المديد يا كان كان المهدادي على الهدائي المثلث الدعاء الإسدائل المدع الرائي في الاقتاعية كران على الحرب إلى المد العرب على المثلث الدركة المؤمد السائد على في الإسلام المثلث المثلث المثلث المثلث المثلث المثلث المثلث المثلث

خار مشتری میں سے اس ع با مشمید بالدسوں دام روں اور برای اور بالدی اور اور ان اور ان اور ان اور ان اور ان استان کیل اشد ایشد خار میں بیونا سے اور آپ کا اس کواری اس طعیلت الدارپ میں باباراک کار کی میٹیا ہے۔ ایک بہ محلف دار مشرع میشونیات نے اس ان آ سرائیس کی تخیر مشکل کیل سے ملے گی۔

مید میردن حالی سد ۱۰ بید " بید ت تسویلت کی تشده بی نامی کیست بید بدرسانگی بودهم تسویلت مید دانگی میرد " نیم به سد آرید " بید (^(۱) کار تسویلت کی شخص فورست به ۱۳ سد دادی متوجد می از کار حال سند (۱۱ میر میردن میردن که بید و طاحه تسایلات سکامطل بی و دامید ادامین

242 233 504 6 56.

" پ کی تصوید سمال بی تمام میکن گل به آنی برای برای برای برای برای برای با بین برای تر میشیده این می استفاده بین بده برای بین میشید کرد کار کارلیده کا آن خواهد امراق بلید برای کار تشویر بدار در الحق کم این میشیدگی کردارشکی بدام میزشد درد. والی سال تسوید سک تر تشده در یکی کافید این افزار کار شرای میشید و بین

من في دو المراقع المراقع المراقع في الأساقة المراقع ا

ان ک علادہ امادی فقیمات کی گارتے و فقی اور استان پر تشخیم اور پر اس و استان مسئل اسان کا مرب سال است سعال ملک سعال در الرائز، مشائل مطالعت اور استام وقیرہ کس مرکب کرد

مديث ورتفوف ين حضرت تفاتوي كا مقام ومرتبه

موسول نے بات کا گھا کا گھل کا کہ مدیدہ مر شہوں ہے ۔ دہ انہوں ہے ۔ یہ در موبادہ طبیعہ سکے مواجعہ سے کا گھر کا گھر مدید کی جہا ہے ، مواج کی سے دو ان گھر باشک کا کل جو ان کا مواجعہ مواجعہ کے کا کر ان کا مواجعہ کی کا کہ ان کا مواجعہ کی گھر کی گھر کا مواجع کی گھر کی جو موجع کی کہا ہے جو کمی ک مواجعہ کے مواجعہ میں کا کہ داکھر فرائندی تاہدہ

ا منظم التواقع المستوحة المستوحة على المستوحة المستوحة المستوحة المستوحة المستوحة المستوحة المستوحة المستوحة ا والمستوحة المستوحة ا والمستوحة المستوحة المس

الم عديد على مجارت برات كي تساعيف شا عدد المحادة ، المحادة على المحادث المحادث

عدد بن رقی می بید اثار به بطاقت می موج بی م قرق میکنند. انگی موب و فرق م بن افزود و بیشند دیشش میدر فات از جهد دی واقعی می سام میزی می کرد بریان .

کائی فاقعہ واقعانی ہی گئی۔ آئی کے جی مائی وائی ہی کی ہے تاہمائی کی ساتھ کی ہائی میڈی کے توسط کو جو بائی کے پر دائوہ کی ہی گئی ہوئی کی میں کا بائی ہی کائی ہی گئی ہوئی ¹⁰⁰ کی ایک این کر اس کا دی کی کائی ہی مائی کی ہی ہی ہی ہی گئی ہوئی گئی ہوئی گئی ہوئی کائی ہوئی کائی ہوئی کائی ہوئی کائی ہی کی کی ہی والم میں کائی کی دائی ہی کا کی ہی ہی ہوں ایک ساتھ کی گئی ہوئی کی ساتھ کی گئی کی ساتھ کی گئی کی ساتھ

لى على . تعيد و يدور وفي م يد على المعادة والمديد عدى أن عد المعالى منظر ے وہ واقتی کے دان کتر کا تشکیل تبدل آئے؟ رہا ہے)۔ آ پ نے فلا کل بر ضہی سے 18 J. J. S. BIR JA C. C. + 55 - - - 7 3 2 2 - - 0 9 1 1 1 1 2 51.3486 13.830 - 23- Parramal L. S.A care in the comment of a care and a comment of a star of ر اس سند فی در گردی مودی فتر سی خیل ساد می ایسی د نظر جالی کرد. در استند کی العصیر مه الا من من من مورق مرية من المساور و الالا المساور و من من من الما المن و من 46 Bungaran 20 20 20 20 - 26 0 - 26 0 - 20 20 16 هر دست که این انگسارشد پستی این میادن مهموری در بخیل معرید قرادی و مدید بی هر ولل في جن ر فود أب من المية ال الأراد كا الحيار فر إل ك

سید فی از صدید شده از این را به تماییدی بد استیک و تخلی بدو گرید برای گرید بدو گرید

"پ سا هشد معهدیت و مهدیت کستگری ترجی بند الله آن به مهدار کار این بند الله این به ماد به کار بر به ما به یا خود رسک این بند افزارات بید اس می نظام این معهد ، شرید" کست اطواق ۱ مهدی گار بند اکار از استفاد الله او واقع الفسیور (است به این به این به این می این این کست به در این کست که این کست که این کست که این می می کشاری می کشاری این کست که این می میکند کشاری کشاری میکند کشاری میکند کشاری میکند کشاری میکند کشاری میکند کشاری

26- 45-01-048-5-maighe & 6.14. ل را خلاد د د د د د د د د کا هد ص د ایل د دود د خله بال اگری د جوم المدر موجل نے وقی مادو م سر سال سافور ی سامد ل و افتاع کی سکی اور حال کی 5 دیدوں دو پاکش در چند قلیدے میا بند 5 کھیے ہو رہا کی ہی الله العالم في مان و على ماك ما الرائل في والمان و ماك في الله . الل و موث اوجه هے ادر حدیثیت سے ماتو سؤے و طیعت سر فارن باہل ی بجب کی غی دد فال كي قد الله كا عام و كان في و عال هم الله وصف الرابع و وصف الله . في عامل الهام وتعبر بلد وتفي في رايد الله ين صف وروقر و موس مد الد يعور را والى الان فاعت محدر وبارد سرور و وارد اور مهر سار موسر و شوف و شرومل د در محر الرواد و شروع و دو شکافی از مصد مود . از شد بعد دود بدو و که است و واشق در دری هی بدو می باد میواندر و راب . هم جوار الرب او هو مترور امول و الأل و يك يقوى و فرانت كا يم الما تما 1000 - 62 78 20 - 5 - 20 4 - 20 10 2 2 - 20 20 20 على شرفه الحاش وتلقى و مايد و يا ي حجه تر قدر مي تربيد المن الخيل ميال State and a state of the state with war to face to the de an Birth أرابل بالراب والموقي مراي بالإنتها والمتناء والمتابعة والمراب الرابل بالماء والا او الدر اللي وال من من من حكى في جال الرابعة و طريقة في منال ما و ياد وال المالية الرب جل كيد والله والدين عند ما تو مراس قب عندان كرا الله الله ما عن عن الم لک و منت بی مرجو شد. این قولی بدو از مین شد از بام نے سے حرب میم دامین

۱۹۰۰ مرد طعد ملی الرار کا اللف فروا اور دو کام س سے آیا گیا اور اور کار معلی پرا اور

حود قابل به هم الدول به حود الدول الدو معلى الدول الوالي الدول ال معلى الدول الوالي الدول ال معلى الدول الد

۔۔ * ب نے مونی دھیمی کی توریس میں اس کی کا خترے کو اوال کا بی بال عمولی میں ، میٹری رنے درے اول رکھ کے اور ویٹر کو کو مونوعے و تھینی کے موال و اعدار کی میں د ria .

ائے سے ان جائی آھی۔ مائی کی گئی اگل اندا صور پائی کے اصل سے موالی انداز انداز ان میں از ایک آئے این واقع کی ان الکیا ہے این آئے کہ آئیوں کا ان الکیا ہے۔ کا اگر کا اللہ کی انداز کے کے ان اللہ کی انداز کے الکیا ہے۔

''سماری کی توجه کام ایک بلک بدر پیشت ۱۰ میآیید گی را بید ۱۰ می " را ک مزایق کار سوید بدر این موادم فاره کردن بدر ماهدی بی جازی کا فار کسی گی از در آن را در در در در کسی بیدای بیدای که در داد در کسی بی بیرای کی گرا کرد از کسی کشور بیدای میدای کی کسی بیدای کی در در در دادهای کرای کار میلاد کرد و در در کار کاری بیدای در در در در در (40)

ان کا موصول کے فوق بھی ایسان کے موصوف پر تصنیعت میں کا محتود میں۔ موریف تصوف کی کاروئی و انتظامی سے محتود تھاؤنی کی تظیم علی فدامت معرف توان کے میں بھی ان معرب کار معرب میں تعرب ان انتظار دائد ان کے میں موسول

ان خوارد خوارد نیستان بر گلیس و به هم از این میشود تشمید و نظیر از خوارید سفت این موامل به برد مدید مای هم سده طاق وی بیان از این این محکل نمود داشد نیس بر ۱۳ به با ۱۳ به کار ۱۳ ماید سد مرا به مدینت مدینت سد سد سد بدر این این این از این این این این این این می میشود با این این این می میشود این ا

.

in the middle of the second of 15 Jun 1 5 Jun 1 5 Jun 1 5 - - 3 5 - 4 8 6 6 6 6 6 6 ال سا تعول ساعتی کی - کرستر ر شواب با برش سا ، بود ب ب با با با کا تک نه دو "ب ب ق و خه و میشند مرساند و فایدی و بید آب ب ایم الم را مهاده -2 W- 200 0 -2 AP - OP 6 200 26 6 82 38 83 سے کے حال آپ نے عالم ہے مدید و ان رکے ان و عدو دے الد معمد اد اللہ * Michael 30 . 12 2 . 1 121 Paral 1 121 که مخل همون و مؤر کا دید رو ب اناس اور ساند همان که شوی بر شد این همد که گل ر 2 ان کر دیاری کی خود کار آ ۔ ۱۰۰۰ در مدید کا کار جی کی تعید و الله المنافق أو الله المراقي و الدائر الله المسائد الله المدال المساعدة الما المعوث والمالية على eron or - the account of a track - so were the for the of Son ن طرف یک آند و به کر مطری قدادی به مشعل طرب امیه مید د ترون ، فخیل سه ربع اس فارمان ادانیام ایا برید این انهادش را آن کا ایش کام آنید آن در شیاحت انتقادها فلویعه عل - - C - C - - C - C (P) - d - mb - - 1 m 1 d - m 1 d - (P) - d - N - I - (P)

480,00

ان میموان به آب ن ضدید شرکتی اثر است کی مودن میلاد می شود. کر موده میدید درس ن کنند شرکتی اثرار میداند اگردد آن کافیان که به او با جند بازگرمیوان شرکت کرد ایر کافی به دست هوی تحاوی کردن به میکرد کرد و بیشون کرد و فیصله ایران از هدار دارگری میکرد.

صوفیات ادب جی احادیث اور ان بر نشد و نظر.

مهم المهم المهم و المراحي في المستوية المحتمل المتحدد المهم التي يتم أي في المحتمل المتحدد المتحدد المتحدد الم المستوية المتحدد المتح

صوب ایس کی مثلیر ہے کہ ان ادالت کے شک سے بھی مارٹ اناکا م 1970 کی اوالم اللہ في الإملاق و الرعد عام الله 3 - المعالم و بين الله الله الله كالاكتار معالم كال التعرف بمنتف الت التصوف الإيالي في ١٠ ١١٩٥٥ في الوب اللذب الإيرابالي التي الماهم ن خلاب المعود الدهم وامهان م ماحمد ل "مثلية الإولياء المائل م التكير ل م 10 من ال الرساند القشيرية أل ال الدين " منه بيان التسعي المحجوب اله الراق الدوير " احياد العلوم" (يو قرآن وسند كي رائل على اصلامة و تربيد ورقطيم و كل شرو "وال أصيف سد ار الل الدين خير الشرق م عدد کي "صفوة الصموف" الله المالات مور - ١٩٠٠ م الله الماليس ال الرب الدن مردن - ١٠٠٠ و ال عوارف المعارف ال عالى - ١٠٥١ و المعومات سكوة الله الدي ويرد و والعد و الوجد الهواد الدي الدي الدي الم الما ما ما من انواند السالكين ادر ادول به م عيدون شون اليال د السيد (۱۳۹۶ اي ترون عي قبول نے اور و اور اور جام و موارف سے اٹری سے اور انواریٹ کا د این بھی امرا آ و سے البط "احياه العلام" على فابط كا يرة الحاد المواد عند الليار صلى عامر ال الرائم الكي عاك 195ء ن الآب بهجه الفوس الدائد محصر المحاوى ال شي سدان على الون سد امه این فارد و فرد کار ساف مؤت و تعوف و سرف معافی و سرف کا بخی انتماد با سعه (m) 385275 sam + 3 515

صوفات ادب سے حقق اید الله مدات من الدوران في توان و فقيق سے اوا حب موج عي

حمل برد کم بید را دایشد کا مستق که از به سهمید سده به میدن به ایستان با در میشد هم می محک در های از این هم سازی بید را بدر میشن کشور بید رستان برد این با بدر این این با در با در این این این با در این مادی به در میشن میشند بید بید بید رستان که در میدند بیشتر تمکن کی با داد بازد کشور مداری استان با در میران می رستان کارمان استان استان میشند بیشتر بید موده این کشور در مادی میدر می رستان کار این میشن کارمان استان میشند بیشتر بیشتر بیشتر میشود موده این کشور

ل اما مدید کار مدید می آخر برگزار گریگان و آنیا بید کار با بدر این اما در این بید کار با بدر کار اما بدر این اما در این اما در این کار کار اما اما در این اما در این کار اما در اما در

الد الاند الما الد المحكم على أو أكد كن الانداق في الحكل من المحكم المحكم المحكم المحكم المحكم المحكم المحكم ا الانداق الاندام الموسيق المحكم المحكم المحكم المحكم الموسم المحكم المحكم المحكم المحكم المحكم المحكم المحكم ال المحكم الم

مثمل میں تا بعد کا بدین فائل آن از میں جب میں صوبات اپنے کا ایم ماہد ند ایسا ہات چکس بی افزان اور اور بودی میانی اور پادیکاہ قری سے مثمول کی آباز میں بیٹ اور ایسا علمی اند موس سے بیمارکی کا ای اسان (۱۳۳)

سمان سند محال سنان نده و این از سند. امارید اندون از قداری و الکتیل یا سید سے چاک کام ادرے مودن میسر دارمی معرف قدار کا سه ص در تصویل " دو طورش تری ساید

ران با بنیان این است. اس بخیفت سے انگارش کش کر مواید جائے کہ گفتہ شمالیت، علیجائے ورکھ باعث م مختل سے معید مدمنوش جائیت سے جل کش ورش کا بھائ جدید ہے ۔ ما جائے

می به خاصرهٔ گیرد در میده را گذر میدن و چیز کی سرائی طفی ایسانشوان این مدر این طفی بیشتر این این میداشد و گذر این مدر خود در گذر این میداشوان این میداشد و گذر این میداشد و گذر این میداشد و این میداشد

صح ہے مس کئی ریادہ نے کی بہت سے معاملے والی میں میں بھی گا ہے۔ مد دکتر کا سے ویسل ساتھی سے کہ میرانو نے دچین صوبے ہی جیسید بچالا کامدیکی آل راسط کا انگرار کیا جیس (۲۳)

کی این در می بید از میدیده به کار مدید کرده او می داد به و می باشد که امریخ که امریخ که با در کار کرده که این می کند که کند که می کند که می کند که کند که می کند که کند کند که کند کند که کند که کند که کند که کند کند که کند که کند که کند که کند ک

مثمیر موق اور تصده انتهام سمیانی کی متحقه انتهادات کی تصرفی کی تصرفی کی به راید عبد که این نشر بافزرت موامل ما داوند به در تیجه و تک دسته دیگر مثلیم می شوان صفود المصوف. مواول المنعوف به بهده الاموان کشف شده معموب دیر در ش کی انتیاب اور موامل را دارد مثل

گیرد چند به شد کران پرسد چنده کرش ما و تجدید و اصدن یا کی اد انتثالی و درگی شده معمل این آن و ما دید شد پرسد بیش ایندا کا حق مین ایجه کش رای شد. (۱۶ که میلید این او کا مراح هر این احق این بیشان سد فقد مینان کلی میای گفت سد و این این گیرشیا ممکنیس بیسترس در معملون این احتصاص این احتصاص کا فران میکنی میکنی گزشته میکند انتشاف میکنیا کند.

ہ رہا '' در روبند میں رسول اللہ کے اپنی شملان و المعراد والنسس والاحکاد بشدہ یا فی کامیابہ وادا روباد عن طبی کے اپنی الفعائل واطالا و مطالا وصع حکمت والارفاقہ استانات ابنی کامیابیہ ما⁷⁸ا

المنطقا في المنطقية المساعدة المنطقة ا وأرب المنظمة المنطقة ا وقد أن المنطقة المنطقة

02.

بيتور عند التل التحديث وطهرها التصافيل في الاستهداد و ينا مناوي المعرفة م عمل دا و ع الاستانيات التعليقات من هو الاستادات التحديث سود معادما التاد التألي و مسكانا المشرفية من المسائل و المدار ع وطهرها، و واشك كافتو عظ و المشاخل والمصافل الانتقال وسائر تقول التوطيب والمتوجب وسائر ما الانتقال به بالاسكانا

والمفاقد (۳) (انوائی ایران اید به ایک معمول سد ۱۲ دیدید طبید سدمام اداراً بی موید نگی همد که بیان نگری معم استان میدید از ایدان میگی میدن از اید ۱ در در و امد زی ادام افزایش می کنوانی به کریس به سال مداخل همی اداراً را بیده ایران اداراً که ازار اداراً در ایدان سد اطاله در کریمانی انتخاب نگریه که میان ایسانی

ال وبد على الإنجازي من "ميل" كا يك ال هي على على طاع عام كراهى من الأنجازي و" بيد من در درل عد هي العامل المدينة كريد على أي في الإنتقادين بدي من مك بيت الحاملة كي في البياد كرفاء الإنجاع كية والمجيل عد مدين كريد وا الانتساع الأنساع ا

مون ده همی برگ میدی و به بیشت در بین کی درجه نگی کرد کار مین بیش بیشت میشد. در د درک نگی مال در هریشت نگی رمها ماش سندگی به برای در در در درگی بیز کهار منظر مینی در بیشتر با درخان میمود بر بیشتر کشی در بیشتر سندگیری بیشتر کشید در این منظر فرایست میمود کار

ل المستقدم المستقدم المنافقة المنافقة المنافقة المستقدمة المنافقة المنافقة

انج سے بدائش عی محلی سے راج انداز بعد ان بھوٹ سے انگوٹ سے جو ان سے بھر ان سے بھوٹ سے انگری سے محلی سے محلی سے ب والارک کی دور انداز انداز

کارت کے خاص نے آئے تکاب طورہ تکاب سے رونکہ کابل طورہ والوا مع میں ا اور خوال میں اس اور ان کلیسٹر الاطوار کی کابل طورہ کی میں اگر میں اس اور ان کی میں کار میں اس اور ان کی اس کی آئی ویک اس اس میں کہ ان آئی کا در ان کا کہ میں اس کے مالی کا کلک میں اس کے مالی کا کلک میں اس کے مالی کا کلک می میں کی امراز میں میں کی آئی کی اسکی کئی سے اور ان کی اس کی کی سے میں میں اس کی میرائی آئی میں کی سے میں کی اس کی کئی میں کی سے کہا تھا ہے گیا ہے میں کہا تھا ہے کہا ہے میں کہا تھا ہے کہا ہے میں کہا تھا ہے کہا تھا تھا ہے کہا تھا ہے کہ کہا تھا ہے کہ تھا ہے کہا تھا ہے کہا

والبيطان والبرهمة * "الطور القرائل بالقرائل القرائل " من هذى والبيطان في المدمل والشعب من مديث البرة في البيرة إلى مدم مداور و إصابهمة ميان * البال المن بأمير كالمدائل " المدائل ما مديث البن والأن فريب ورواء مسمو والإمارة والارمادي وصفحته في الراساس الاثانون يشطام من من علم في المدائل

اجر فاعتم

ا افتادی کی جاری ہے میں ان اور دو اور اور کی ۔ میں اور میں گری ہے گان ہیں۔ چکے اور محمد کی طویعے پر دان کے اور ان کر میں افواد سوری محمل سے 2 اگر کی دائمت ہے کرنے کے اور اور انکام کا کام کا کام کا کا کے انکام کا انکام کا کام کا کا کام کا کا کام کا کام کا کام کا کا کا

ای طرق چلد ان اصل سد و سدی سمبود الاربعی کا الزان الآن سد ان سد ایال یمی دار ادائم کی مدید از ایسانگی کی سید

اس مثنی تک ارمیں ہونا تھیں بائسیج شمیک میں فلف علی السند (او انجش بیاس ان کی رہا ہے ، جانے انواس انتی - بہت انجست (انج) کے فکے اس کے تخلید سند اس کی ترای نے تکابر ادار کے تیل ہیں۔

ار او نادر المشتق (اصل معنى القاب الصوفية (" المحملة الالهامار (" الاعتدالي **الى** المجاهدة (^{(10}) فضل القائر (^{(10}) تعينى الدوب شوائة (^{(10})

التجوید کا حد دوم این اعفایات کی آلانگا به متحل سند ده همی سیمی ایست و داد. مقام به این که اعتمار شده متا به طبیعه طبی سر موارد میزد. این حد می ادامله نگی ای آزید سک مایک انعاد مدومه سنده ای کاره می مدیدی ای گازی، اثنیک کی کی سده ا

 میں ہوا سے چھائی میں کا مشتقہ افاق سے دیں کا میں آباد ہی ہے۔ مالی لاک یا ہے کہا کہ آئی کہ '' انقدی فیسیفی انتقادی کا خواج ہے ہما ہے ہے ہو اس کے بدہ کرارہ '' مکامل انتقادی فی سیفی انتقادی کا خواج ہے ' کے گزشک فیسی کی مالی اس کا ایک بار مشتقہ مالی کہ آئی کہ صاف نے اور مدینات سے اور کی کسی کا کھی الا

ا ادا الله الدول ك دوك المفتول الدوك المدارة المبارة المبارة المبارة المبارة المبارة المبارة المبارة المبارة ا كما كان آن الله يما يكول كان والمبارة المراجع المجتمل الدوك ها عامية وحد كا مجتمل كان علاقة المبارة المبارة ال

(٢) حقيقة الطريقة من السنة الاليقة.

ر ما در با هم الله من المحافظ من موسلا ما المحافظ من موسلا المحافظ من موسلا المحافظ من المحافظ المحاف

ال کے ماتھ کی فاقر پیدا میں بدائم بریکی میں بریام میں (۱۹۵۰) عام ان اور پیدا ہے۔ کرنے اور اور اور کا دائل سے ان کی میں مائی آئی میں ان ان کی کے ان کا کی سامی افزائد کا کی سے افزائی کے مال مائی کے کہ کرائی اور کیا کہ برائے کی کے سے کی بائی مائی کا کہ افزائد میں کہا

ال صبية المسائل على أن المسائل والمسائل والمسائل المسائل المس

ر بدر مترقیم کی مسئل کا ہے جہا آراد طویل مریدہ میں مداخل کے بیٹر میں اور اس کے فیرفیم میں میں جہا ہی ہو۔
در اس میں اور در اس کی میں سال اس کی اس کی اور اس کی اور اس کا اس میں اس میں اس کی اس

نتی بادرید طرا ۱۰۰ این می ۱۰۰ کید ، دری انداری تلی به و آنی ایس به کرمن (صدا بیوم میتان دیسر دن پرداسته از ناکل و کیده نتی است) بهر و نشو تی خد فرمن میل و قبی میتان. (۱۲)

من منطقة الخرافة الله الله أو الإسلام الداكم الآل الله عام المسكن المستقلة فيها يعني المستقلة المداكم الله الله الله المستقلة الألهافية عن المستقلة المستق

ر میراند. و ما از کند کارده دورید صورت و پیدستوان هم آنهای دادگی مواد که این مواد در این از میکند با داد که در این در ای مدر و این معاوند با در این کی بخش که برای میراند و با این این از این این که این این این که این میراند کرد این به این میراند کار این میراند کی این این این میراند این میراند با میراند با میراند که این این این با میداد میراند با میراند میراند این میراند می

دا یک تعوف پر معرت الحاقوق کی تحقیقات کا اندوف معرب توون و حدیث درخوی نے سورت در فرید دع بنت کا تحق رمی فحقات کا

-F2(r)

و بن اکا سدس ساخل کی ان مہل کی استاد میں انہاں کی استاد کا انتخاب کی انتخاب کی انتخاب کی انتخاب کی انتخاب کی ا

د او حمید ایل میں اند اداری شوق کا انگل

ب اداریده النوان کی گزارش و النوانی راید ادارید سے تعمل دستوک و النین او معرود کا بھی سے النال دانوں کی تاہد در ادارید این دارگزی تعمل ان تھے استینی در بیندر تعمل سے اسان از اس

> ان مونودات سدهل توجه ک تحیل ادرة ولی جرب ار امان یک تعیف کا انتخاب

معتملت المتحاف الله التجاري التوجه التي يحق الله بالا الكافية الموجه التحالي المساول المتحافظ المساولة المتحاط وأكد كنية الصريف التي متحاوات إلى المتحاطر المدار المساوك المتحاط الدائمة التحافظ المتحاطر التي المتحاطر المتح والتي المتحاد المتحاطر المتحاطر المتحاطرة المتحاطرة المتحاطرة المتحاطرة المتحاطرة المتحاطرة المتحاطرة المتحاطرة ولل المتحاطرة المتحاطرة

رد و دولی مید مدمت این که میلیمین به دارد سائی کی میدبری که انگلید میزی دو گرد این انگلید که منبوی کند برای میران رسمنگلی جدید مدانی مانی مانگی دیگی کی صف کی دولی خیری داگری ریزیکی ادر احدی موردیش و چرا سدد می کی مقامید دفتا کا در موجب سد

ا المشارعة التوليق أو المدادة المساوية في المساوية المساوية المساوية المساوية المساوية المساوية المساوية المسا الكوية على الما المساوية المس المساوية في المساوية المساوية

حقیقا اعترافاہ کی خمال و جست میں جاری ہی تھا، عصامت میں کہ اعتماد ہوگا۔ اس میریٹ ہی گا تا - انتخاب شاخی بھی کی عصر اماریٹ عادر جہا ہے یہ کھی جاری ہی ہے۔ تھادکی مک نے فاور سے فاقل حصر

شداد کی ایک بارار ساد الاند ہے۔ (ب) امادے کا تسوف کی گوشنج و تحقیق

ا الباديدة الله كذا كالم المساولة على المواقع المواقع الما المدارية المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع ال والمحتملة في المواقع ا والمهادات "لها المدارية المواقع ا

التولی مالی کے کی کیلے۔ الفاحد میں امراف قرآئی آئے وہ استعمال کا اطراف آیا ہے اور ایکس میں اس ان آمائی ان کی ہے۔ اعظامت قوان سے اس الفیاد میں اسامان ما بھند ان کر کئی ان سے اعظام میں اسامار کی افراد اس اس میں آئی اور ایکس انسان سے اس کی سے اس کا بھی ہے۔ مقدر ماہ معاد کرکا کی ہیں۔

را و سایان از ان از چید ۱۱ درج افادس غضب اثراب تعالی و *اعدر افر*اش" رواه اشتهایی ای شعب الایمان که این الیستکرد ۱۹۱

که می تصنیحهٔ ۱۹۱۱ (ب کافل در ساز در بیل به تا کافل صنک بری این امل که چه کار برای

هری ی کے ایک قدم ب

ست تنتش کی صفیت ہی آئا کی جہ کس ہے کہ ہی شہار کی جہ کی مریف میں جواف اللہ جواف صد می جورہ ایک اور اور صدیدے اور تازید ہی کا کی جہ کی ہے ہی گئی۔ اور کی کروکر فرائز کا اور اور کا کی جوال والے ہیں۔ (20)

یہ کے دیکہ طرق اور عراق کا کل عال دول ہے۔ ''''' ای طرق انسان حدامہ' نے اللہ نے الاقف الزاد ان جانے ایس بجداری از دن و سعر اعمر اعمر

ال الله مازر كي ايك خال صدة الي العرب

A-ALAJE ANGEL

یه ۱۹۰۵ میدکان به اهداد صدید اشد کید صدید شده افزاد بهداد هم افزاد که این این مدید آن آزاد کار میدکارد کارد کارد کارد فراد انتخاب مدید اطلاعه و توکه روی شرمدی فراهندوفر طفر و شیطی

می استخدام به از انجها و دو اوی روی بارسیانی است و با سی این این از این این از این این از این این از این این ا استخدامی استخدام استیان اثار و این بارسان اطالتها و این کل و این این از این این از این از این از این از این ای اطالها در کل پیش دادانه

(AT) 4 8 22 6 20 11 37 25 2 20 11 11 11 11

تر اکثر این برای برای برای برای برای بیشتر می امور آن با بیشتر این به این با بیشتر با بیشتر با بیشتر با بیشتر ا در این می بیشتر که برای درگذاش به در بیشتر با بیشتر برای برای با بیشتر بی

لعف وميفوع روايات ك حفاق حفرت قداوي كا مؤقف

موں کے کام میں میں افغیل اور ماؤسل اور ہائے کے حتل مندے افراد کی نے مواثق کر کی عرف حل میں کہ افزائی کی کرایا ہاتا ہیں کم کی منابط ہر کئی سے حتل مواد کے معالمہ ہے کہا کہ منابط و امام مند اس کی کاعث سے

ان و مساور مساور میشان به در ما در این می در آنگی و در می مشال کی در می مشال کی در می در آنگی و در آنگی و

مولیات مددان ایسد دانیند به یکی مشیاد سه که ای کنده ۱۵ سد همهنگانی نیز باشده محملت المهد و بی در افزاد بزرجد هید

قد اسمت حیا الهوی کبدی - قالا طبیب لهار لاار الی الا الحبیب الدی شافت به - فاهنده رقبی و اریافی

کیے ہے اور اس کر کا جو بھی اگیا تی کہ کہنے ہی جو در مان حال موانک ہے گئے گئے۔ اس ماری کے مطلق کی سے اس نے کی کھ فاصلے ہے تک ہے گئے ہے کہ ہاتھ کا انتخابی میں کا بھی تھا ہے گئے اس ماری کے اس میں کا میں ہے ہے میں میں اس کا میں اس کے اس میں کہ اس کی اس میں اس کا انہیں واقعید میں میں ہے میں اس کی کا میں سے بہت ہے کہ اس میں سے کہ کر میں اس سے کم میں کے ان کا میں کے اس کے میں کے م مالے بھی اس کے انتخاب کی بھی کہ کے اس کے اس کے اس کی اس میں سے کہ کی اس میں سے کم میں کے انتخاب کی اس کے اس ک

ميده المدينة المدينة

ل الأخراق على الإنسان المستقبل المستقب

where the second control of the second cont

موید منتش می منتش و موجد بدید منطق فضوی و به فضوم انتخابی گر فی بدید. این به فراع برای آوان می منتش و این نام این میاد دار بدید بدید میشود کرد و بدید (۱۹۵۰) کسید از میشود میدند فراید نشود کشور نام و اصلاح با بدید برای بدید از میشود بدید.

اور تعجید کی بی بی س پر گر بختا سے میں چاگر جی صدید عظمند وقل مدافات پر مائل اک کی سے ایک سع نے پر کال نے بورید (۱۳۰۵) افرال مدامند کے امریک سے کہ معرف میں ایک سے مدید المومان کے انہیں المومان کی کیک سرید اللّی کی سند

البطر الده مو وحل الله مثال شعوق الإمراع الله المادي المادي المادي المادي المادي المادي المادي المادي المادي ا (أيام الدمال المرابع الله كا المثل المادي المادي المادي الله المادي الم

ا الله المراوعة المساعدة المس المارة المساعدة الله المساعدة ولا إلى المراكدة الله المراجدة المراكدة المساعدة المساعدة المساعدة المساعدة المساعدة المساعدة المساعدة المساعدة

 اهبری (فارق) سد معقول شد خادی فعید امیدیک سد همی و درص آو در مینه صد این سد اشدال با شد بری این از میران آرای و امیدی شرحه از این جها از انتزاری این فی بی از حالت این اس میشد این دارید شد سد شاکل این است کرد و همید این بیده از این که این از دارید شد ای استان شرحه به داده بدید نکه یک دکر آن در از این سکد با شد چه این کرد کی و اوران کرد شد این این این این (40)

نها - تاکس به از این موجود کیده که چند به به صورت با تاکس به تاکس در شاور شده ی مدن به مدن

أمدة من ما 1967 من كان الله في الرسيد منه المنطقة على المدارسة المنطقة عند الله المنطقة على المنطقة المنطقة ال معادلة على المنطقة الم

ر المادة المنظم المنا المنظم والأدراد)

کی اور دروی کونو فیل بینود (درسد شد کیا مربو) ساختان کیگی بین که گری که گورگ که طریق فادن و کردن و خصصتک مراجع فیلور (این و دائی که کس سے کار درا کی دروی و کافی به جدید کامیسیزی ایرونکو مراکز قائل این افزای سے مام طریق و اکتابی ا دا فادی سامندگی مادیدی کی در این از از کیا مواج و جدای عربی عربی بدر این کی در اینکا

وه) موید که که می مخل میزید _{در ش}ید فی مواند به سب ن بدن در می آمد بحرقی میده ا اطاق کار ۱۵ گر احد قوان سد به از ایرانی بی دوسان آن این بید موسود سدکر کار فرق کورنی سد میزید و می با میزید و فرق میزید کار این اظارت و اداف سدک که میزید ۱۵ ایران ۱۵ ایران ایران فرق با با افزار میدند و از ایران ^{۱۵} در ایران ۱۸ در از ۱۸ در ۱۸ در ۱۸ در از ۱۸ در ۱۸ در ۱۸ در از ۱۸ در از ۱۸ د

را مده ادر ان محرف اراق الدولة المداور الواقعة المستوان المستوان

مقال مد بهد میرسده می براده یکی کدهایی ایرین برایدی گل مده مده ایر ایرین کدیکی دادسده باید که ایری ایرینی کی با بداره ایرین بی ایرین ایرین کاملی ایرین ایرین کاملی ایرین ایرین کاملی ایری برای می کاملی کاملی ایرین بیرین میرین ایرین کاملی ایرین برای بیرین بیرین بیرین ایرین بیرین ایرین ایرین ایرین ک بیرین برای ایرین کاملی کاملی کاملی کاملی کاملی کاملی کاملی ایرین ایرین بیرین ایرین کاملی کام

معرب الوائ ال ال و ال الدرائل ومن المنتقية مواد معود الله الله الله الله الله

ان مد المهد مدیده از محدد المدار المهدار المدار ال

الی بنا از بازگی تو این سد مدیده شخصت بخواصفیها اطف^{ین آ}بی با یک ایمانی فرد مصل این این این کافس در این بازگی آب این این ^(۱۳۳۱) یک این این این این بیانی کی مکل کلز کر بیکند کیل این است کی کافس دادم این این این این این از است کافس کی میشود می این برایز این این میشود می میشود من اظهار این است بیگر کی این برگر کی اقلامات میکنان و است کافس کافس کی این برایز این این این این میشود می این این این ا

هده ترمون جانبتا من احازیت طبی ک اقلی بروی می جهد اثروبا و من جهد خداها. روحه تکریمه جمعتها هی هده اثر ساله مهاه به از او استاله یمی و زیده ک و میاند. مدر و بعد ک و مسئله و حمله و معادات کی بدر و بده ک و مسئله را کار از ا^{راز}

اس باوت کی ہے داران باید کہ در اللہ آئے کی 1931 کے باقد آئی کی بہتے۔ ''سالتہ کے'' جن مدد البدائی و دد طفری دیا اولی صدد بالامد وجب فقاص طلی لغیر مدانی المعاصد واطاری کالی سرد را کا فقاع و خدد فین الامر ۔ ''

هوری فاوش به افزائع ماه ۱۰۰۰ افسان بهای شد باید شک مراقب شد و تیج امد متا در در در اکا کرده این اگر در بایدی از کند در اید سد گی قال بین ای کا آمد اخواب مهم ای در بایدی بایدی بین این بایدی بایدی که افزائی در انسان بین اطاق بایدی کا کرد دادی این ایران بایدی بین باید بایدی که افزائی در این شد کار در این شد کرده آن در فراید سد مواجد به متافزات بر مین دادی ایران که میان بین ب سال فراگی می در در این شد کرده آن در فراید سد مواجد به متافزات بر دادی در این شد کرده آن در فراید سد مواجد به متافزات در دادی در این در این شد کرده آن در فراید سد مواجد به متافزات در دادی در این شد کرده آن در فراید به متافزات در

مورد اللائل شد الاندام بود الرائي شد بالطيد الدامية المسترك في دام يا با المسترك الله المستركة الله المستركة ا كما كم المستم الله الله المستمركة المستمركة

ال تحق کی وی آپ سے ان ان کس میٹون جدید کی گڑاڈا کرنے ہوئے کی جائے کی انداز اور ان سے اسے اس کی کہ جدی کی گر وہا ہے ہو اس ان ان شرک کی ہے کہ مکی علد این اتام مجر المامت مدالی ملی ہے کہ کو اموالی الدیانا کی سائڈ نے اس ان (())

(نّ) عادیث سے تصوف و سٹوک کا اثبات اور صوفی کا طین کے افراد و احمال کی عائد

میدیده تحص از آن و دید به مناطقه میکند و از مان می دو مداوند. مهمده به میده آن با برای و میکند به "می سد همان میکند می میکند از میکند میکند میکند میکند میکند میکند میکند می مهمده به میکند و این میکند با در در در این میکند به میکند می

ہ قرور النجاجہ الی میں والی کی جاتی ہیں۔ جس سے ساتھ میں آپ کی وحد گر کے ساتھ ساتھ آپ کا طرز استدادل قرعہ استراد گذاہت او استرادی وارق کی لامان ہے۔

ار الوت واحت الحريقت

مور شدان مدن الرائد در آن در آن در آن در این می شدنید کی سامید سط فی بده برخد آزاد می که چواه بداند بدان بدر پیدا بهتر در آن می بدر موان آن و اگران فاقید داشد. در کی شده در در این شده در بدان کا کال نکی از آن و و بری مدن بد

> ه ... علیان دانیال و اختیال اثراع که پایاند جو.. ۲... وایا کی عرص در مالک بادر کابل که وایاتی ند کرد: باد که ریستگی همید و تها سعید

> ۱۱ - ویا ی ترک ند مانکا بود کال کا داوی ند ک^{ین} بند که یک بهای همید ویا سه. از د کی شکا کال کی عمرت شک چندسه را بود.

ا اس باید سده صفحت افزاد استان آس و ایجو نگلته بود. این از مدنده تواند سد توان می فنج و براد ایک شر آس آن طرف براد باش مورد.

ردن فرون سرات الدين التي الان الان الدين الميان الدولان الدولان الدولان الدولان الدولان الدولان الدولان الدولان الدولان الإنسان الرئيس الميان الدولان الدولان الدولان الدولان الدولان الدولان الميان الميان الميان الميان المي والدولان الدولان والدولان الدولان الدو

٢- روح و كاد مثال

مثراً که مال با گل و محد که خاص و متأمدی جدید به بید کرد مدیگا می دارد و امرائع در یک بالاید وجد که کا بیال مید اظهاری که وجد قالای که وجد قالای که در است. مهماری میداد این با مدیر که مراحبهای به ساک می کرد با بیدا که این که این که این که این که می کاد کرد از انداز در در اس با بید که می کند با در این که در است این که در این که می کارد که این که میداد این که میداد این که میشا

ے وقت میں جا جائے۔ ہے ہے اس اس میں کا سواح میں اور ایکر حاصل ان پیر حاصل کا بھا وہ اور اور اور اور اور اس معلم وہ ایک کی جد سے کس چھند کا دور اندھ قوائی سے ''جیانہ'' کے جہ یہ جائے کا کہا تھا۔ افراد '' چھند کش کر اس کم کی اور آن کا جائے کا کہا کہ کا اس کا اس اس سے اس کا درجان میں اس کا اس کا اس کا اس ک

سور ذکر عفرو کی مشر وجست

التي يد الله في الدائم في المساورة المساورة المساورة المراقع أدام في المساورة المراقع أدام في المساورة المراقع أدام والمساورة المنكل المدائم المساورة المراقع المساورة المساورة المساورة المراقع المساورة المساو

بالحق الله (الإمارة 18 را بالكرييان على كرائ والله الإمارة كرائع على هدامه الم جامعة كام أيد الميديد على الدكرة أماده إنذ كراهي بالأم را الأمارة المادة الكرام الذاكرة عالى: المهارة الإمارة الله الميديد على الإمارة الكرام المادة الأمارة الإمارة المحتمل الكرام الم

کی سد برایت کی جدیده شما تا ۱۹ در ۱۳۰۰ سر میافد این ۱۳ دید به افزاری ۱۳ در بید و احتمال ۱۳ و که سه همی است هموم ما کردگی این افزار به قرار کی مرازی سده از انتقاع برای بیداری کردگی از این به ایک در داشت کی در این افزار این این این در این این بازار ۱۳۵۰ با در افزاری بازار ۱۳۵۱ با در افزاری این

نی بیشند میدند با این میگونگی از است نیز با وی در ایر از ۱۰ برای دارگی از این تا به از ایران تیم میدند که این م میدند به به میکند با این میکند ب میدند با این میکند میدند با این میکند بازند با این میکند با این می میکند با این میکند با این میکند با این

ے میں کی دیکہ مرابع مربعہ مربعہ کے جاتی سفوب تعظامہ است. اس جوالہ تر باوت کی الاوا کا ا

کل میں بی بریار سامات کی صد کی جہ میں ساتا مدکی ایج و ان سالے میں ان ان میں ان استان میں استان میں ہوئے۔ عدد قرار نگل طرب میں اور قرار الا اللہ نے جواز پر صدیحات سے ویکن استیاد معلی معربے و این میں این اور انسان عاصل کے تحداد موجودی کرتے ہیں آپ ساتے

سليها	رلاء		لعنقا	Tj	Taylori Ke	all.	Y,i	رات
ĸJ.	1	οĬ	(LAS)	وليت	Tajlo-	ميكونة		فاعزلن
Sel	à	ò	1,100	sile	tale of	SL y	اولى	1 0

موسول الروف اليها بين مواحد الأسدان من الدول الدول المسافر المسافر المسافر المسافر المسافر المسافر المسافر الم المسافر المسا

25 25 25 X

ا معدد فرایل سده می در اتجابید و مدید فراید سده به به سه به می می می انتخاب مورد از می انتخابید و این انتخابی مورد از می انتخابی می انت

Was a send for De Je JA, Slove Par

استان الذكاع المستقد بديا وي ماكل سه مراق كاع ال طرق مك مالا الديد سعد سعد وكي فاك ويتن الكي الل سك مارق اللنف مك يلي سع التنه يادان مك الل بهدان والانتشار طول جدار كي فرادر كابي سالها

عصوص ہوئے کی خروے مجاز 8۔ کرامہ ہے۔

عور به الفاق کے کان کی سرمان میں امر و النظام کی بار کا کی بالد الفاق والمحام کے کی کال سے حامد اور اور کان واقعہ سے مان اور " اوا اور اور الفاق واقعہ کے اور الفاق المان کی الدیکا کی الدیکا کی ا اور فرق سے حامد اور الوطاق ہے (100)

وع من جار جا من أيد إله من على من الم

ا مدت آن مقدم می مقدم الدول می داد تا به ما تا تا به استفاده می موسطه این استفاده می موسطه این استفاده می موسطه این استفاده این می موسطه این موسطه این موسطه این این می این استفاده این موسطه این این می موسطه این استفاده این موسطه این این می موسطه این استفاده این موسطه این این می موسطه این استفاده این استفاده این استفاده این استفاده این استفاده این موسطه این می موسطه این می موسطه این موسطه این

٥ - أوت كشف، كشف أبور و فيض بالتي از ال أبور

اسم دادر بی نظر به سری کا دید برای فود پرای ساویر فود به فرور فود او مورد فود و فرد و فرد و فرد و فرد و فرد و م بر فرد سری مواجع استان است سال به سد به یک در داری از باشد با از این می این این استان بر می این باشد با از این به کاری در بیان با شد با در داری با با در این با در داری با در با در با در این با در داری در داری با در

(101) = 3 = 37 = 51

سمال بدر التركي عبد الرحافي الدر المساول في الاستراكي في التركيف المواقع المو

المتاه المتاهد المياه على إلى المتاهد المتاهد

به به در مراحد آن گذشته این با بازی با در هم در می در برد از فرای به در می در می در در می در در می در در می در می در می در می در در می د

ا دی آن از احتراب آنها بسته انتخاب داخره الحد با نصی باشد که باشد که مهمان یک محاف شدگ همید افزاید با های با بدلا آن آن به یکن دارش میش از آن بای محاف سال افزاید اخسیر نگافت کم ایک در بازی نگافی که دادشکی دادو در آنها شد بازان با بازی که داشتن که در نکافی شد کاری کا افزاید از در کارد کرد.

ائی سے جہ ہو دکت بارہ اوری منظم میں شاہ رہے۔ معرف مدید کا ہے ہوا ہی۔ (علی نے کیس نے سے بھی کا بھا ہے ہوئی جب سے اٹسٹ اگر سے اور کا فراد میاب میں

المراق و يمط

مي ندر كاب و في مي كاب و في اي كاب هد مناهد مناهد بدر مد سد في المواقع مي ال

و موت الگو که ایک آن بست 19 ایل سده اگر سنگ کی با سنه کاره این کار همود به فات می این بیدار در این اصطفافی کلان برچه کنی دیدار شدی کار هم این بازی کار این می می این است که این بازی که کرد ا کرد که سازم کی و از این بازی می کنید که می سد سالگ این بازی این بازی بازی بازی می کنید به میران کی بداد می کاری رسید و می کنید از می کنید بازی بازی کار می این است که می می کنید از می کار می از می ک

ty of Santyr

صوبے کہ ان چے ہیں حد (جید تھیب جید میں میرد کش نیور م عید کئی اور میزد کی)۔ مشجد جی گن کا * نیا چاہ ہے افتری تھاؤں مد مید انتھا کہ ماہ مدہ مدد مدد اوری کی کارور اب کاری بر مشاکر کر ہے ہی جانب کی فوٹس کا فوٹ افتراد میں اند

1-45/4-17162

ا التنافي المدينة المساورة حاصة المساورة التنافي المدينة المساورة المساورة

لا صل به مسل الحال فعلانه فرق المنها. 10 م محود و ترك . فلا تر بمصلوب.

以かとなるか

ي الدوائدة منه (17/7). انه وامراط شداد العصلي كهاتين يود القيامة امراكا اهب هي روجها 19ب منهسيد. وجمال حبست فسنها تشي يتامي شاحي بالوار دائوا "

ال الديسة في كافي من منتقد أمن الدينة في مثل مثل الدينة ومن الكورة المنتقد المستقد عليه المستقد المستقد المستقد وي مثلون كالدينة الدينة في الدينة في مثل كالموجهة الدينة الدينة في الدينة في الدينة في الدينة المستقد المستقد ا المثل كالدينة في الدينة الدينة في المستقد المثل المستقد المست

سد مردی قومی شدن کار کارگری گائی پاکسی آخریت ساکته فرن کی شدگی به سال اگر افزاراتی سده چاپید مدد بردانگر دادش به داشتر دارد با در سال کارگری به می شک افزاراتی ساخ آثری دادرشد شده اگری شدن به در انتخابی ساز دادش کارگری کارگری از در در افزاراتی کارگری کارگری در در در افزاراتی

المجلّى بالديم المراقب فاق كان منها محيد أنها في بالديم المراقب المرا

وکا مثل صدکی بردند به یافی ند آر هی آر میکل سد افکاده مربوبا بنده می کودگیگی درجه دهویی همایی بند میموادی از این دادند و ای امادیدی بی داشت به در همچایا بنده بی بیک بنده میکند. می می بازی با بیک بیک در میمواند بیک از اسک بدار کنده میکند بیک از میکند بیک از میکند بیک بیک میکند بیک فرانس از بازی میزردی این بیک فرانس میکند این میرود میکند و در دارد میکند و در این فرانس میکند و در فرانس

کان رجع فی هست مین التنصیب بیشی التان بیده فیشتر می هرد " او رمین اند اسب سند التی این التی سند "بها سند امن از میمی این چان + بال سنده این اداری برای سند این او میش پارایی سدک و بیانگی التی شد میکنی بیش است. آمر و بالکش (چراز این کشوری شرک سند کی کشوری کی دید بد است سند میش مین است.

١١ وفاع كام صوفي

الطرف قران بند این الطرف میداند کان امار باشد گرد و کان اماره که این کان و این آن رفت الاستون این الطبیکی شد با داد این ماموری این اماره به اثنین و دارگی تشکیل استان المیشد معلومی از اموری منطقه دادین الطبیعه القربی فی ایریای از امرین الحربی السند المیشیه فی الفیسسیه معلومی از اماره می اماره استان الاستان الماره الداره الداره الداره المیشید المیشید از اماره این الآمید و امند الدارات الداره این الداره الد

حفرت عادتی سے ''تاہیدہ فلطوی کی ناویہ این اللوں'' ن تحق سود بی الل عز فی سد کام سکا حقق علی مشہد ن وصاحت ن سے یہ ایدیہ میں ''

المرافق في المستحدث من المرافق المستحدث في المستحدث المس

ہیں ہے۔ فاق کی من سے دئی ہے۔ دو حق کی میں بھی ہر راحق ہیں ہر راحق ہیں۔ کی دائر کھیں ہو ایک میں کہ میں اس کے اس کے اس کے اس سے الامد کی دائر کھیں ہو ایک ایک کی اس کی ایک دوسائے کے اس کی اس کے لگے آپ میں کہا ہے کہ اس کی دیکھی سے اس کی اس کے اس کی اس کی

الانتخابات على الإنتهائية من الله والله في المساولة في المساولة الله والمساولة المساولة المس

ک طبی سراه بی متعلق بودم صوبة قال وای احده بالده شکله فضاحه علی و جهه وراسه تو قال فرات روب الکلیمات (شید ترام بی آخل و ایم بر احداث ک ۱۵۰۵ ترام تا بید تری او احل سد کر این ترور احداد بر ایران کرد بی از کرد بیدان کن در اداکی کرد ا

 $(0,0)^{-1}$ (0,

na می مود کے کام بی مجل موسی ، فرو مود کی ساخت

کل است او طریقت دائید واقتی بر آن که فائل او کل یک ذان ست از آن که فائل او کل یک ذان ست

"بین فرخل وین فشتر کسان که انتخاب از (آبای به قرآب کرنگ درجی در قرآب شاه به) ان نگ اگس شون در در در اگس خان به که این ساید در بین ناد آبید جدید نکی سه وی س

ك كام عى بــ (١٨٠) كار فذاء معنوى ك ما أله حباعة كا المباعد.

" طعام الدومين في رمن الدمائل طعام السلكم المسيح والقانين فين كان منطقه يومند السيمي والقانين القيم القامة عدائين ع" للرمائل في ندا وبال سد ... من الرمائي) "في والكران ميائي الأمرائيلي في الأمرائيلي الدر الدول الكرائيلي المناطقة الشارات الدوليليك الأمرائيلية الدرائيلية

' ہے سے دو پیس درے وہاں کا اعمر کی وائل سے نابات کئی بدو انتحل یا ' کو سے بھر کی آگر کے واقعات محمل الزور کا کا کی داخلے کی کا کی بور گھرے (100)

کے داخلت معلی جیں۔ ای میں امتیادی ایل میں میں۔ 14 مطاب کی کے مستعمول میں و آثار سے تھاکات کا تجویت اور شرائط

ر کی در استخابات و ای در فائد میش در سه ۱۳ هم نام برد و شکی کند به به می داد. در می فاتود بد میتود به میشود شدن و کنده کی بید در میشود شده با بید میشود با میشود کند به میشود با در میشود که در می فاتود میشود نیز که بید می شده که بید می بید کری بدر سده بید بید میشود با میشود که در میشود میشود با در می در می می میشود با در یک بید می شده کی میشود کها در میشود میشود با برد کرد از می میشود از میشود میشود از میشود

دید درار الاسته العبده فی الفیدنیة الفیدات کی اطریق فیلی سے آگرانی کی امرائل ک ۱۰/ ۱۰ تا تائیات چرار این باد حکمات فی بالکیک الفاوت فیلیسکیدانس ویک وجهد معافر کب ال امرائی وال این العبده المستلفان ^{(۱۹۷۲} سے اور الاس میاری سے آگراک سے آگراک سے آگراک سے آگراک سے آگراک سے آگراک سے آگاہ سے باکٹ طائل درسے دا طریق الحرائی اس آگراک اور ایک سے آگراک اس بھی الدول ال

الان مک تکن من صواحہ میں ایسیائٹ کے افاقہ کے کہ کے انگر اعلی سے فعہ ہے۔ پانی کے مالی اعزاد عزید کا حقرات کے انہیا ہو رہ جان پائی کی ایسیائی و افرائی ، اور کی پانی فران کی معاصد کی ایسیائی ایک چانا کہ میں اور ان کا اعماد موسائی کا شرق ان انہیں سے چانی کی گئر او گائی فران و ان اس انہیں بیڈرک پائی کا اس کی گئی کہ اور پائی

هم الاست في المستوق الأساس بساعت بين بالمستويات المستويات المستوي

جرد بو سد عدد بدید تحد ده بدید شده آن بی که قوم نیستان به آن با که در این می از این می از این می از این می از در این می از این می در این می از این می در این می از این می در ای

(و) اماديث كي رائتي شي اللموف كي اللهجيد والتنتيج عدد جاجات اللموف ورسومت كي

The second of t

ر تعرف کی هیفت اور ای کا عامت واریت نه بونا

کی بازی کے سام برید بسرید کی یہ دی 15 ہے سے میں میں میں بی تھوں میں بی کھوں مو قیل مواقع بیٹے ہے۔ اس کی کیٹھٹ میٹو رے میں ہی جدے 15 بو بیٹ سے 16 اور میں گی گئی۔ 15 اجها کے این ایس میں ایک ہے وہ کی کھا چنز ہے اور اسد سے 17 کا 18 اس

ے اور ان کے مقبی اور فرمنی اور نے والے والے والے میں وقع کے اس میں اور ان کے ان کے ان کے اور ان کے الے بارا۔ اقتعاف فی بحقیق اقتصاف نے تمامی ان افرائیک اناد نے ڈائن آوٹ کے طاقا feet of 11 the Street and it of word in we will sel الله الم كا م ي الله و بعد الله قدو ما رد الد الله على الله الله مراست الدر ے بعا بال ے د ان التی الدل الله الد من د ما عام وال ale and some of a water a war do at the سه باز معمد خوص در منهد سه انگذاری در از میگی، در "در کری" س به امتیار نخویس سه معه دور و مديد بيد التوال وريّ الله عن الله عن الكاري كان من ما الله عني بيا من الراجعة المراجعة Ku t'a sist 3 3 - - 1 + 28 - 2 55 - 2 5 8 2 11 ارد ند به ای در در در در در این ای در این ای در این در این بدر 50 M M & L M W W W Co L Dow Co S COM SE C B CO E SE W CO S A M CO S S م في دور در المريد و ي في المريد و المريد و عدد أكر الله صور عدد عرف الم مود سے اور ان رموں ہے کہ واقعی معید اور یک جدے کر شی وے وست لیس سے والک الله او الدائد الداري الدور ما دائد في الى و بدائد أو بالدوري الله

toobaa-elibrary.blogspot.com

ما ہے وہ کی ملت تھیں ہے کا خوات یا ہو تک یا تک ملت مان ماہ ہے انسکار کراہ

بر سال مدهور قابون ساختی آمیدن کا در مین مثمل و هما کی در مین میزان در این میزان در این میزان در این میزان در م میزان شده این میزان در این میزان میزان در است و این میزان میزان میزان میزان میزان میزان میزان میزان میزان میزا در این میزان می در این میزان میزان میزان میزان میزان میزان میزان در این میزان میزان میزان میزان میزان میزان میزان میزان میزان

ع کشف والهام م عولے کے بادجود عجت _ xx

ا کی ب مدافر چید بد او بیشته به و این کنیم و اصحاف به بد با در این می است کی میکا داشته به بیشته این از در این این و به میکام بیشتر این بایند که در این کار بیشتر به در این میدید در این است که کشده است و این و داد. می کار کرد با بیشتر بیشتر بیشتر این این میکارد بیشتر که میدید و با بیشتر که میکارد و این این این این این این م

۳. محدات اور ترک لذات ش الله کی اصلاح اور شرورت اعتدال

الل تشوید کند. ایک تی (چار آنه میداندند میری کامی بیده ای میزی ۱۰ بیدید کند یک بلود آئی هردن کند ۱۱ با افریق کش و مراوعت کند کند بده میرانشاندی کا تاکلید ب است کافره کند.

ان ہے میں سے بی تحدید ہوں گھند کو اگر ان کی ماہ در گفت دکو کی ہوئی۔ ماہوں کے جہاری ان منطق میں کی سے ان کا کی ٹی جائی ہے کی ان سے بی اگر گی ہے ا 2-کی کا دہ شروع کا جائے ہے ان میں اسراء کی ہے جہاں انداز سے دن ہود جاتے ہیں ہوتا کے انداز فوائل سے لاک در انداز کی کا کو انگری میں میں کہ لکاری سے انسان کی اس

"ان وجلا این النبی ک²⁵ قاتل ^{ای}ن ا^و اهمیت اللحق اشار به قالبناه و احمدتین شهو بهی قامر سد علی افتحاد قاتل الله تعاقی یا ایها الذین صو آل اتحار مواطبیت به احل الله الک -

المائي في المستقطة في معرف على مداول بإلا بل جديد كالمستقطة على المستقطة على المستقطة على المستقطة ال

- 15 21 J. C. 21 L acor 1

المثال على بالمثال على في و على المثل قائد و هم السنة كالمتعادية و المثال على المثلث المثلث

(no) - - + + 5 - 0

التي يواني يواني سيد سد قديق في التي يا بالانتجاب بيان يواني بيدا بالتركي بيدا بيان يواني بيدا في التي يواني ب سيداً أن يكن التي يواني بيداً التي يواني بيداً التي يواني بيداً بيداً في التي يواني بيداً بيداً في التي يواني ما يواني المدين بيداً في يواني بيداً في يواني بيداً في يالي بيداً في التي يواني بيداً في التي يواني بيداً في ما يواني المدين بيداً في يواني بيداً من يواني بيداً في التي يواني بيداً في التي يواني بيداً في التي يواني المدين المدين بيداً المدين بيداً المدين بيداً المدين التي يواني المدين المدي

مع المستقب ال

عنوے قادن جوے ش مدے وی میں تشیل نے کی قال ایس دوستم ، برواد کی

موده فراه تا می مواند که این است با بینا تک کافی در این با مواند که این در است و مواند که مواند که مواند کو می و این ما این که می در این مواند که بینا در این این مواند که در این می مواند که در این می مواند که در این می می این می که که می در این می در این

المكلل طعام اور اي عن اصلاح

de a S a o 3 a at de - et - te - 5 a t a agret de a L and the second second and a second second second second 11- Mar. I had at the first of a good to know - De no E com La Carte de la recorda Carte Cart La Carte 1 Sec 100 100 - 1200- 200 1-26511 11005 ی بعد ایران کرد کی سے در ایران مارند او اوران سے باقد کی کی اور ایران مارند کی معدد و محرد او الله و المال الما مور المواس ما ما المواد كر وال محمد ما ما دال المحمد ما ما دال المال و کر مج و یک و شام و وی به قریب از باشته می باشت می بر مجن با باید کر و او برای مکل مکانا So were a fitting of the way of the same of the same of the same the state of the s

فوارق كا ظهور علامت واديت كر

ر الایم ایک باشدگی و کی بیل بیانی بند که عصب مین با حقیق بسد از اقتیاد با در کی میز بدری کا ایر ایک به با تک این افزار میانی بی بید بیرانی باشد و طور از انگیاری در مادید بدری وی اید در ایران کتاب بدر این ایک با در این ایک با در ایک در ایک در ایک با در ایک با ایک ایک با ایک با ایک که امتدال در مدن این ایک بیران فاتلال و اسم کاری کی بید

فيقول الدجان ارايدين فضب هذا النواحيدة هل سنكون في الامرفيقونون لاقيقعه ريحية

ورب بیان آنسه کا در بین کا که آثر می از نگیری واقی دربی به که این که حداد وی آن بیا می درسته میدود واقی انویت می قدید به شد به نگستانی شدگاری وی دو این کاکی کارسده کالم درک کرسدگان

۲۔ نزک سیاب کو تمال تکلنے واقوں اور سوء تدویر پر توکل کی ہوست معرب افاق نے اس مواسع پر ایک صدید طوران کو کل کی ہے

الله الإمعيد ويک عروسل و عل برب بينا عربا ورجل برل على الطرق السيل و وجل ارسل دابدائو جعل يدعوالله ان يجسيها (المر - إمامة الحي أنس أداس ان - به أشار كين الراع - بيد دواقعي الا المراك الج

الرائع بي كرائي بان مثل كي تواند رنك يدي رائه بد ولا تطو مايديكو الريطونك (140 مر مريد شر بدار مدن از مدم / ق كل را مر

٨ كفيت استفراقيه كمال نين

عمل میں تعالیٰ سے رہ بیت بیٹ سنٹونٹی کا معرات میں بے موجئی کا ماکس میں بے کا و کمل کئی بچوں کے اور منگلے میں آپ کے رہ بیت آر معل کی وہ مرتبہ بوی فی عمر میکانگی سے بیا اندازہ مدار سے ماہ مساکر بھری واقع کی ہے۔

ان لادان في الصدرة وانا اريد اطرابها فاسمع مكاء الصبي فالجور في صلا بي فيما

اطوس قدة وجداً ميكات. -

من مد تن بالل من عن من مر و دامه عن ساک مد طول برخون که یک کی بید مند دامد و که من کا صرف کرد کی دارد شد کرد و کا صرف عالی بادر بدارد کوک کی دارد کی من این منکه دولت سال برخوان میگری (۱۹۵۵)

ن میں اس مصطبحت ملے چھا ہے۔ اکھوٹوٹ کی جائے ہے۔ مدر کے دائرہ میں رہے کہ کے ایک مسلح کی ان صدر ساتی جسے بھی ابی کی کس کا رہ کی گال اس جا آب آدر بھی کے جائے انسونی کی دو کہ آپ مسئول کی دور کا ان اس مسئور کی دور انسان

٩_ المال مصود بن احوال نين

ا الحراس في الدين التا فقاء العدائد في التشاوة الما التصفيق عليها " (إلى الم أكل الله أن الحكمية المراسطة ال مهم لك المرابع المجافية المساولة المساولة المراسطة المراسطة المراسطة المساولة المساولة المساولة المراسطة الم

من این هروا قال اس تولت او امدو مستوحک مجاومین ده طبی آنائی فیهست خدمین تولید و اعداد اعتداد مستکس ما تولید و از چیک کنام در است و (در ب این به این به این مورد و اعداد میشودک مجاومین این که به در سد میران که روا که این کافل می آنام در این امداد کی ساید کلی سدار آنها بسد ایراز مسد ایران ایران اسال مدینه ایران کرد کرد از داد کاب مدینه توسید کا داد ایران کرد

لا تخريقة منظر عمر لينز

الله يا الله الله على من الكل الدر أيل يني عين أن أيلا و الله على عن من م قائل ال و العالم عالما المام المام المام عن الما المرافز فرو فافر فوله لعالم الك لا تهدى من حبيب قال ولب في رسور الله ڪ حيث يو اود هيد زيا فالب على الإسلام . (" يت the second of th مد دو عقود فدري - ١١٠ ين ميدال ي كل فر كرام ، لد ال مد و مدر حال و دل کے اس مال ایس ان و کی مال مار اس

17_ الماحد كي ترويد

IN MI 200 CE - SUSECCEAL DIP SIL IN JA ال ال المرافق المرابع المرابع المرافق 1 " 12 11 1 - Car 40 th 1 1 1 1 1 - - - To 2 3 15 - - 3 do an m 5 8 10 3 see + 2 con 8 + 6 5 an 3 4 5 1 100 العبدي مطبعي علد عفرات وكو" _ " تراي بها به ش _ تريان علدي دول. اي ش الله ملا يه على ب كر الدوا الدورة بدورة بدور على أو مطريد الدور يصطل بدقي بدور والرادو مات

3 45 27 18

اللا الله الموافي مثالي بالى الد قي بالى عظمات أن الله على الله الله ما الم م ما الله ed forted a law in independent in an Sale will 3 - (com) 23 - 5 1 1 1 - 5 1 2 2 - 5 1 1 2 - 5 1 2 2 - 5 1 1

حملہ ہو دائم بید اور سے اس محمل کی مدیک تک اس فٹل ی امدیک سے بھی میں بھٹے بھو معربی ٹئی انٹرائل سے اسکو الفاد البود و وقتصاری فصعود کورو امیانہ بھید صدحت اس کا اس کائی امرید اسے ہوا۔ دعد ان اور کہ رہے جی ان کی آفر ان اور ایران کا دریا تھے کی قرب اوران دیکھ اسٹ ٹروز کا انگران

when the distribution of the contract of the c

کا عوار کا اور اول این بش ان کا نوشگر اینا کا بد این کا در کار کرده کی این ادامت سے محلی آباد انجهاری کرمشهر واقال کے ماقد دینا کیا ہے۔ انجاز کرمشہر کا کاف کی کا

متوجہ فاتون کندگاریکہ آئی ہے تکافیا چیٹھا کا بعد ہے دھی تحق تحق ہے ہم اصفاع کا متلکا تک حد ''گیا ہے اس کا دامانت نے ''جاملا کی اصدیک نے جمل کے اصفادہ نے نے جمع تحقیق کے اس مستقلگا کا دارتان حد '''کافستان کا خصص کا تحق کے جان نے جان ہے جان ہے کہ میں کا تھے ہے ہم کا کہنے ہے کہ ہم کا آئی ہے کہ ہم کا آئی کے مد مدید میں کی اس مدید کسکن کمیل کرنے دائیں '' کس کی تحقیق شامد کی کا کہنے کے اس کا بعد انداز میں کہنے ہم انداز ہو

۵ - " تحضرت الكلي ك تي ق الخصيص عظم و مصافح

عمده هدار موادسه به في وقع مواند مواند في در مواند ايند هذا را مواند في مواند في در مواند مواند مواند مواند مواند في در مواند موان

يان بي در در روايان و التي المواقع الكل الكافح الكل الله في المسابق ا

خانگی و خال جانت مزید 165 کر گئیست او مرانی با مدن ایل مانند سه منتش که که به د سران کری انتشار شنوعی میرو چیک دارلی شاید ۱۸۰۰ تا بیست

ایدادی و گئی میرود مترکد اور گزاراندی سالیک شاریک ایراکی دارکی سخو محکوم توانست ادار اموم بیشد و ۱۹۰۶ شر از کرد از امورد مشاری ایراکی رای اینکی در اموم

45" 10, 70 2" 25" 1746 2" 25"

ا ہیں تر ہاہ ہے۔ ''کی میافرکن کے میرے المؤل بھی ای میانا کی خسل الحرص مال ہے دیگا ہے اس 144 میں 144 م

14.7 (1) all and a star of the star of the

) کا خان کی آنیان پائٹی کرنے ہو ہونو پر انتخاب ہوتی ہی ہونند می میں ہوئی ہوتا ہو گا۔ ج اور اللہ یا جہا کہ میں کا کہنا ہوتا کا انتخاب کی حکو گھری گاند پائٹنگل رہا ' ایکسل می مرتب از انتخاب کر افراد کا ایک بیاد کی سائل بیان

(۱) الاس الدين الموادي المواد

(4) الدائن الله المدائل السيد المسائل المسائل والقواع الإنجاب إلي في الم 10
 (4) المدائل المنافق المدائل المسائل المدائل المدائل المدائل المدائل المدائل المسائل المدائل المسائل المدائل المسائل المدائل الم

(۱۰) پے معدہ السر کائل ہ (۱۰) میں کے طرر کاپ سی =

 والد مادل والتنفي المر" د الد وروا و ما الاستاماء عمل الميك تعال كا نتين القر* الدين طيبان تماي. يجال المثل طلق عاد 1 PM ، PM ،

THE PROPERTY OF 2/3" الراب في " التكلف من ميسان العمولات، جد كالرب ومر الرابعاد عام

ماتو حاكمية الانسان ال

1250 - 27 2568 W CA 0 " 310

قرور أأدرال الإساق موالاستان فيوفي المعارفينية مر

- Sott Sa 34- 5- 6-3-3 36412500 MARIONAL SOLD BOOK ON SOLD BOOK & DOWN AND AN

is the of a value of man in my more . بري مصيد د براد الدياد تراه بدوري در دوسه في

and the state of a second and the second A sand A pr son t . was a se was a Water and the state of the stat 141,000,000

> "The life and works of jaleroddin Muhammad Mowray." Or Panez Noven p 21-22

All 100 - 100 mg 125

Br. Mr. Ca. 1994 and Ca. de .. Shirt band or salt Alast . S.

190 من الرائية في المساورة ال

) کی ۳۰۰ داری تغییر به اسروه اصراح هم و ۱۳۰۰ بر طرحو ما در داشت. عقید، پیروف ۴۰۰ ۱۳۶۶ - ۱۳۶۶ بروی ۱۳۶۵ ب ۱۳۰۰ ۱ - ایت ۱۳۰۱ تاکید

> 8 - -4" (40) 11 - -4" (41) 12 - -4" (41) 14 - -4" (41)

163 اين 99 19 - ين 99 18 - يه يون من انتران بدعو مه ش بدخون شرص طبي بدعة من في ديون 8 ١٠٠ - مستند في يحقق بعض الروابات المنظرة الصلاكية فالقر رساق القوادات الله يناه الراح بجريع الروايات من البناعب الحسنام والشعيص على ترابب الحروف الهجاب ال ١٩٥٠ لـ ١ Add out to the to Sent must down a new to war out the 20 5000 52 200 200 10 25 30 52 30 324 mrs. 1111 - 178. 74. 14. 2 3 8 2

JAL 31 Strange J. J. B. St. St. St. St. St. St.

40 5 - 200 400 300 - 20 6 اعتراف البقالات ١ ماه 20,20 1.050

شدر عدد وهدود المراح وكاد الصري عدد مد

اگران ۲۱ این نام

۱۶ (شبرات ۲۰۰۵ م ۱۸) اچتر ۱۶٫۵۰

the set of

(۱) البراق ۱۹۱)
 (۱) الراق موجودات الكول المسكنة الإيمة المؤلجة في بها الله المسكرة الموجودات الكول المسكنة الإيمة المؤلجة المؤلجة

کات اتوجه بات الیمار با (۱۹ اغتبرات ۲۱ ما۲

(۱۹) ندگرفالوموعات ۲۵۰

(+) اللمص الاسك (4) المترف 177,777

manufacture and the control of the c

الله المستوفي الأكارية المان الكان عام يُطاعلون (١٠٠٠) المام. المدل المامية المانية ا

این الایل الیمال اکا الکتارات (۱۳۰۰)

(را این ۱۳۳۳) (کا) افتاران و ۱۳ (کا) مدرر کند فعد و برو ژاشر ما جنیز بر ژابانیت در قب قابر بطوع بعو

حيد الأولال 100 م (100 م المسائل سالة و 10 أ " 1000 س) و 10 أ السائل الله (100 أ المسائل الله المسائل الله الم (10) المسترف (10 المسائل الله المائل المسائل الله (10) المسترف (10)

100 200 Jan (10)

20 mg (40)

افتاح الإس أن ما ١٩٠٥ ما المنصوع في موفعتين الموضوع (١٩٩٥ م. ١٩٥١).
 المنظرات (١٩١١).

m J,A (o

الا رادو ووادا ما مدينة على معاه دور النشاء "من النسال معامد عن النسال "من""

 اید ۱۰۰ در در از الاحکاد تی اصور الاحکاد باز کی بیداد ن ۱ ای ۱۱۰ در او اس ۱۰۰ در او سه بهدا الاید از از الا به امرید الفرقی توصیح بیدا هنگر آنتی داد ن الا اطار امری این الانتهار امری این الانتهار المی این المی این الانتهار المی الانتهار المی الانتهار المی الانتهار الانتهار المی این الانتهار المی این الانتهار المی این الانتهار الانتهار الانتهار المی الانتهار الانتها

(4) (8) المصرحة FIOT مريد (4) (4) كذب المعلان (4) مريد (4)

(۱۵) کشم الحفظ ۱۹۰۱ سرو ۱۹۰ (۱۲) الفواف ۱۵۰, ۱۵۰ (۱۸) الفکمی ۱۹۰۱

777 Left (14)

(۱۱۱) اید سن (۱۱۱ مال مستود الانو موموضات متحاده مطع ولکسور کاید (پرام ادم مراه مید (۱۱۱) امد ۱۸۱۱

(۱۳۱) کیفی المحاد در احد خور استانی و دی ۱۳۵۳ می را اگریا (۱۳۲) کیفی المحاد در احد خور استانی و دی ۱۳۵۳ می را اگریا (۲۳) این از این المانون مان شدگیا ۲ دار دکتاب الار بعد الکری استر ۱۳۶۵ می ۱۳۴۶ می ۱۳۴

(۱۳۳) - ان او پر این اظام خاص فلیک از طور فکایت اظام بیده الکردی امر ۱۳۳۹ در ۱۳ می ۱۳۹۹ ۱۳۲۱ - اگر دارد اند - مجموعات المسلساتات و اکتوار الناس و افزار الرد این از با با ۱۳۵۸ میلاد ۱۳۵۱

1777 Charles 1976 (172) Balkan - - -

(190) الفارق 1900 و 190 م المان كم يأن وكان بالكرك 190 و 190 مان 190 و 190 (27) ماكو ماكور الإسداد 190 م 190 و 190 قرار أكبل أكد الشيل المان المعادي التها عام 190 و 190 أياد و المان الم

40 و بردار این از ۱۵۰۰ (۳۰ - اینکسف ۱۵۰۰ (۱۵۰۰ - ۱۵۰۱ (۱۵۰۱ - ۱۵۰۱ (۱۵۰۱ - ۱۵۰۱ (۱۵۰۱ - ۱۵۰۱ (۱۵۰۱ - ۱۵۰۱ (۱۵۰۱ - ۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰۱) (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰) (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰) (۱۵۰۱ (۱۵۰) (۱۵۰) (۱۵۰)

(۱۳۱) - انگلمت ۱۲۳ (۱۳۳۰ - و کاف بعد از موان دو ده ذهب خدای فاقل ک) استه تبدی های تبسری و آن همه فضای خرجه اتبدازی و هومای می ای شو

ای بالای از این اکتاب هوده دین ماهندی هرفت می اشار (۱۹ تا ۱۳ ت افزای است. افزای است. افزای داده افزای داده افزای داده افزای داده

> (۱۱۰) کیلیس ایلیس (۱۱۰) کیلیس ایلیس (۱۱۰) کیلیس ایلیس (۱۱۰) کیل

 (4) المستحدة المستحدات المستحدا

(12) کید از بی ام آخر دید کی قریب خود می موده از در 12) (۱۳) در در میدادگی، دادند آمری ۱۹۹۸ (کید ۱۳ میدادگی) کی دور (۱۳) گرامل کید خدکان طرف این فرقی بازی فرقی بازی میداد ۱۳۲۳ (۱۲) انگلف امداد کید گرام شاورک به ۱۳

(شد) والوقوات ۱۳۳۳ (شکنی ۱۵۰۰ (شکنی ۱۸۰۰ (شکنی ۱۸۰ (شکنی ۱۸۰۰ (شکنی ۱۸۰ (شکنی ۱۸۰۰ (شکنی ۱۸۰۰ (شکنی ۱۸۰۰ (شکنی ۱۸۰۰ (شکنی ۱۸۰۰ (شکن

> (۱۰۰) الفارق ۱۳۰۰ ۱۳۸۱ الفکندی ۱۳۹۰ (۱۹۱) کی است پر تجهانی موادر است می شرود.

(۱۹۰) کی صدر پر کین موادر ادار کرکی ده (۱۹۰) شکنمه ۱۹۹

sala w PT 3.28 (mr) (ar) RLM (80) Marke July on water de غرضان الكاب فقد تفيان المرافض والقم عبالا m.m what (464) المكتبع 4= 70 2 40 24 -150 MM J. C. 23 242 100 25 25 26 310 فترق ۲۰ (Pa) ادرل ۲۳ الكنف ٢٠٥ بعدي کام خيب بي الاست عدي الا

> 33- -4250 الكند ١٠١١ بعدى كتب تحدد بب كر فعرم و 100

(m²)

Butter of water of will all the

احكام القر آنِ تقانوي مُسِينة : ايك تعاد في مطالعه

*31.00.00.50

ABSTRACTS

Albane at Que on is that trend in Queaux engion that promoting the production of the queaux properties of the Queaux verse Bidan subcomment has its own that en his relation. An approximation of this gratus is be one that was insuperiord by Marshan Ashted. Als Thansiva and compensed by the deeples. The present such and compensed by the deeples specified to the control of the properties of specified and the production of the properties of specified and the production of specified and spe

کیم و کا کا خاصری کریگ و کار آرای بیش برای باشد کی بدور باشد کی بیشد کا سازه میشد. ما ۱۱ کا مناطق با اگر کی با میک اگر باشد کا مناطق کا با اگری گیری کا انتظامی کرد و کامل میشود. ایران کا ما بیشتری کار کیک میشود مدکی ب افضار کردن به منتقل کی مناطق و میگری کا مشدد امکان کی در استان و میگری مناطق عدد اما کار کیک میشود مدکی ب افضار کردن به منتقل کی مناطق و میگری کار شده امکان کید

ر منه به کننده او یکی همیدید شده موالی از اگر این که این این این که پایین این کی به مواد که را این ما میشند مده یکی همیدید با میشند که میشند برای این با برای میشند به میشند و این میشند به میشند که م که این که فرار میگیری مدارک میشند میشند این میشند به میشند از میشند به میشند که میشند با میشند که میشند به میشن مدد انقلام این میشند میشند که میشند که میشند میشند از میشند با میشند که میشند با میشند که میشند با میشند که می میشند میشند این میشند شدند که میشند که میشند این میشند که میشند که میشند با میشند که می میشند که می

گاہ رکا ہے۔ '' رملے نگر معاہدات کی ہاری ہاں کا پُسام الحقی کا مصل ہے جات سوال عالم مون الرک کی آفاق کا کا کا کیا ہے۔

ما المستان الركاني فاقال المستان المسيدة المستان المستان المستان المستان المستان المستان المستان المستان المست المستان المستان

> ار مانده مد الله تعرب أحكام القرآن كى تايف كراسب ومحركات

احتام الله في و النسطان و كالك ميريا لاكساك في الكريد و المراس المراس

المساورة ال المساورة المساور

in the state of the second of the state of the second of

ا مستان هو الدولة و والدولة الدولة و ا

الراسي من الراسي الأولاد المواجدة الإنتانية المنافقة الم

^{11.0} c mil .

ر المرادي المر المرادي المرادي

من ساعد های کست کی کوری از این با در با به این با به این این به این خوارند به این این این به این به این به این به ای مان میکند به این این به ای

ه مداده انتخاب المساولات المساولات

and the property of the same of the same

- Confirmation and a control among the same
 - - mmissi

10.73

د المراجع من التي كان وقال بحق يديد طريق بديد المراجع و المراجع المراجع و ا

an experience and in James and the property and the prope

در او الاستخداد الله المستخدم المتأسسة المتأسسة المتأسسة المتأسسة المتأسسة المتأسسة المتأسسة المتأسسة المتأسسة من المتأسسة المتأ

خیاری الدیکام فاتر آن در ساید این انتخاب در محمور در اس محاود در
 فروی در کردی در اس می می در این در شد در الدیکام فلوی در این در می در الدی در الدی در این در

مع المنطق المنطق ويصد و به من باست براستان ويمثل المنطق ا

أحكام القرآن كالمنطاعات الوب اورمضاعن

برار بالد المستكلم القواني أن كل ورحلتان الأقتل بدر الرحمي على دوال مقاعد على الان الم

الان ا ما والهذاب المناسب الم

ا موان مان تر مد عور کی افران می اگراه ا حجاب کرده می داند و از وی تداد به طور داندان در نکر باند در موده به مودگی و بدان نکر می شد

ا المستخدل من بالمعاون المستخدم المستخدم المستخدم المستخدم المستخدم المستخدم المستخدم المستخدم المستخدم المستخ المستخدم المستخدم

#500000 ·

Didnos -1

بريار ما في المستدم الرئاسة في الطبح الإنسان المستول على إيسان المستول على إيسان أن المستول على المستول على المستول المستو

لگیر (حکام طاق فران برداد، والیاسی قری بدی بیای خال در میاش آراز و ظریت ۱۱۰۰ در اریکا گیایک کال آدر دیارار کلی بید. را هم ای می بید سال در ارزار این فرار برای افزان کلیز کارون منافذ می کندن و معرف می مید.

، پھھ کریں تھرے دھ کہا ہے ہو ۔ دہ ہیں تاہی عبوق معاد اس لیاب کا موب بید خال نے ہو یہ کا پاری ہے ۔ واق کا '' سنتی کہ گئی کھٹٹ نے اور کے بھر دمک ہوں مکرے '' کشمیر کے مشہوعی فضائفس اور موافقین کا فقتی ارتکان

with the second of the second

لوال كامل عد العالم الله المراكز على المال المال عد

نظري به الأخياص التطاعية الافترانسية في المستويدة على أو يؤكّ الكونية الكونية الكونية الكونية الكون مثل الافتران المولية إلى الإستادة الافتران المستويدة الكونية الكونية الكونية الكونية الكونية الكونية المستوية والكونية إلى بناء المستويدة الكونية ال في الكونية الكونية

و فارسا فاد بازگران فارسا مانها اگر این با آمامته از اجامات انتقاد می این اجام با فود. کامه ادبای از افزاد ادبار اعدادی استا مامد اطا جاماتی فار این صاحب فادفید پندخش التعدید باز نشلته فاکل باشیر (می از اینداز وسیامای الله و دا ماخی می

هدسته گیریش کستان سیده می کشود به داشت به این که این به می شده به می شد.

« در این می این که در این می در ساختی که آن بد بیشتر کرده به این می می کشود می این می می می کشود می این می می می می می می کشود به می می و با می می می می کشود به می می و با می می می می کشود به می می و با می می می کشود به می می و با می می می کشود به می کش

لارب العوائر مع المن كالمنظ الإستاني المدحق تشكل الدولية المنطقة المستانية والمنافع بيست المراس الدولية المنطق المد المنظم المراج المنطقة المنطقة المنطقة المنظمة المنظمة المنظمة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة الم المدركة المنظمة المنطقة المنطقة

- ا الراف الآل قراعدق علوم تشهيد أن إن عدوالا أن الخرص بوس العب العام
 - الاراح الآل الواعد في علوم المقتبة
 الراح الآل المكافرة قد راع ٣٠٠٠
 - TO THE PERSON OF THE

 - running a sent of

الراقع أوي العكام التوالى أرائي عام 194

200 200 20 500 200 200 20 00 40 LORE CORE 5.10 25

أحكام القرآن ادرطوم صه

ا المساع الافراق من مساول في الأکارش الفرانس الفرانس المساول المساول المساول المساول المساول المساول المساول ا را الأران المساول المس المساول عن المساول المس

سده معلی شده آن الدیانی کار کار کی مطلب کار بیشتانی عداد می گیری در آن کی کیفید بد ۱۳ رویکی باشد با در ویکی در این از این فران و با کننده در آن بیان بد کاره از بیشتانی با در این بیشتانی در این بیشتانی با در این بیشتان در این می خواند شده با در این بیشتانی با در این بیشتانی بیشتانی بیشتانی بیشتانی بیشتانی بیشتانی بیشتانی بیشتان در این این خواند شده بیشتانی کی از در دیگر در در کاره در این بیشتانی این می این می خواند دست این می این این ای

- وه کار است برائی ن از است است
- روم الحال الله الماثي به الواقعة المواقعة المواقعة الله المواقعة المواقعة
 - resulting.
 - ا داد از گراهد این گراهد. در از این امدر دی و از ماه دی امد دیگی به این ده

نيم يكن موص آن او داميد به مشخص منت واحد من واشد و يكس من بدو را يكل منت في مهم. من المراضي من المدين أي مكن المدينة المدينة المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع ال المراضي المواقع المدينة المدينة المدينة المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المراضي المواقع المدينة المدينة المواقع ا

أحكم القرلى ترميدم أل وقائراء القامة الأيان المال سُوط به التأليب

الوقاع الأساسة المساسة المساسة الوقاع الإساسة الوقاع المراقع المراقع المراقع المراقع المراقع المراقع المراقع المساسة المساسة

the of the second

المرب 4 10 كارك ما المواد "ما وحلب إلى كس الأما صحور كب م الصحيح حس الأ en 185, 200 & of 1200 Com & was the com " " " you وكر اوادي . د داريد) در موج ي " رس كل شره عندي صحيح وصع عيدا". (اي

Lower Sand Standard of a S. S. S. S. March 184 a S. S. in the stranger of the fit of you to the stand لتحقق وعالم في أبوري و الحريد في والتربيد والتحريث والمستدر ومن بيد ومن الدواعة والتواوي عزوا في من

- 453-54611 على قريكا احداث

المعكادة المقران معا التي محل على من المراوي المعادة والمعادة والما تكرة المراوي معاقل ما الل والمنافذ الألفاقكات له أوض شدور الدائد وهون المسام ما مان 5.00 45 Down - AKUA S. M.S. a. B. S. A. C. a. 02 Sarah نسال ہ یہ تھے کا ان ہے۔ 'رکٹر و ہرا بھیاں اڑ ہوں ہے کا بھی میں جاتا ہے تم کا کھیں میں جات الما المعلم على الما الله المعلم الله المعلم المعلم

وا کا کار دوادری وردستان در ای

اس مع صعوب مسلب شاب العدادة ... تشايد في العدادة . حمد مدود العراق الدي مع الم

and a state of the

100 mg 15 mg 25 mg 20 1 mg 20 mg 10 mg

40.000 -

کے کئی انجی میں بھائی ہوتا ہے کہ از میں جدیدہ ہے کہ میں اور میں واقع ہے تھی آنا ہے۔ اور اور ان کہ میں جدید اللہ میں اور اندائی میں انداز کا انداز ہے اور انداز ہے اور انداز ہے اور انداز ہے انداز چھری کا انداز میں انداز ہے انداز ہیں انداز ہے انداز ہیں انداز ہے کہ انداز ہے کہ انداز ہے کہ انداز ہے انداز ہے ک چھری تھی انداز ہے انداز ہیں انداز ہے انداز ہیں انداز ہے انداز ہے کہ انداز ہے کہ انداز ہے کہ انداز ہے کہ انداز ہے کہ انداز ہے کہ انداز ہے کہ کہ انداز ہے کہ انداز ہے کہ کہ انداز ہے کہ کہ کے کہ کہ کہ انداز ہے

مداری بدار میده می از هم همه با می همان با میشود این می میشود با برای کار از کی هم کد از کی هم کد از کی هم کد هما این به مرداند می میده با میده با می میشود با می هم کدر این می میشود با می این می میشود با می میشود با می م و با رای به می میشود با میشود با می میشود با میشود و می میشود با می میشود با میشود با می میشود با می میشود با میشود ب

ب سالار مثل به حالی به این شده به هم این به بیش به بیش به بی این به این به این به این به این به این به به در م مردی شده این به این به بیش این به شده می شده به شده این به بیش میشندند و این به به به به بیش به در به در می ای روان به این که این موروست و این بیش که که این به بیش به بیش بیش این به در این این می این به در این به در این ب

المجامل المساول على حد الكندة والمساول الدولة أدام الكندة والمداور المداورة المساول الموادرة المساول الموادرة والموادرة والكندة المساول الموادرة الموادرة الموادرة الموادرة الموادرة الموادرة الموادرة الموادرة الموادرة الم والموادرة الموادرة الموا

ن في الكار مدال الكان الله و الله يديد مدال مدال مدال مدال الله الله ي الله مدال مدال الله الله الله Low a To accompany to Home Jak Jesus Line Make made 35. May 35. 13 m. 56. 13 m. Same - Same of the 3) and a continuous in & to 30 when the BOAL family was a for any and a for a for a to the to a family 2 th to a term of the state on the william in 2633, - 4630 ne 20 3 ne 36 186 3 m

اعمر اضات كاجواب

30 Co . D. C. 1000 will suntil the the will the free with the free to for the first of the first Mile W. Last and of company of a man of 12 and of the Start اران الله الماران المرادي المواجعة (Bundermon) عد عامر الأواجعة عرور الأنكار عالى الماران Linner Jelle

Summer Star San San Star Star Star Star Star Star Star مشهدت کا مامنا کری طبیعه باده میگی موجد ای دوی شود دور و روی شر مدید ۴ در حد ادی کا فیصد ۱ در

er er - 30 mill -10

145 . 23 .

در مثلی میران از آخی از شد. اثابه ایران بیده یکن مثل آخینتر عبی السعید و معنوه " (مثل هم پر ماریک در آوی داد کندگاری هرفت بیشتری که کست.

یاں کہ متح اللہ بھارتی والدستان اگری اربیت کی سیسستان کی هم بر اور شدسید ابند کی باط اسان کے اگر المامت پر ایک کی کی آل کھی کرن جائے واقع اس باؤوش کا رہا۔ اور استان سند از بیسا ریاب محق

هم الموجهة المنظمة المراقبة في الإستانية المنظمة المنظمة المنطقة المنظمة المن

احاف ك اصول و قواعد ك شرعى استفاد كابيان:

الدران المستوية المس

10. 10. 1 . 3. mar. 12 . 13

A way - 121 - 50 - 201 - 50 E. S. of Holes a day. وعاصدة مداملا يتحدد وقوائد وسيكد يدارتهم بالرار ووالي قدد استعمال دي حدث عد عديد لا علاد و الشي عال في . كردت

" North to make the with the barried was not not be such مَنَدُ لَنْتُ مِحْدُ مُنَا مِ فَهِ اللهِ عَبِيْنَ } " ع مريوع

اللحة عن العد مدد على عن الشرع الشا العساقال، الدي ألك الله عدم سال الله دول الصحال في الأيدر كا بالراق مرفوة حكل الله الاستراء عن ال

المد المن الكرد الدجوب مد مدام عدا الماري الله المعرب الكرد

150 B. S. S. Ent at المعدد الدان كذامد و (١٠٠ (كما ١٠٠٠ كم عدم جديد)

قعره كالحريد غرارتها الرجل لاعقال حن العرب والارجال شيوطه أو ينعويه خل فهي باهده، وكا حيد حال يه الرجل لينخفض به هن حام أو يبوهبو به من

- - 10-11-21-51 -
- *** ** ** * * * * * ** Hillard Brown Britain Brown & Francisco Com St. 10
 - and its war or

m. 5 24

100

ملال هدر حد " (د دوجه الرسادية والقرد و سن في در الروسان ي و - 71. Bush of sur det water Tarable (Some princip was transfer your العد يسقط وجوب الأمر بالمروف وأسهى عن البكر ود خيف من فلك 1-1-23-1-7-1-208-4-5- - - - - E andre 12-18-5-1-18 24-4 (Shipe Shipe قده الفرعة لا تثبت حمًّا غير ثابت، ولا تبطل حمًّا ، .. " (أ ما ند ان كي يه CF S. B. P. B. Barrel marger 1. 5 at 19 how a series of the series of الله يتدعون الله التي يما" وفي صوب معلى منات يتداويده معروبي في ا و الل week as ready in him to be to make معمود اور يم و من من سيده راسط يم مناور و عداس كا كراب كر اليول في مناور ألا يواراً

ند مر یک د " (ک موسی و 14 سے بیش کل کش موس کار ای موش کا خاندی ہے۔ مارکر

ron L. r. S. samen L. ar L. r. S. L. samen B. d. - sa Na L. r. S. L. samen B. d. ar L. r. r. L. S. S. S. samen S. - sa . r. samen L. samen S. d. samen S. samen S. - samen S.

-21 By may

est established the

ار المساورة المساورة

در المستوجه الكام المستوجه المستوجه الكام المستوجه الكام المستوجه الكام المستوجه الكام المستوجه الكام المستوجه والمدود المستوجه الم والمستوجه المستوجه المس

مصادره مراجع كى خصوصيت

ا بہت بردائی و است کری فرصائلہ ماہدی میں اس ایر است کا است کا افزاد معاد مردائد کے خود نے جو اوقد کا افزائل ہے۔ جو ہے اس استے سے لکی اور تجری وہ کی سع نے گئ اردائد اطاع ہو گئے ہے۔ فوٹ نے سکے مواقع کے

١٠٠ - ٢٠ إن إعلاء السنوس 4 " ر"

N-2008-21-22-22-23/2003/2003/10 +

ادی کی میدادی فاقع سک میتیکندند و کا نظرت میکندند. هید کردست است بیشته شکل مواند ترواند سد ۱۳ ک و حمد کیدست بیشندی مست سده استان کلیم. و به سال کردست از بسیاری پیشند میشن کشی فاز وانب بیشت کردیکن کی حداث سده این کا برای مده فاقع

ي هوش. به من الو حب او لايدو بحث بكته فيهما عديدس كلامهم ويقبح بو مهم الأو حكم. الكل فتد المسلدات عنصد لاهد وجدود قا

FLENDENDER

married with m

۱۳۰۰ کر گارسد باق ن میگراهداد. ۱۳۰۱ می از احکام هو قرباشد با فرداموری این می ۱۳۰

ريادهاي و المنظمية التحقيق و الإسهانية المنظمة عن الأستارها أنه المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظم المنظمة المنظمة

محق والمنطقان العراق على "موار " كالاحتراث - غ

اگرچ موادا آزادیدهٔ الکوسالی الکوسالی می کارد همدیده طویع بر ساز ۱۵ به متح طرح در از بسد آنده به یکی بند اکتر ادامهٔ وظیری در سازگری در است از در هم بر مازد ۱۳ برخ بر ۱۳ مر ۲۰ کی به الکار این که کرد بسید آندن سازش تلفظی طاحته الرسیدی که این با سازش نواد بر با سازش این با طاق بر سازش هم نام کرد بسید با سازش داده از در آنداریش این از باست.

برصفيرك على وتير اراحكام القوال ك الرات اور الل علم كى آرا

ني بدين به ي معيدي على مثيرت برام والتي ما يواني والتي والى عادوس كما والعام المثل الموافق مدة المداعة الدوم المداعة الدين المستكام القوالي اي معيد الدة معوان الانداع المدينات تحقق كما الموافق عمل التي مدينة المداعث الدينات المستعلق الموافق التي تقالت

اران کی ازان پوست دیسته بخشیان ۱۳۱۱ که از کوشته اینده عبده کند حصوصه سامالا کی بدخد افخامت ادبی خرابی بدید ای صدایه کیدیده عبده کند حصوصه سامالا کی ادباع مهم بایده حادید الآمه بدی تنهاری جهد باست عصوصه ای خهد

- ١٠٠ الإيمان السن راه الرامان د د
 - 3636 200 36 36 300 3
 - Car 350 3730 5 11
 - Parket and Parket St. 19

المجارية التفهيد المصدرية المدن المحلي الحديثي المحدود والموسود عمل محملت المردور والأرداد الذراقية (177

The second of the Confederation of the Confederatio

ي المساوري المساوري في المساوري في المساوري الم

ent which the street and are

ى - خلى قوامدال ماروداديت كره

in the thicken and the second

ال المراول عن فيلاك والمساعل المحارث من المساعد المسا

ا الدائم المساول المسا المساول الماليات الدائم والمساول المساول المساول المساول المساول المساول المساول المساول المساول المساول المسا والما أركب المساول الم

المنطقة هذا إلى الحالية و في الح مجمعين في الم العدم الدينة المستوارية المعدم الدينة المستوارية في المستوارية وما يوان الموان المستوارية في الموان الموان

من کی گرویو دوری هلگی کرد. هجهد کن بیده ساز کرد دارستاند کی کا سیدادر خوای از زشتی نیده - در دارستادر کی کاست داد طی بر مهدر سرک در این ساز با چانوان به خواه در برای نداد مداور کال باز در این و خوای خواهد بدر گزارشد کار کارد در افزار کارد کرد کرد کرد کارد از در این این این این این این این این این میزاد در این خواه

many of subust of page 21 is

اعلام القرآن (آفانوني) - منج وخصوصيات

· 30014

Moderic Ashrell As Thomis is remained scholar of sub-contenent contributed is board of indipleas scholars from his disciples to write a boath showing all the Editions impactions about 100pt Secal instead although about the street of the Hamiltonian of the Secal instead at the content of the Hamiltonian of the Secal instead of the Hamiltonian of the Hami

The book with the name of athham of Quran was entities and published approximating in early threat years by fine stokings. No would the basis is an exceptioned at the States rejunctions dermal fines Quran in the light of ident's school of thought all article reveals the historical background compositive study of different visions and their subclosters.

محملته ومضغى على وسوقه الكريين اعتبصنا

در استان با المساعد ا

. . .

BEAT F + A P. L. v. 2 (. . . . 2 Bath. A Add On the But at the Francis Commence of

Nand Est 1 cm 3 2 - 1 10 2 cm 5 cm 5 pm 5 m 5 m 5 m 5 m 5 m 5 m 5 m

لائل على المروس الروس التي المراجعة الرسال على عدة الاعدامة

مان ديول الشاملي الشاعر والم

(PUTINGE (P

J. L. Brokeni . Ti Same De Walter N. 7 الم تتسان أن عديد الركام العداد المادة الكلام على المادة

will the there were an entered to the first 11 Car. 30 San De 1 12 15-16-16 30 4 21 56/61

عمرين كا موام أن الشار و يني ما في طاع الما الما أن أوت الما مناه ما أن والمام 4.6.36.30.35.30.35.6.8.05.3.05.50

\$ 5 5 5 1 m 23 21 - 30-1- 3 50 - 1 5 1 e ten e restinationes in Entire صوب سے دام شالی کی اس تاہد نے اور اللہدائی جائے جو جو جو اور میران wildewiler.

ele aport Elizabe Sies

LASA SERVICE STATE OF PARTY

کی بیان می در اصد در مصور در در در بین به بین می تاید با می می است که در بین می تاید می در است که بین می تاید می در است که در است می در است در ا

ا المام الآل يا المامت كان المامت يا المامت يا المامة المامت المامت المامت المامت المامت المامت المامت المامت المامت المام المام المامت الم

عدار عالی که استهداده که در تروی سدهکسید به مان در ایران برای به میکند. به میگر در افزای که در آن در گیری در ایران برای در ایران میگری در بدر به میکند که در ایران میکند که در ایران میکند در ایران میکند ایران میکند در در ایران میکند که در در ایران میکند که در ایران میکند در ایر

ا محدوث من الركاب كالمعلم المقارف الآن كيا جائد كاله. معالم الدور والله

المراجع المراج

 مودود را دامید در امول شخصه استان کا دار با بیسته در به جاس آن کی تک آن آن اطاع به آنیدی کنند مرتب و بیسته باشان با کنیده دی از تجد را با بیشته شام نگی اظاهار این اطال می مستقد آن استان می باشد با باشد با باشد که این میشدگی، می نظر بازی آن با باشد می می بازی انتقال می بازی می می می بازی از ادامی به آن بازد امیکن به آن به دادمی به آن به دادمی

(mare) 3P26 Laker

۴) موده این ترانده تو ترانده و ۱۹۹۶) (آن کردا که مارد مودان ایران صور شده ایران تشیم ما تر کردان تریک

ا المنافق من المنافق ا منافع المنافق ا ويمائع المنافق المنافق

روم الآن الي الواقع في المواق ون مدور بيد الموجود جراق والمد. كوالي الي الي اليكون (10)

ل الرابع البيان المرابع المواجعة المرابع المر

ان الرائعة عن المساق ا

ر المساولة والمساولة المساولة ا والمساولة المساولة المسا

دود المدن المحل الدود الدو المحافظ المدن المود المود الدود المدن المدن المدن المدن المدن المدن المدن الدود الدود

مين چان اين جان (ميداد) الاستان موان بده مرسوس مي مورس ده منگل آن از مود انتها و ان آياس نمي من رو مدود تري مورش استان نمي من ميداد اين ميداد . التي المرود الدران التي المرود والانتهام المرود ال

الله المساوية المساو

-676-and 51501 5-20

ش ١١٤٥ م ١١٤٤ وي كريده المهم من مرفده الدين أن عديد بيد معيد جليوم فالأول المرايع المراكان أخراكي متعب رياية والما ويتقده الما الماري المراجع المساوري أي يكي (4) - J. G. J. J. J. J. L. - 1

إساوب الما والأن يندن الدان الداني على يروي بيدي والموي والموي المراب المرابع

こびかいいんこんご - CTYY Fragigation

とうのかかからしかかんしょう Fire was

المرون والأراق والأراق

with Solden to the Solden and the 45244 FIJULD

احواب عن ولالل المنصف - يُعوال عدديُّرام عُدا اللهُ

سائمی (درم و بعد بردر در ایران) در ب از بار و جدر من الک مرة قراراع كرمنامعكر بالت

مرة عراق بد مرار مها ومعان طيق أول في الأل على إلكام و يِّسَ بِنَ الْهُدِي وَ الْقُرْفَالِ فَسَ مَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهُ الْمُسْبَدُهُ الْمُ

س بعد عام اسال كراتهد محري عراد والله على المادة ك منهور يم الوال الله الماسية المن المن الماسية عن الماسية الماسية المناسية

ف ودر رويد و الال الم المركز على الدائرة على و عود ل رايد كل

المسابق المسا

اد و در آن آن آن دو وجد کم گرده به هذا المساق آن به ای داند.

در آن می در در در بازی دو بیش کم شده به در آن ده به نظر ای در این در به در این در در این در در این در در این در در در در در در در در در این در این در در این در این در این در د

484 - 2000 5. (2001 - 500)

. . . .

مولانا مثلی عبدالگردتری (معادر) منام الآل ن تا بعد که کے مولانا کیا اسال کا ایر برا تشیل و قد من

يل موان الله بو الحالي المثال المداعة المداعة الله المثاني المثالي المداري المعاليات الساوا ا أو كيد و المثان الكرد إلى حديدة المثلوث الدويد المثا الهيئة العداق الإلمان المراد المثاني المراد المثاني المرا العدا المراد المثاني المداعة المثاني المداعة المداكدة المداعة المداعة المداعة المداعة المداحة المداحة المداحة

الم المستقدم المستقد

ماه مای با در این به داده ماه به سبب کابید از طبق مرکویی کابی قاط عدامد به موهای بیش کارد دورای مدیری آنها بست آرای بیشی مرفقی عدد در ایراد ایرید به موهای بیشی کارد دورای مدیری آنها بست آرای بیشی مرفقی عدد در ایراد ایرید

المراق ال

ا دواه الآران مدود بدوگر الشاها و دون ایرانی به مناوه بیش بدوانی و با طرف مهدار ۱۳ موروی استان که سه بدواهد این نگر ۴ رطفای امیدی در ۱۳ موانی ایران استان و ایران کی با ۱۳ میدی از این ۱۳ موروی کی بدر که استراکی مدید عرفان ای ایشان و بیش کارش کارش میگر میداد این از این ۱۳ میداد که ۱۳ میداد که استان

ر المن المنافعة المن المنافعة المن

صيده وال ورب كي فال سدر والداورة فرف التيل والا بدار Just surreaken as 25 t. D. c. 10. 61 - 1 = 2 + 2 - 1 m m + d d m carrier agrange of the Paraga. 2002 por تير تي الدهل مروانان الداء والوافيد والمنافي عد س عي ١٩٩١ وهـ الكام ے اور عاد اس ال کا الله الله علی علام داملت مطال عد و ي سرود در والما المحل والمدن والمدن والمرق المرق الم

المادر الله رموان ويدى كالمعلى موان الأفي عاصل عد كرد ما المعارف المراك المراكل الماري الماري المناوية والماري الماري مناوه مناوي تحصيل مان في عدال همين على عاديمت ميدكر الدوائل، عدالوال الدوال في أر ووجود عاد الاسلام جود في و والع منتول " يند مورك في يوال المنظمي بي مواد الكالي ال ملعه كى روشى جمام قد كى وضاحت

" بن قر " ل به و السار في والسار في شاقطهو اليقيهما به مع عامعهم مور وال Photo in a sty or to you and with a section of the Park of مع المري المري المريد و الرحم و يراس من المريد و المركز المراجع المراجع والمراجع والمراع

المعدد كالمحالية المراح المراق أواله المراجعة والمنافعة المتعالية والمراجعة والمراج

An avaluation varsion of novaPDF was used to organize this PDF Bio Purchase a ficense to generate PCF files without this notice

at a separation of the

نگل 25 جسد ادکی دید مک د 26 جسد کل د 201 با انجابی شد پیری مخمد و بیا که آلی مای شده صدر مکی برده بر شد اگور و کسد به یک پریکایی اطراعت از مانگسیت برای بید 25 فقع هی رص افتصاد به آلی مای شد دستایی با آوانشگ به دیگر بید و 4

ر صفیق به به هم شده از می به در این آن ای کار از آن کمک سه در گری به یک در ایک سال مید به به یکی بی به به در ایک هم سال مید خدید کم سال میک هم همان شده در ایک بی بی به به در ایک بی بی بی به به در ایک بی ب

مدود نگی شہادت کی شرافظ مدود شدہ میں شروع الاس سے مدید شہات کی وہ معادت سے اس ا

ייני על הייני על הייני על הייני על הייני לייני על הייני לייני על הייני על הייני על הייני על הייני על הייני על על ייני על עם לייני על הייני בייני על הייני על הייני

۱۳۶۰ تا ۱۵ در کار ساتھ انتخاب سیده آن دردائی نکر آوردا بند که شروعت به منواری سیدکر کل موتر جراری کاموست شروع برای کاری جاسندگار مواده علی تخیل اجرانی (مرسعه بیر)

من يا سكن يجمل الدين في في شوال المكر موالا الدين المراج الما المراج الم

6120 agreed (()) 1 1 5 - 9.0

موان آن آن کامل بی است. دانش آن آن که آن نسان به در او با مال به این می در اداره به سان و این می این را بیمان فاق کامل بید شده اگر این در این می که این به در این که آن به در این که آن به در این به سیست به سیست به سیست به فاق آن آن که برای این این می این می این می که آن به در این می که این می این می این می در این می که این می می ا منصفی فرد این با در این این می در این می این می این می این می داد این م

مصیب با فراد است او در شد اصطفاد شد آنها آن افت این ا موده این می آن مستور سه آن که چه موان شده این از مد المشکل سده است و سد در این در از این سده دیده افزان که کشوریت امر چیز صوری تا پایشد هم آن ادارا یکی گویل شد

صريتن مره يال تامره الفي (حول لبرم)

الإسلام المناس المالي المول (عول فيرام) على أن الا الذي منا ومنا حيد المناس المراس ومناصرك بالمناط أماري. 5

در المنظمة المنطقة ال

دود كل الرول كي المعمود و130

الان المستخل المساعد المرادة في المستحق في المرادق إلى المرادق بيدي الارتكاب بيد بالماركة بياب

آمونید در منتقل ای فرز منتقل مدرسهای تاریخی به ساز کرانده آمانی آن ساخت باید دارید منتقل مداد در دارد این این مسئل مناسبه کارید و در دارد مدرد کرانسی بشد

ر است کا می از است که این این با در این به این م خود که می در به این به

Small offer

ر من المسلم ا محكل المسلم الم

ر شده الله به المركز و المام الذي شده المراد بيد المرد بيد المرد بيد المرد الله الله الله الله الله المرد الم المراد المرد ا

والأد عيده في الرواز في المعلود عليه

ے۔ اُرائی جید بن کا الی وہ سے بیام حاص عابد باز سخس سیاک می سے دید سے چھٹی گئی بی کی چھٹا ''دروہ میں سے وی کی گئی شدہ ج

- Bilton Lyne Longs

With the and the second of the second

منى ما حب ف الله و أن الله عديد عد الله ف الله الماس بيدان الراسل جارى

حدود في آناب و به علي عنه کان رون شوق دارا الا گرام دوره الون و ان الآن، ارام في كوشيشم لاحكام فشر ان هر محدار از د اسجار على المر تباعد اور اموار السار ترورد كرمهار الرس

الله عن حاصر من البريان والإستان أرض شد المساسل المان والكوا والمان أي الموافقة الموافقة الموافقة الموافقة الم المحافظة الله يراقب المريان الموافقة الموافقة الموافقة الموافقة الموافقة الموافقة الموافقة الموافقة الموافقة ا المان المحافظة الموافقة المساسلة المحافظة المساسلة المحافظة الموافقة الموافقة الموافقة الموافقة الموافقة الموا

يدي به جها يراكن أثاره من بستان الرياع الانتهام أن أم الحق بالمهاد المن المناطقة المناطقة المناطقة المناطقة ال في الديد المؤلولية (الفرائية) في المؤلولة الحق والهو الملكة بها المناطقة في الانتهام المناطقة المناطقة المناطقة المناطقة الدينة أن المناطقة الم

سررا ادرال كنده والديس يومون المحصب به (الأكل أدُف راهدا كث ال

ب الله لدى يروي الله الله عام ي بيد

4150 agard (1,500) 5-90

مرة أل ن " يند وفسنلوا عن الذكر ان كنيم لا تطمول به (١٠٠٠ أل الح ...

عدال المدين واليس التي وكرام كالأكروجي كياب ~いるなかがでいい

(JIV) ATTION OF PROSE 200 15 ٩ رملون داري مدين عدم ورود در مراح الل

ملود فيرملود مليد 31/07/hus Мa

-18.64 (254)045

(سان الد) ١٣٠٠

ء الم

يمال آب ريد المان الله هيئ ملي و يراش الهان ميد المعراث يد المان الله عوال م المعلى والمعارض المعارض المعارض المعارض والمعارض والمعارض والمعارض المعارض الم واللهاء أرحلتي أراوره بليل بالأساء المساحية المساعات أب الما والمام المام الما الدين الدين المراس والمان أب سراكي بيد المان سرة يك و على يكي إلى معرود في و على مناهد من من كري يكي والعلم مناه من 100 Jacob of the same of the many

-6189-2008-2-1303- 3-20 منتي لني صاحب يوني اواي اوري فتيد اللي الدائد الدائد الماسية ما ك العديم النيوا 1 100 m - 5 m - 5 m - 5 - 00 - 200 -Sectoral -cholipping -c J. SIN JA C5531 -conton (Transact SING JUNE OMITSID with the to the war in the investment to و کی سام الل هد هدمد - عالی سال مراس الله 4. 8.66 المن وروسول الى تلكونى عدالة أيد ولو لا دول هذه القرال عد وحدا من القريف عطيم عادان كري بالمن شراورة ساق العد العديد كالوال مع معام كم معافى العوال محيل مع الله ل ما الد الله كي والمحلوق كل وعدي الدي والدارش وي عدداد

باخة ومصادر

ا موا نا بسندگی از انگراه کی بیشتا بست متدود به بند برای کا این افغان کی باشد. اگر نقد اجترای بسندگی و کشد بست برده است و با برای کا در با کاری با متوجد می آب بست بیداکی در که ماد به باید با می طرف مود کافی بسته که در بدید بوید بست می قداد

منة وي عد على موصيد على قدرة بيات كان عاصر بالتيان ويك واليدع. 3446201800 (4 m. 10) 6 11 - 71 1/2 15 3 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 monument son son to

ملود قرملود ملود

25 Thus بالرفوات عماد

مريد الدائر الد والوى المحلق الدمان عدم 2 مورة دهد الديد يد ال - 1 11 12 1 1 144 - 1 marrie 30 2 17 2 18 - 1 - 3 - 1 1 1 1 5

الل تيم في يا يا يا عاد على مديدة كل دريدى عدد وي ماكل أرف كا الم

١٩٢١ عد ١٩٢١ من أب ل عدم ل دعل كا مكر عدر الميس الى ل و دي مي ميد الواد

والمراج والمراج والمراج والمراج والمراجع والمراع ربيد المعادة في وشروه وداره فود و يدكن أن يكرواني رايوم ديد

يَ وَ إِنَّ مِن مِن اللَّهِ إِلَا اللَّهِ بِلَا يُن اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ

(4) N. G. F. F. B.

-410-2001 (15)31 200

المساع المواقع المساع المساع

ا من المنظم ا المنظم ا

And the second of the second o

Sin the Dry Lot of Little of Lit & Town of Little

من مسابقات المواقع في الأصف المدينة المسابقات المسابقات

یا گی چہ بدت کہ ہو گراکہ کے مادالانوں میں کا اللہ ایک اور اور ان الاس اس سات وزائل کا است کا استوال کے اگر اور وہ الانوں میں الانوں وہ الاس عمل اللہ المقدید جا (۲۰) کی کا است کا افغان الانواز کی اس کے اسکاری کا ایک کی کا کہ مدید کا کا سات کا کا استان کا دیکا کہا ہے۔

و الآل عود باید برد برد کرد الگر الاس می است کار الاس برد ساند و ایران ا مهرو کارو در انتران ایران برد سام می خود است شد از استران مود برد است

ا موره کانون باینزی آینده سنده اصفه به شده میدشد کن سکنمکس می این سکنمکس میشود به سده منطق مورم ای وادندا مرستان برگیریو «هدر نساندان اینکی» و بهدر (۲۰ سر) از ژبی جده دادا وقف عند و سواند می عفل اهدی هاشه واقد سدن ۱۳۳۵ کش سده مواس همی ہ واقعی محتاق سے کن میکن انتخاب کے اعظیہ شاہدی بادری ہودی ہے اور سے مواف سے مطال یہ کہا ہم اسمان سے مسلم ماہر میں وقتیم سے طابق وار میں عددہ المنہاء کے متاباہ کا ہے کہ تصویل سے مطالح کیا کی وجہ

المساعلية المساعلية المساعلية في سيده المساعلية في المساعلية المساعلية

باختر واعمان ر من ناسد ان عدش علی ن اللی سد مید سد به دوانشده و سد اللی سک بعد حدال ن مناه انتراک میزان شدنی شرک می سد میده تب سد عدد تراک کی الماک

ار ما المساول المحافظ المساول المساول

MBr	-6279-24-15-15-15-15-15-15-15-15-15-15-15-15-15-
	حواثى
(0	en-dinor-work-time
(r)	والي الإله . الشد الله من الرام الى أكاليب والله ي 4 ص 4
٠,	worlder - Band water out a
10	-24 May 23 2 274 3100
(a)	was it in the first the world to be the
•	and the out was a promise of a comment of the same
4.1	a should explain the the way beautiful a
	with the said of the said
(A)	me deployed spellings
(1)	and a complete the sour the file - and brown
(11)	84.2 °S, A)
Ę ()	1000 7000 1280
(11)	١١٥٠ د الى سياحلتي لهادر معلمان على مدير والمنظل المواهدال د الى سيد تبال المنظم عي
	-2026
10"	صف ۱۵۰۰ رکنی ۱ داهی حرادای
(e)	PLALAN
(10)	69-91 3/19-55
(H)	542
1.00	and head for me a grant year
19,3	Selection of the contract of the contract of
(4)	A *w {
(Pe)	man 32 was on the sent of the
(m)	est,/A
(11)	P. P. J.

-(22)-april (() () 3-20	P.E.
# 8 24 3 2 28 28 18 18 20 - 2818	(~)
450000000000000000000000000000000000000	
**************************************	(19)
الواقي الخرارات المراق المسترية	(+4)
Committee to her	1,
a without a seco	
and Strategical register and do (4)	
~ 1880 may 16 may - 2 m 1 m 18 (18 cm 1 x 2) 20	
mark.	1%
mayor shi sing man their	(14)
2472 " p ²⁷	(n)
the second was	m)
erest of	674
4.84.36.	(177)
wager of Line - U. Strike is a	(m)

toobaa-elibrary.blogspot.com

423+ april (1,50) 2 mgs

lett.

احكام القرآن مفتى عبدالشكورتر ندى - تعارف ومنج

12401

مفتى عبدالتكورتريدى كاخانداني يسمنظر

ال الديمة التي والتي وقد لك المداخل والتي كلمون في الدي و دوجه براست 1940 و المواج والمح المواج المواج المداخل المواج والمداخل المواج المواج المواج المواج المواج والمداخل المواج المواج والمواج والمواج المواج المواج المواج والمواج والمواج والمواج والمواج والمواج المواج المو

علق دیدانگذرندگان کا دورت این جیر مرش ادون به سدخ باید نکی ورد جدار بعد است میداند. بدون ۱۳۳۳ رایدانی آب که ناز گزشد بدر " مواهند تا بدارد دارانی تکی کلین کار واژه به واژه کشب چای سبد بدرای که بدر بدر آب که ای و بدر شاهند مه کل بدرگ آب که این تکی به آخواب این آب کل سد آب که آن دادند ۱۳۳۳ میلان بدرانی

نفيهم وقربيت

ارود ماری راحظ آل کر کیانگری آر کشف اور دیگانی کی انتیاق کسید کی تکس کا بعد سیاطی و دود حدید قرابط سال کے باز در اعظام اور برانگریسد شاک کا ادارہ ۳۰ اعلی میز روائٹ کا انداز کی اعداق اور وکھ اعداق و کر م سند کھی جیسے اور کی گرون کی مواد ساتھی ہی کی کی ساتھ کے ہیں۔ اس اس ساتھی کے بیان انتخاب

بيست وخلافت

" ہے ۔ بھی ہی ہے ہوں ہو اس کی فاہوں سے میں کا فرون میاس کر نے فائد اور حمل کر نے فائد اور حمل کے فلف میں ''اق ''ان مرکز کا مرکزی کے ماہوں کے ساتھ کی فی کا کہا کہ اس اور اس بوار بھی اور میکل سے کسی کھا کہ کہ بر و مدت میں کس کے اس کہ سروی کے ساتھ کی فی کے ماہ ہے ہے کہا تھا کہ اور اس کے اگر سے کسی کے میں میں کا انتخا جدور کر رہے کہ سروی رکا کہ ہے ہے کہا ہی سے میں ماہور کے الکافائی سے دیستا کر فیصل کو کہا کہ ہے کہا گا

جامعه حقاتيه كالأس منظر

ر من می این به هم می برداری هم وارد که هم وارد به من می این مورد هم وارد به می می در در شده هم و به در به می م می این مورد به می این می در این می این می در این می این می ای می این می ای می این می

یہ ای مر الدون سوق سے ان میں او بد اس مادون ما ان الدون ا 19 11 مرا الدون الدون

مگر نگوروز میں جو کی اور موانا نے تھرے اند حرق کے مطوع سے شاہ آیا کے ''رور سرتانیے'' کے بام پر می سرکامان ''ور سرتانیے'' لکا آگیا ہ

حقر من الله من المراجع الله من عقد بكامات عالى في دخول المؤم الناس عن براي مده. ومد موام المراجع كما ان إما المراجع كليد من كما كما الله المواجع المواجع المواجع المواجع المواجع المواجع الموا سياكي المواجع المواجع المواجع المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة ولكم المراجعة كما المواجعة ا

ما المساور الم المساور موادوات المساور المساور

> تابیفات احکام القرآن کا تاریخی ارتقاء عرب وجم میں احکام القرآن کی کاوشیں

المن المساوية المساو

سالک اربیہ کے دور پی فتبی تغییر

با لله او اور سے دور می سیمی طبیر جس مطاور عی سے سے سے سال دواوت عمور یہ ریوستہ درون کا ال حقد عی کی تحقیقات عمی مرحة ند

الى يكاثر جرابر ، م يرقر آن وصف كر يسل وقوص كى دائل عرول كر ديكانت معيد فردات و روه ب كرون وست عدمته احول وقواعد ش اختوف كي وجد عدماكل شريكي احدف و تع بواديكن ال خال ك دورون الرحزات شيء كي المت واحزام بحد دود قد في كدام شاك الم إل طيف مدر فرائے ہیں کہ سر ب ہو العام ہو سیدا ہے۔ اگر کا کا سندش ایام یہ کان ہیں۔ ان مثالی سے ڈ رور ہری الروں کے الروس فرور عدد فاعد ید سے (الی) اب کے

1 15 247 = 17 6 No roller 41 80 rol 1/20 1 1 5 8 in sen & 1. اء د کا فیعدیت مسالت فسعد ساعب سی (یکی)جب صریف تیون کادگرکیج سے قو وم مالک ورفشوہ مثارہ ہی۔ ایس و کرام نے ورواروں نے ایک اسرے بافقہ جن کا باسعد فروع کی کر حل ش اسر سے

رہ چرددہ اور ویری نیج اور کرمستی تنصب میں عاشکہ بدمعت سے مظامدین کی ای کی فیل RE day Jed 36 01 22 12 12 12 10 1 10 2 2 16 200 المات ادكام الرآل شى ما مورع تي موسومات ، وق كي جال بيد جس كي طرف منى المرقق مال علي المليم

ئے ان الفاظ ہے اللاء قرالا ہے۔ (١)وو حكام وأو تي جومالص الله ت القوق ب حقيل عيد حيين القدرالذالا على ترافعي عبدال - Chev

- 1 2 / 1/2 2 200 p Jo 3 2 - 3 2 - 3 2 2 1/1 1/2 1/2 1/2 1. I also a a a fill of a series a series of 18,000 (10)

تغيري مناجح

ان شی آور و وال - کرام سیده الی ش الی حالب اورسیده البدالة این عماس علی التر التحری می دید وت اس لئے إركاني مروري ي كرورة م يمياني تمير ك ين رخانت عراس يب الق اوقات عن سائع من الدي ے کی سفوب کے بارے بھی بر تعور کر بادرست میں بھا کہ وہ می پر کرانا ہے مودی ان روابوت کے انساس سے プロコロウン 前上アノティンションションションションションション

ے قرآن گئیں نے بارسے منگ عومائل طور ہاں گئی۔ کام کے تحریق آفال واقتیادی بھروہ میں۔ خام واقع ایک کی سے بڑی تھوائل کا بھی سا استفادہ کیاں ان یک سے انعم نے عمر شاہد نشدی میں اواول میں ان کے اللہ بھی مشہور چھامت تھیں۔ بریمائی اداران مناکم برگ رکھائے میں کے واقع ان کے انتخاب کی میں بھی ہے۔ ان کے انتخاب کے اس بریمائی اداران مناکم برگ رکھائے میں کہ انتخاب کی انتخاب کی میں بھی ہے۔

تھ وہ بہت بڑی سے بھی سے حالی ہو ہے کہ وہ اور پر مورہ میر تھیر کر روایت ہو ہو ہو گئی۔ بہ بھی او تھی ہو رہا کہ میکن کئی سے کہ آ آ ایل بچون کھی بھی ال کے زائد بات ہے اور سے اس سے کہ حسید کلے ''میل آ کر کہا کم کاند سے کا کے سے ان افاقات ہے اور اسے ان کے بیسید بھی 'میان وہ سے دیکن ہوا ہوں۔

ما ما المراجع من المراجع المر

جاده تا برای کای گویگری و معتادی تجمید به ما برای هم مدخل کرد برای مدخل کار به با بدود ال دارد به ماده کل جه به بود توک که این مواد کار کار داده کار سب به با باید به قال مهای تجمیدی دورا توک در در سود ا در داده از گرفت که خاطری کار بیان و افزای سر به بری مدکل کرد به بری مدد و دهدی به دوک به مواد کار داده بود از تا ب به سر کرد را بیان مواد داده کار کی توک سال می از این مواد کار کار داده که که این مواد کار کی

للتي الله سير كا تاريخي اللهار مع محقر جائزه اله مجد دا حكام الله آن بي بن آدم من سيمان (م ٢٠٠٣هـ) م

۵ احتکام اللو آن . فیج ایر کسن فی تن مجرانسدی (مهمهم) در ا ۱ - احتکام اللو آن ، کافقه ایر فرنس تر محرین ایر العزیز ، الوی انعرو العرو البعیری (م ۱۳۳۹ه)

سه معلم و مدن الموجه و الموجه و الموجه الموجه الموجه الموجه الموجه الموجه و الموجه الموجه و الموجه و

رور ساختی الاصفود الموادق فرون الموادق المتوادق الموادق الموادق الموادق الموادق الموادق الموادق الموادق الموادق 11 سر متحكام المقول أن ماذوان من البيان الموادق الموادق الموادق الموادق الموادق الموادق الموادق الموادق الموادق 2 سر متحكم الحقول أن أن تمام الموادق الموادق

20 رصحته با علق زی را مهر به ما می مداراند می در این است هدی . ۲-۱ ساوه مد از حکماه اغفر آن از میراندگاری کردن ایل گردان هدری اخرانی افزایش افزار کی (۲۰۷ هـ ۳۳۸ و ۳۳ م ۲-۱ مغفو ما فوجه و فی احتکام افزایک این ایران ایران ایران می ادری ایران می شدن ایران ساختی استین (۲۰۷۰ ۲۵ می

7

re (+0+54)

۱۸. ملليون الإمكام اللو آن برنال الذي كودي الارام وي اين السواع القوى على (م ٢ عام) منع 14. ملينيس الإمكام اللواق التي تعالى الدي كودين الإملاق عن السروع القوى ألمي

(م ۵۵۰) _ ۱۳۹ ۱۰ رضوح الصعسدهان آباد شميل تا ابوائيم كي (م) هم تقوي بجري) _ _ ۱۳۹ ۱۱ رئيسيو الميال الاستنكام الكو آل «شال الدين أورات تقوي بجري) _ _ ۱۳۹

الم التمرات الباتمه و الإحكام الواضحه القاطعة في الدين يرحم عن الدادل في يري (١٩٣٧هـ) العراق

۳۳ را کا کلول هی استنباط التوباق اعتار باز کار در این فیدار آمی در ایر آندگی (اترا که ۵) ۲۳ ۳۲ - کلوا ایمو فالی هی هده التو آن از ایر باز انتران ایران ایران ایران ایران ایران کران اکتری (ایران کار انتران ایران از ۱۵ م ۲۲ - ۱۵ می ۲۵ می ۲۲ می

20 مسابق العوام درج آیات (الاستکام آئدی کئیری) قام (میکیاری کارگر). پرمیشم یک دو پیشنگ از کام الحرآک کی کاهیش ۲۱ سالفیسسوات الاسعدید فلی بیمان انجاب الشوعیات فجاه ایرین الحاسیدانسانی (ایطموی (۱۳۰۳)

عام مفلسود (بادن الإصناعية - في العربي مكي من إلى المراق (1979) من به من المستقد المستقد الإصناعية في المستقد ا مهمة الصفود الإنتاجية في الصدود (بادن "حسكان الإنتاجية" المؤكدة (1974) من به من المستقد (1974) من به من المستقد المنافعة المنافعة المستقدمة المواقعة المستقدمة المنافعة ا

"ميمل المعرام في تصميع آيات الأحكاب بريماد كي "س بن اواز ز"ن " مكي التوكّر (م ١٣٠٤ _ 16 _ 26. 17. نصيبو آيات الإحكام - بريما او برال _ ١٣٠

٣٣٠ احكاه الله ان مولانا الشرف على بن عبدائق القانوي (علاستقراحه عني منتي موشفع عناني مفتي مميل الارتفالوي بدواد تام درس كا فرصوى بفتى سيرعبدالكورترس ما ١٨٠ ٥٠٠ ١٥٠

الماروالع البيان تصبير آيات الاحكام من القرآن الله تحافى السايرنى _ يتغير الاساع يل عمل بولى ٢٥٠ - احتكام الفر أن الوكرين فواز مندار ٢٠٠ - احتكام الفر أن الوقراس جيرين فأصب الم والله الله الله المراكب المراكب المراكب المكام القو أن الهرين مندل

۳۵ کتاب احکام اللہ آن کی بروست این ممال س ٥٥ كتاب احكام القر آن والأوكن في-الدكتاب الايضاح عن احكام القر أن إ

احكام القرآن مفتى عبدالشكورتر ندى كالتعارف ومنج

ے ایک نہارے ایم تصنیف ہے جس کی تشغیل کی گھرے معزے موانا انٹرنسانی تشاقری کی تھی ماس جھان کی صورت ہے جوئی کرتشرید ، 100 مدیش دارالعلم داورتدش ہے گاریز بوٹی کر جس طرح مدیدے کی اہم سالان کا وورد ا کے مال شد برحاماتا ہے ای طرح دورالخیر کے نام سے تغییر کی ایم ایک مال شد برحائی جار ہے ادرساتھ کی جمر اول کر دورہ کھیری اقتاع دعرت قالی سے کرایات اس کی درخواست کیند وی اند سے حضرات كايرها وكا أيك وقد بل كيدامير صورة حسين احمد مد أن تقير حضرت ففادي كي خدصت بين فقوت يجون " إ اوردر وتغير كانساب مثوره سي في يجاح جوار

دور وتعبير كانصاب اورجويز ولأل القرآ ك

دوره تشيير كانصاب وري بيضاوي كاش انت كالركاش جوع بهوا يؤكل ال وولو ستنميرول سير مصطبي اور واليمن ے بھی دونوں مصنف شالعی صنف ہے تھٹی رکھتے ہیں اس لئے تشمیر دادک کا عصاب بھی اشا درکا تذکرہ ہوا کہ تک اس سے معنف عامد ایمام کا تا معی حتی جی ، سواہ چھٹرف الی تھائوی نے قرمایا ایکی آ بیت بہت کم جی جن کی تخير عي ائد كا المنظوف ب اس لئ اس فرض كرواسط يوري تخير ها دك يرحاب كى يجائ اكران آوت كا ا تقاب با علومات تر بهتر بوگارسید حترات نے اس تجربے کو پیندفر بایا اور مولانا اشرف کل فغانوی نے اس مجارہ

همیش بشکام کان آن دفت آدادی انداز انداز انداز سی مسدی اندساز " نجرح اردیده کرداید بداری مدیدی به کام انتجاب "رحت کاند برسانتر انتران کی مال رکان کارد انتران کارداز کارداز کارداز انداز کارداز با بداری دادید به در ایردان دادید از انتزاز انداز انداز انداز انتخاب انتخاب انتخاب انتخاب کارداز کارداز کارداز انتخاب کارداز کارداز انتخاب ایران از انتخاب انداز انداز انداز انتخاب انتخاب انتخاب کارداز کارداز کارداز کارداز کارداز کارداز کارداز کارداز

المن البيرية المن المن المن المنظمة المؤافرة المنظمة المن المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المن والمن المن المنظمة الم والمنظمة المنظمة والمنظمة المنظمة المنظ

سوائح عمد مواا نا الرف على في يوى كروال المالطرادس

المحمد المحافظة المواقعة المؤرات المواقعة في مواقعة المحافظة المواقعة المواقعة المواقعة المواقعة المحافظة المح

مادرہوئے والے فل کومیاف قربا کھی ہی

منهج واسلوب

در سازه با من موادد سده یا بدون می برای بود از در ایجام به این موادد به موادد میداند سده با این موادد در سدگی در این موادد به این در این موادد به این در این موادد به این مواد به این موادد به این موادد به این موادد به این موادد به این مواد به این موادد به این موادد به این موادد به این موادد به این مواد به این موادد به این موادد به این موادد به این موادد به این مواد به این موادد به این موادد به این موادد به این موادد به این مواد به این موادد به این موادد به این موادد به این موادد به این مواد به این موادد به این موادد به این موادد به این موادد به این مواد به این موادد به این موادد به این موادد به این موادد به این مواد به این موادد به این موادد به این موادد به این موادد به این مواد به این موادد به این موادد به این موادد به این موادد به این مواد به این موادد به این موادد به این موادد به این موادد به این مواد به این موادد به این موادد به این موادد به این موادد به این مواد به این موادد به این موادد به این موادد به این موادد به این مواد به این موادد به این موادد به این موادد به این موادد به این مواد به این موادد به این موادد به این موادد به این موادد به این مواد

مالی به این این این این به این این به این به این به این به ای مالی به این به این به این به این به این این به این ب

تایف ا کام القرآن عی معرت تعالوی کے اہم اصول

مهم الأدارة المساعدة المعادلة ومعادلة المعادلة ومعادلة المعادلة ا

هد الصوير المساول الم

ن سال کا میں است و سے اندیسی کی اور اندیسی کی اور اندیسی میں اندیسی کی اندیسی کی اندین کا اندیسی کی اندین کی ا شاخت کا انتقاع انداد اندیا ہے اور بینی کی اور اندیسی کا انتقاع کی اندیسی کا انتقاع کی اندیسی کی اندین کی اندین معمول الدل مورد کا اگر اندیسی کی اندین کی اندیسی کی اندین کی اندیسی کی اندین کی اندین کی اندین کی اندین کو اندی

كيل هدعتن مورة آل توق كل الدوبة في أو المؤال المقترم الانتخاصة مورة آل توق كل الدوبة في أو المرابعة المقترم المقترمة مورة الشارة منافزة الموتارة المؤال المستقدة منافزة المؤالم المستقدة منافذة المستقدة المستقدة

בייני לייניין אין בייניין אין בייניין בייניין אין בייניין בייניין בייניין אין בייניין בייניין אין בייניין בייני בייניין ביינייין בייניין ביינייין בייניין בייניין בייניין בייניין בייניין בייניין בייניין בייניין בייניין בי

יילק ליילי איין בארי לייני לייני לייני לייני אייני אייני לייני אייני לייני לייני לייני אייני לייני אייני לייני "לייניים" במומפילים לייני לייני אייני במומפילים לייני לייני אייני אייני אייני אייני או מומפילים לייני לייני אייני אי

على شاخرا (عما المؤدول) سايده القريدي والدي من سيسمل به من القريدي والدي المداول المداول المؤدول المؤدول المؤد على حالي المؤدول المؤد المؤدول المؤدو

به کدرگاری سید می حد صدر ایجاد که بهداشته فرده کردید می بدند کان بازگردی در در ایران که به فرده کردی مورسته می معرف در شد سد ناقیای سده کرد را به ساز موانگر آری سه کان بدن بازگردی برای بازگردی می می مورسته ایران می مورسته ایران در انتقال شاو کرد در مانام مواکن در مانام مواکن موانگردی

سال مودهدو از ذول می مشاهد نود کاراست چی معزیده الدست به که معزیده الدست به که برده که مهدت منط مهدت های اگر که معزید خان کی خواصل که معزید هم برگرای این آوران می اکن اگر دارش معددید معااندگی و اکن آخر انجرانی کمی محزی دهای فراست بیزید که مراحضد بدو هم دارش سک ما آدامش سد ای محقار کارانی منگل در برگزار معدد سده کهایش روید بیزید که

عملها حکام القرآن سورهٔ ق تاوالتاس معهد قد جدوده برورهٔ ق تاوالتاس

سمار آن مین از بیشته از گسته با در این با در این با در این در بیشته با بیشته بی کارد این با انتقاع مین استان می در این با آن که بیشته بیشته از این بیشته بیشت در این با در این بیشته بیشت در این بیشته بیشت

عمله احكام القرآن مفتى عبدالشكورتر ندى كا تاليني دورايك نظر ش

در المحافظة المستوالية الاستواطلة المستواطة المستوطة المستواطة المستواطة المستواطة المستواطة المستواطة المستواطة ال

غيرمطبوت كلمداحكام القرآ ل للترندي

ا القام الأوج المواقع المساول المستودة المواقع المستودة على الاطلاع بيدائها أو المستودة المواقع المدارك المالا في الاصلاع المواقع المستودة المستودة المواقع المستودة المستودة المستودة المستودة المستودة المستودة المستودة ال والمستودة المستودة المس

ملی مودانگر برندگر کردسته یک در اک ایسانگر ایران کردگر بیان و حصوب هرا را ایران میداند. این که کار بدند سالر این کالم نکسته و ما که او ایران کار کار ایران که در حصوب سالری بیدان کرد برای کالم در آنها در ماه کار کاروری مودان که منافق برندگر میدان که آزاد برای ما در کار کار ایسانگر ایران میداند. ایران که در ایرا در ماه کار در مودان مودان منافق برندگر میدانگر و کاری که چشود میداند. به نام در ایران میداند.

ا كام اعرآن كى الواع

د کورمیر زشلی نے صور العد الاسلامی می آرآن کے اطام کورٹ الی جداوائ می تصبیح بہت احکام احتقاد میں دو کام جن کا ملک کر مقدر کرنا خروری ہے تھے المنتوانی الاکٹران میں رسول اور آخرے۔

ا نکام خلقیہ دو ا کام تر کے جدے ملف برخروری ب کرصال سے فورد آ رات دوروال سے ان اللہ

ا مظام عملیہ وہ احکام علی افغان اقبال متعالی معالمات اور تعرفات سے ب جو منظف سے صاور ہوتے ہیں اور بارکام انتشاع آن ب اور بنگار اموال انتشاع علی مشاعد بھانی ہے اس کی دہشمیں ہیں (۱) مواد شد (۲)

معالمات كي درج ذيل ستقروعات ين

() اعوال الله يك اعلام عن كا تفتى خالدان عديد إندادة أراث عدة كريون يدى ادر والدوادون کے تعلقات استور رہی ۔(۱ اورام مرد بن کا تفتی اور کی کے مطاعت اور ای دار کے یہ مثل أوالى وارى والرى والرفي كاوالية والرفي كالتف كاروياء عن الشواك والصار معاد والد الدوافي وراك ي تفودو كرر ك مان تفقات أو على ركدا ورص حيد ال عراق في عاقت عد (٣) وكام بنات بن النفل مكلف سے صور يونے والے برائم اوران مراكال سے جن كا محر مستحق بوكا ہے وراس سے متصور وكور ك ر على و موال ، و قرر اور حق قر ك عادم عدد من و يدي يدي سيد ك يور ادر و قر ما كر المالي كي تحديد متعود دوتي سيد (٤) مراحدت درجا يات دريا إن مديديان أي كالتكام ال التعلق اليعد، شهورت اورشم وفيرو ے اور ان کا متعدد کرے علی اول قائم رکھنا ہے۔ (۵) انکام دستوریہ جن کا تعلق اللام حکومت وراس کے امول سے اور ال کامتعدم کم بور گوم کے تعلق کی مدیدی اور افراد وسعائم سے کے حقوق کی باتی ہوتی ہے (٢) وكام دويد جن كالمعلق المعامير كالدوم في محلق م كما تعاصات عديد عام كالون دول ب-١١٠ جن كالمتل مكت مااس عى رب وال فيرسلهور س موادود خاص كالور ووق ب- اوران كاستعماع ورازا في ے القرر سے ملکت عمام کا دوری مفکول کے ماتھ اور دولت امنام یک معمالی کے فرمسلوں سے مالی علق كى تحديد كرياب _ (ع) الا مكام التصاديد و عاليد جى كالتعلق الراء ك عالى حقوق ، لتزال عد ماليد عقوق مكلك ماس کے واجہت اور حرات کی چکیوں کوسٹھ کرتا عراس کے وقوا جات ہے ہوں اس سے مقصور فتر ، واصاء اور ممکنت وافر او ک وال الفاقات كا ستوارك ب اور واك فوامد اوريامد وولوس كو شاف ب الله الله كال اور دوہا کے داخال محرائر فارش کی کافریاے تھے والا علی سرائ کی اموال کے زائد مدائے، منتى وقرض اور فالحافى احوالي بي فقات موراك وميتي ماورافروي موال بي تي رب، الورواور فركور ك مناع اور فقد ويومور كي وجرو كامهاب واوم القبات الدين كارات ويتى مورور يرم

اصولی مسائل (۱) قواند فعبیه (۲) مسائل کلامید

تواعد فلید اس کے ثبت سنتی صاحب نے جھل تواند فلید کا استفاد قربنا ہے تاہیے سورة الله م کی آیت أمره ما "والاستواليين يدعن مر دور الله ورسيو الله عدوممير عدر ك قت مدور كع ك تھم کا استر درووے اورایک قادر والیہ بہلی ذکرفر بالا کر مفاسد کی ویدے رک مصلحت کاراع ہوتی ہے۔ سے طامہ این کثیر کے حوالے سے فریاتے جس کہ رسوں القد صلی الشدید وسم نے فرمیو کہ حرف اے اب والدین کوس و جم کیاد و مدون ہے ، تو سحا د نے بع جمایا رسول اللہ کو کی محص کے است والدين كوك كلونة كرسكا _ _ _ _ ارشار ما كر و كوك رو كوكس ك والدكوكال د _ كالود دوسرافیص اس کے والد کو اس کال وے کالیہ اس کی مال کو کال وے اور شیعی میں اس کی مال کو کالی وے گارمعوم مواکد کی میاح کام کی مصبحت کومعامدکی وجد ے ترک کردینا ہے ہے۔ ای طرع جب امر بامعروف وتي عن المنظر ي كسي السادكا خوف بوتواس كاو جوب ساقط بوب تاييد - ايك مستلد يديعي معدم يو كر بد كوفى طاعت معميت كي طرف ساء عائد الواس كا محور وياوارد عدا الك اصور يہ اس معموم مواك منت كورهت ك اقترال كى ويد ي وك فيل كيان ك كالقرائل وال نوحہ کرنے وائیوں کی ویہ سندتر ک میں کیا جائے گا کیونکہ اس بیں انگلام میں قلل آئے گا البت توجہ كرتے واليوں كو جركيا مائے كا يكن واليد على اليوانعب كى وور سے مامرند موج ب تز ب ايسے فى قبرستان میں ماضری اس وجد سند ترک فیل کی جائے گی کہ وہاں مردو مدت محلوط عوست میں باکسال بديات كـ زاله الحيروك حي الوسع كاشش كي مائي كي-

معتى عبدا الكورتر ندى صاحب كي تحقيق

الموان حاصية بالإسلام الدول المساول المساول الدول المدينة الموانية والمهام المرافعة المساول المدينة الموانية ا والمدينة المدينة المدي والمدينة المدينة المدين

انجام دینے دائے کیلے معیت سے مراہوۃ شرط کا ہے۔ مسائل کا میر سفتی صاحب نے آن جیال کو آجہ سے کی باقل فرڈ کی تر دیدوری ہوتو اس کی می

 $\frac{1}{2} \int_{0}^{\infty} dx \int_{0}^{\infty$

مویت (۹)مشترقین (۲۰) مان صونو . حکام القرآن صفتی عبدالشکورتر ندی کانتمبری اسلوب

ال للمس بحد المتابعة الإسلام وقد يشترك في استهد سنة مواقعة السنة بين المثال وأوكا أي بجدر برعى المدينة المستوا سنة الوكان كان الموافقة المستوان المنظمة المستوان الم

همرف مؤارک به دوسته همیزی کی بین ترکی بهایته «هنون» هی صاحب بسد اس احتدی کی تروید نکی اکاریوا داران سدن وازگراهند کی تحقیقات واکی فرد کی واقع کاهاد "انجهید کل احقاد" می مکان واقعال کا کیا شیاست "عرب دو یک ادرود بد منطق کم ترکیک تروید ترویز فرخش هم شکل انداد بدوم افز ورد کر و بد

" است عزاد کی الدوست ها با سکت کار کنداری به دارگذاری بید ما کنوب کارگزاری کارد بستان به این اور ایران می میشو دادهای چه از موجود می اوران و دادهای به دادهای بید می کنوب کار سال می میشود. و ایران با دادهای دادهای دادهای به دادهای بید از میدان با در می ایران با در می میشود. ایران با در میشود از می م و است کار دارش و ایران با در می کنوب کار میکند و ایران میکند و ایران کار میشود کار دادهای میشود.

مجی متن ل فرمان عنوت ملتی ها حب مدیری خاکر کا هلتی جواب و کرفرها تے جی

"ركية كرديد موروى واب موكرت و في كامر ب الي يوى كريت كرفي واب الداك ألى براس وديث 5.3.1.1.1. n. . m. 20. X.S. 2000 and 8. 3 and 2. n. . m. 20. X.S. صريت بدالة العلى جوازر داوات كرفى يريك يوطعه مسجد كرد يرمسجداد مقدم عد الله قرارياني عادور ماجركي فعيت ى قرع دريصيت دادني كماته الدائريف عي موجود عدال على وو معدر من جوجاب رسول مشصى التدايد والم كر احداد مراكر أص كا او عدا عدال الاحدال المنس ب يها ب فك كركم والراد او كرى ي يحى الحال ي وينا لي القيات الى اس كي تصريح فريالي يه اور جب فعنيت خاصه 5. "x 5" - L - in - 12 5 m se Sa Jag 12 5" - 3 of 2 of 2 of 2 and الرقوز كريد ملتى مدهد الكارك فليقى مقالات كالوال وسية جري وريد على الرمنادك المرت صرب عج العلى وحترت موانا رشيدا مر كترى أقد سروف الية رسال" وبلة المساسك" كاصل" رودك ه يد موره" على فرمانى عدا يدور والتي الدي المع الله يعزاى يحث على الدي في الشائع موالم المحق صد الدي واول لدَّن اواكا من مال المحسو المقال عن شوح حديث الاستدافوحال" كال بديا في او يكاب " على كالمحل قامري ي كاستى ستى سنى سرك صلى علايات والله عديث على مستى مداجد بيدوي كاستى مديد موری مقدر دوابور یا یوک یک جی آوید ب دار طرح صدید کی عهدت مور برگ "الاشدو الوحال الی مسبعد لا الى دلالة مساجد على الريال حديد سدديات أوسك منذ سد فرو في الالادرون قور تصوصاً رومة اخرى زورت كا التيب باقى دي كا" - يحرة فريس سارى محث كاعدم (كرفرات فيل كد * اوملیاطف کی زیرے ہے تھی میاہ میں واس میں آھی اور میں توک کی طرف سوکر ہما تر ہے البت اس اج مل میں کے اختاا کے ساتھ اور تین مساحد کے علاوہ کی طرف سوکرنا جا کولیس سے اور د کی وہ میاوی افرانس فیصے طلب علم وتجارت وفيره كيك مر جائز ب الدوائل حديث سد وارت تيورك مماضت بركر دارت ليس مولى المساح

نگایی جائزہ فام افزار معیانی کا گا واسلوب چاک شفروادریت جائے ہاس کی افزاد یا اورج معیت

کان از آگرے کیے چین کارنگام افزا آل کے موسول پار مدن اور پارستان کے مائد ہوان ہیں ہائے۔ کانگام اور کانگام کے موالا کارنگام کا موالا اور کارنگام کا موالا کارنگام کا موالا کیا کہ موالا کارنگام کا موال واقع بدائر کارنگام کار پر مائز کارنگام کارنگام

ر گوه مند که کتب خاند هی موجود به ست نی گئی ادران کا قاتل موقد موده تا هم ادر بی کاند حوی کے جائید کرده حد ست کی که تا کرد بیکی مصور بردید سک کشانی مورد لکھر ترزی کی سرواند کار از دی کاند حوال کے بیش منافر قدر می کانکرد مالان بیکر کانکان انداز ارا

ے حکام انقرآ ں ملتی عمدالشکورتر ندی استاد الاصدار الاحد الاحد الدورتر ندی

ا الله و المرافق المر

و انع الدان فی تفسیر آنها و الاستخابه المتعابی کرنی تیم کرنی این می کرنی این می کرنی این می کرنی این می کرنی ا انکام افراز آن می تواند این این می کرد اور دیگر را برخار کرنی اور این استخداس کرد این دارد کا حاصل بر داند این برخار بیران می افزار این می کرد این می کند این می کرد این می

د کار فاح اظراک کے اوالہ سے اٹابعات بی افتاح ہے سے منتقق آیا ہے کہ ایر ایک وہ آلا ہے۔ ترک کے کا اجرائی کی بروسان فاعلی ہے شنتی آئے ہے کہ پر کا بھی تھی اور الکی الحق المسابق المسابق المسابق کے الدی منتقد کا تیرین کی ساتھ اسدائی سے چھرکان کے منت سے گل قرائی کرا ہے ہے کہ اللہ المسابق کے الدیکا ہے سے کا مسابق ک منتقد کی تحتیج کے صفح بھی کائی ساتھ میں مسابق کے ساتھ کے اللہ کے اللہ کے اللہ کے اللہ کا اللہ کا اللہ کا اللہ

toobaa-elibrary.blogspot.com

ا حکام القرآن ، مول نامحرادر میں کا تدحلوی اور تخمله انتقام القرآن ، مفتی عمیدانشکور ترفد کی این سرز بود کی تاری طون آبات کے تونہ سرآل سعید کی قداد کا نشانی مائزہ ذل شد موں ہے کہ

ريام احراق ن الحريدي عي سياك سعيد كي تعدود (١٩١) البار الاقام القرآن الكاره الوي عن (١١١) ي-

احکام اطرآن لعزمدی کادیگراجزات نقائل

من الموافقة وقد في تناصيب أن العراقة الموافقة إلى من الموافقة الموافقة الموافقة الموافقة الموافقة الموافقة الم كامر المدون الموافقة هذا إلى الموافقة المواف

ملتی مد حدیث دیگرموالی کا طرح بھٹی مس کی میں قام اقتی در اوم کے دوائی اکر فریائے ہیں جیکے موانا کا گھر۔ دوری کا پر طوع موجد سواجد کے دوائی او کرکڑنے پر اکتوا فریاتے ہیں۔

ا دکام القرآل ، مفتی عبدالشکورتر ندی کے مصاور ومراجع

هم التي بالهوار قدل ... وقاع مي المؤاق كل يطاحه التي قرآن ما أيراكم المي العدود العالم التي المثل المواقع الم والمواقع المواقع المواق ولك في المواقع ولك في المواقع الم

کتب طریختیم به طرحه بری بطرخته را مهاد الرجال به اصول حدیدی به طرقه ا داری بیخ رکام به هم تصوف - سرحت دسترند

خلاصر بخثث

ان الإنجاز المساق الإنجاز المتحافظة القرائد أن إلا الإنجاز عالى مد سه كالمهادد على مد سه كالمهادد على مد سه كالمهادد المدائد المساق المتحافظة الم

ا الفام الآثاري التي فيدالكوري كان المساورة عن على الاثارية المساورة الما يقد الموسان المام وأواني كوام كل الم الموام المدارية الموام المساورة الموام الموام كل الموام الموام كل الموام كل الموام كل الموام كل الموام كل المو العربية ما يعدن الموام كل الموام الموام كل الموام ك العربية كان الموام كل الموام كل

مصادرومراجع إبت مفتى عبدالتكورترندى كاخانداني يس منظر یته کر ده ملتی عمد اکتریم محصوی (تخطوطه)مفتی عبدالقدوی زیدی ، حامد نخط سرسا پوال مر کودهه می ال ٣- حيات تريدي مفتى عبد القدوس ترلدي، جامد مقانيه ما يوال مركودها من ١٣-

ار یژ کرد شکتی حداقتری محلوی (علوط) جامد هاب ما بیمال مرکوهای ۱۲۹، ۲۷ در کات ملی عبداللدوی -1617 1.12000

٣ - تخلر حدرت الملتي عبدا تقدوس تروى على البرية كروستني تبدا أكريم كمنها كالا محلوظ) جامعه الخاندس يبو سامر كودها ، ص سام مطلسا الحقاليد وينام معتى عبد الكريم فير التيزنا وميرسه ٢٠٥٥ ما ١٥ تا ١٥ تا ر ملی تذکر اصلی عدا تکریم کشوندی (مخطوط) می ۲۰۰۱ ۲۰۱۰ تا نید میجاند. اعلی عبدانگریم امر بهتر تا نوم ر ۲۰۰۰ و

-rubru f A - باک و برند کے تا مور طاورت کی مودی اکبر شاہ مقاری مادارو اسل میاری کا جورہ ۲۰۰۲ و دمل ۱۲۰-9 را محال من ما منام منتقى عيد الكريم عمر التريم المريم عمر الكريم عمر الكريم المريم المريم المريم -السدكروسلتي عبدالكريم تمتحلوى (كفوط) رح ١٣٠٠ والحقال بايامدسلتي عبدالكري تبر بتيرنا فومبر ١٠٠٥ وعي ١١٠ الما كات منتي عبدالتدون ترقدي ۱۲ سرین ت تردی د ملی عبدالقدوی تردی ، مهامسرهای سرا بروال سرکودها ۲۰۰ مایس ١٠٠٠ ـ ١١ تات ملتى عمد الله وتراتر خدى -الله مراعد الرائدي المنتق حمد الشروس ترفي و جامعه ها المال مر كود جاء والعرب المال مر ۵۱ رضت مرکودها کی علی دو فی شخصیات را مرشاد دهمان ایج ال ۱۳۰۲ در ماسد را تا اسد ای اور امل ۵۲ م ٣ - ديات تريدي الملق عمد القدوى ترقدى وجدور القوام ما يوال مر كودها ١٥٠٥ داس ١٥٠١-21-48 as 18 months of 18-16

٨٠ ... كذكره اوس منة واح وتدوعا فقة اكبراثناه بالمادي وكلية رحنا ويالا مور الس ٨٣٠ عد 4 رو بی در رس کے قیام ش مدیات المائل بدر حرب کو براس الله ۴ مناصا له رف وعائز و ۱۶ رنگی پس «هرجامه رخان مناخی همدالله دس تر پری ، جامعه خان مرا بیوال مرگروهه و ۴ سار

۳۱ مدیست تردری منفتی عبدالقدون تربدی ، دیسد تفاقیه سایوال مرکودهای و ۲۰۰۰ ماس ٢٠ يريد كروادار ي والويند و والا الكرشاد بالوكي مكتب رها ورالا يور الم ٨١٠ ١٠

مصادر ومراجح بابت تاليفات انكام القرآن كاتار يخي ارتقاء

-6 59 54.1

الدمقدمة عن والسنن موازيا فقر احر على مادارة الترسن والمطوم الاستاس كراتي منصر مهم على الم ٣- تاريخ تغييرمنس ت ديره فيم ظام احرح دركي سكن متر يتلشر وليمل آياد ١٩٨٠ و ١٩٨٠ و ١٩٨٠ 6-1-0 ١ رهام القرآن المحتري في الله المراهل من المراهل من الله المراهل المرا كداردود ترومهاري موامر، عاصر وأول الاجور على اول ١٩٨٩ و١٣٠٠ و ١٩٨٩ ٨ كشف اللوراض اساى الكتب واعنون ما في فليد معطف شر البدائد اللي مكته معند أوكره ٩ ٠ 4 سارودو گروسهاروی اسماری ماسوری برای بورشی اول ۱۹۸۹ به ی اکس ۲۵ ک. و يكتب الملور على الراقي الكتب والقول عالى الله المسطة تن الدوات على الكتر حدر أوى ١٦ را ١٥٠ الداردوام ومعارف اسمام معاموري بالايورض اول هما الدارار هاي 17. كشف التفتو سمن اسالي الكنتب والعنون معاتى فليع مصفيح تن الدائد قالى ويكير منظير كوين 40.10 م ١٠ يار دود اثر و معارف اس مر معاصر باغار الا يور هي اول ١٠٤٥ د ١٠٤٠ را ١٨٥٠ . Lett_IP ١٥ ر مقدمد ا حكام اللر" ، والتي الدين على ما وارة القرآ ل والعلم الاسلام يكرا في الى عد SHUTT عدرارد ووائر ومعارف اسمناس مهاسد بالواب الايورائع اول ۱۹۵۸ رو ۱۹۷۷ ما ۱۹۵۸ ۱۸ کشف اللون علی اس می انکتب وافعنون معاتی مقد مصیفتی بی عمد اندگیکی مکتبه منز کوسی ۵۰ رای 14. اردودائر و معارف مدور مامد والاسدالة يور طبع الأكديم الانتار والاراداد ١٠٠٥م ١٠ رحقد خام المرس المن كان المن المارية المراس الماري المراس المراق المراس ١٤ كشف الله و أن سراى الكتب والقول ومات ظله مصطفع بن الدائد تكى و مكته معد كوي و ١٩٥٥ ٢٢ يه ملد مدا د كام الترآن وملتي توقي حولي الدارة الترآن والعليم الداري في وكي عليه ٢ ١٠٠ _ كشف انقلون عن امراعي انكتب والفوق معارى فليفر مصطفى عن همد الشركيك ، مكتبه حند كوي دا را ٨٠٠ ٣٠ ١ اردود اثر ومعارف اسد مر وعامد على التيور شي على ١٠ ١٠ و ١٠١٠ ره ١٠٠٠ 04 ما الم تغيير القسرين من ١٩٨ ، ١٩٤ ، ١٤٤ ، ١٤٤ ، ألي الما كار الكتب والغواري وعده ٢٦ ك التوريح ما في الكتب والخان وحاتي ظيعة مصطفى بي الدائلة في المشاهد وكري ١٥٠ ل عد عام الراق والحق على عادة المرق ما والموم الما موران ما مداري الم

۱۸ کلد کله این ارای ای ایک دانش سای ایند مستقدن میداد کلی منید میداند ماده این است. Toobaa-elibrary.blogspot.com مستقد

ر ارتف هم ن برای با در استهای بیشند بی میشود باشد بیشند بیشند بیشند بیشند بیشند بیشند بیشند بیشند و دو استهای ۱۳۰۶ برای هم در استهای بازی باشند بیشند بیشن ۱۳۰۱ برای هم در استهای بیشند ب

ه من کلیدان به ما می است به من می است و این به من می است که این می است که این شده برای رود است به ما در است اس این است در این به برای به در این به می است با این است به این است به این است هم این است هم این است هم این است ا این است به این است این است به این است این است این است این است به این است ب

من بروان کتور باقر برم کرده به کشند باقد من که ما که کشنده کنید به کشنده به منده به منده و منده و منده و منده مندم باشده و منده منده که در منده کارسی باشد و منده باشد که منده این فرد شدایند کرده به منده و منده به برای مرکس فرد منده که منده که منده که منده که منده بازگذشتر کرده و به کسی مندید این کسیده کارک شاید به منده مند برای منده منده و منده که منده که منده که منده که منده کرد و منده که منده که منده که منده که منده که منده ک

ما کار چاہ ایمان بالمام کی فی عرفی البرائری کار اور این کسی حالی دسمان بر المام کار ایمان کی طرف استان کار کار ۱۱ بری در امرائی کی عرفی البرائری الاطار او کاروز افزار کی اعربی کی تا گواد و پرانگی مطبیب اکارک مثل ن-۵ ماری ۱۵ برین کار

ی برگزاده این با ها هم انتقاد نداید کنند هم انتقاد به کار به معادل با متعادل با متعادل با متعادل با متعادل با م وی هم متعادل با متعادل کار بی این با متعادل با متعادل

مصدد ومراجع إبت احكام القرآن مقتى عبدالكورتر فدى كا تعدف دفع

ارة الحياس الكام القرآل المولي بلعميانية (فيانات الأون 1947ء) 7- الوار القور موانا تقور الإرحاق الكرم سيانة المستمين الاورد بلدوجود ومصدوم به 1877ء 7- عالميا 1- عالم

ر برین ها اگرف الموال الموال برا و کس مجاد درید الک مریش و پیرش و پیرش می مهم اندیکا و ۱۳ مردی ه ۳ می آن از افراد برا از اگری مجاد درید الک مریش این این دریش میم ۱۳۵۸ و ۱۳۵۸ شد برای افزار استان می انگورد دری دمیشودان به می کدار سد شدند و این ۱۳۷۶

ه برچه از ماه هم از منظم می تختیم می شدند. دا بخواند مدهد می آن ۱۹۹۶ در ۱۹۸۴ می ۱۹۸۳ ۱۳ ساخه ایران می تختیم از می برخدی مواد مشاقر آن در انتظام این در این انتظام این می ۱۹۸۳ می ۱۹۸۳ می ۱۳ ساخ ام افزار کار می تفاوه ایران آن در انتظام این در استان می این می تنداد ۱۹ می این انتظام این از ۱۹ می ای

١٥ ريفولامون يامشرل الى تقانوى _

۱۸ راتورف احکام القرآن لفوحک - (اکار علی احد عواره الثرف القیق از دور مسوده اسکام افترآس الملوخدی موردی تی

ا خوال برای استان در این از این استان در این د در می خود در در این استان این این استان در این استان در این استان این استان این استان در این استان استان در این در این این استان در این در این این استان در این استان در این این استان در این این استان در این این استان در این استان در این استان در این این استان در این

عاة الخطوط النام القرآ ساطور قدى مورة النال عمدانا عال بالمدارات الناسية وهاتي مرايزال مركاة ها. 14 مرايبها 14 ماييها موسد ها موسوع الناسية المركزة ها.

۳- بقدار کام افزان را آنوشش امرداد به افزات تا تا می دادد و می دادد. ۲۰ برای مد کام افزان از این املی از درجایس کاری ۱۳۳۳ اور ۲۰ برای میل اقداد این این اکار آنوم می کام میشد نامی میشدند. ۲۰ برای میل افزان این از درکه را در واقع این این این این این این این این برای می ۱۳۳۳ این این در این می ۱۳۳۳ ا

۱۳ برینایست نام ۱۳ برا را را ۱۳ برینانس بازده تا سه ۱۳ برین ۱۳۳۳ بست. ۱۵ براز آداری ۲ برین برین است و آق شهر مکت والدیدند برا پدشش با بست آقی مهم مکت والدیدی سوده این گر ۱۳ برین ۱۶ برین دور ۱۳ برینان ۱۳ برین

عمقه لی دوردند. ۱۳۵۰ می است. ۱۲ - آنجد الل آنگید بردون تکس ایو بهاریدی دی داداردا مشدمهاند ادادود کر ۱۳۳۳ می ۱۲ - ما کام اگر " را مانتو تذکی دادارد داشر استانشن و افکار شایستان به ایورد از ۱۳۹۰ می ۱۳۹۰ می

۳- بد برد داندان مکسد منوانا بازشیر این تختگوی ۴- بدانس القال فی قرر با مدینه . تخد ارجال شخص هداند این دادی ۱۰ سازگام افز آن این فرق بی دادارد اثر فسد انتخبی واقع شده این دادید ۲- بداری بدود ۳- د

_TO SOURCE

بیان الخرآن معنفہ شکیم الامت موالغ انٹرف علی نقانویؓ کا ایک چھنٹی جانزہ

st downtown the way

منركا مخفر تنادف

کے کا مام کہ افزات کل هذ دوحالی عام میرائنی اور یونکی چا کرم مطعی ہی۔ منتدی کے کہ کا در حد شکیم الاست مواہ کہ افزات کی خابی کے بی سے یہ کرتے بیرے خابی کے سروی کی افزات شوب ہے ہم ہیل کے متحد افزار ملح منظوم کا کا الاست ووزائی کھیں ہے۔(1)

\$ كد لحد كود نعت كالي ، فيالات آباد كرا في

proj. (*) , من مایل کا حر عمد قرافت جامش کی ** AAP " AAAP" استعمال ۱۰ سالد عم مایل کدار الله مشارج کی سے بیست بیور کا اور ان سے خوات حامل کر کے دستمبر عمل مشارخ خوات کر فرط کی ہوں 10 ہوائے کہ کینے اور ۸۸ ہوائے جیست کی تقام باتھ کر گر کر من بریان ۱۹۳۸ استعمال ایرین ۱۳۲۶ اس اور کا کل سے ۸۲ مال کی اندا کی اندا کی اندا کی اندا کیکیاد دل کار کر کر طب بید کارک (*)

تساني

اً في الا الآرك في سك باست على القباسية . قد وادن ثاليفه على الله مؤلف وكل بالك بمطل الوقت واننا يعرف غيمة الوقت والوس الدولدر الدوفلون فيا تون في اعمل هم القصيرة

بالاصاد العالمة من التلعب التلايمة مجل كي كل حالية - إقد يؤلو تحد الل صورت بمن تهيجي إلى ويكد كب سك طباعث كو الك كك ركاب يمك كما بإست. كي سال مكل ۱۸ مال ك المراش ۱۸ مال ك المراش ۱۸ مال ك المراش ۱۸ ميل ك المراش م يمن عمل قار وصم سال 18 سال سك كلك (۱۸) من سال بعد مقول موضوعات با كلك دم يساعك

ار آگ لونی کے حوالد سے جو تسابیت دوروں محقیق جرے سامنے آگی اون کی تعداد ۱۸ سے اور ۱۸ میں اور ۱۸ سے دوروں کی مقداد ۱۸ سے۔ (۱۵ جس علی معرب تعامل بیرید

کیا تحری^{ہ م}یمیان '' ہبایان '' تحریہ کا تھاں کرتا ہے ہو سرحہ ہی ہی ڈولوگا واز گلے ہی جا احرک کا '' فرزمانہ کا کہا تھے بجہ کہ ہو ہے یہ ہرے پینچی اور اور موادل '' میں اس بار بھا تھے ہے جہ کہ متعلق پڑھا وہ شیخ کر ای کی داخت ہے ہے۔ ہے اس کی '' چجل کی فصد نجس کا آفر ⁽⁴⁾ حوزت ہفائی نے کانوٹ ہے ہیں 'تجر کا '' میں امل کا بھی نامی کاری کی ہے دار

ا الرّ آن عي مُركر ، كيا ہے۔(*) دومري تخير " درس قرآن " ہے۔ واکو ريبانہ گھن جي · حزمت تلافي قلد

المي شائع في الدا_(١١) تيري لتير " تقرير بن البنات في تلير بن الإن " عدال تحير كا حدد موائح للدول نے کاک کیا ہے، عامد تی علی کے جی، حرب قادی کے فاعدان کی بھی او کیوں نے موادہ سے قرآئن جید کا ترجہ جاما تھا اور اکو کیاس کی تھیر

و تقرير كو توريش شدكر له هاده ايك جود بدهما فانكر شائع نيس بوا_(١٣)

ع تى تنبر " الرف البان فى طوم الحديث والتركن " ، ال تنبركا مذكر ت سلمان عدى سيت ديكر عزات يه الى كيا يه _ ر اللير دراصل عزره قالوي ك مواحظ ے زیب دل کل ہے۔ حورت عمداً اے مواحظ کا آماز قرآن لیات ے کیا کر 1 ھے فیر دوران وحد کیاب کی تخیر کے طی قالت میان کیا کرتے تھے، ان قالت کو اس ش

مانع سير " تغير الواحة" بيد مولاة مدالي كليدي ليد بي: ال ا مسئل محددی نے عفرت کے مواقع ش موجود کیلے تشیرے کو س ظامیر می کر دیا چین تحیر " تحیر میره برست" بد به بیان الا آن کے طاب الک ترجہ

و تقبير كي هل عن شائع جو كي ہے_(١٩) مالوي التير" وافي النير عل الزآن" عديد وراصل مولا حيب الم

كراؤى كى تمير عد آب ما تمير كي كه اود عارت فاؤق كى فدمت على فالى كا حرت قاول لے اس کا مقالد کرکے اس بر جکہ جکہ حافی کا اشافہ کیا ہے۔ حرب قانوی فود کھے ہی تحرب برے حالی ہی لیس کے جن ش اس عالی ہے مراج ٹی وہر ظام ہوگا ہے فایت اتحیان سے باثی ہوا۔ (۱۵)

النوي تخير" وافي تخير طالبي" بداس مائيه كا ذكره حرف مايعد الماس toobaa-elibrary.blogspot.com

ونید کی ا ہے۔

اوی کنیر " بیان افزاق" ہے۔ اس علی پوسے قرآن کی گئیرو ترمد منزے تھاؤی نے تھاہی، بیرے مثالہ کا مرکزی موضوع کی نک گئیر ہے۔ ان سے مار کا تھاں ہے۔

103

تغییر میان القرآن کا شخصی و تشکیل جائزه بدن القرآن سے حمل مبادث کا یا فی شک شد صور می جائزہ بی کروں کا

اک بیان افزان کا خیران و خامیان وب تحر کر مائند آسمید. کل حد نصبیلی تصیات اید، آن ملط شین سب سے پہلے زیر قرآن تھے

ک دید کا چائزہ الگل کر میا جولد مواق نے بھی معاصری نے قرقوں کے قرائم کھے، یہ قرائم کھے، یہ بھی کا ماہ مراب میں میں ہے جو ماکار نے مختلف کھیں (10) مورے شائلہ کا ماہ

پ درست قيمل هم، متعد لوكون نے تختيرات تنسيل (١٩) حرب الوق سے الى اس سلند عن دجوع كيا كيا ۔ ان عمل سے مك زائم ہے چى:

سد احلاج ترجد دلحای بد دراس این نزد بر او دلای کا ترصد قد اس می جدید طاید کرماند این جوید اول دود کی بامبر میشان رکی آگی خی بمی که دید اولی می میزید از حاصل اسال یکی داد طاید بر انداز ترجد کر دون پیدا کا شامان این بمی کر واقی افو موانا بد حسطی میداد این کا نظیمان کی صفعات میشد (۲۰۰۰) دور از ترجد

مردا جرت والوی کا مائند کی موقات سال می اصلاح یا کا ومالد تھرے کیا۔ اصلاح تریمد جرمند سک جا سے الحلام موسوف عرفی سے بلا تھے جمل کی وجہ سے ہے

املان ترتید تیرجت کے ایم سے تھا۔ موصوف فراق سے خاند تھے جم کی وجہ سے بے بات ای شکوک تھی کر بے ترجد کس لے کیا ہے تا(۲۰) بات ای شکوک تھی کر بے ترجد کس لے کیا ہے تا(۲۰)

ے۔ المادی تحجہ ان فی دادر کا حسیل المہادت ای طرح سمانا وہاتھتہ فل دیست کے لڑگئی اوڈیس میں حرجہ محسیل المہادی فی عاصد افزاق کے جاسے ہیچ کیا تھا۔ موقف کی درطامت پر کہا ہے ترجہ دولائیس کی اصلاح کی وہ المعادی کھرون کی دول محسیل المہادی کے جاسے درسال محصلہ (۲۹۲) تجاس جائے واجع کی اصلاح کے اچھرد عصد ماساس مل نو در وی با چیف ۴ می این مان و در بین مان و دول سید مراق این او دول سید در این او دول سید و در این او در کی باید (۱۳۶) بدا این بدست یمد در بیان افزائق ش کول مراحث فق سید در کی اور محتق سال این بر دول افل جید

ی دو 1000 ہے۔ بند میان التر آن کا مطاعد کرنے سے شہد تدنا ہے شابع ترجہ و تشمیر دولوں ایک ما تھ کھے کے بین (۴۵) کین حقیقت اس کے بر تشمل ہے۔

 LAF

اوریہ کے ایم سے اور کھ مالک مادنات جاہدت کیا ہوائی کے طائع اور (۲۰۰۰) تجرب کی موجہ مرف زیر طائع اور الحدید کی مواہد ۱۳۳۳ء کے ابائع نئی مراز کیریہ جگ کی خجید(۲۰۰۰) ۱۳۳۰ء میں است کے افایقی نئی اور کھ بھٹی کی خجر (۲۰۰۱) ۱۳۳۸ء میں اور دوری میری کی گھر(۲۰۰۰) تجرب عمر موزن فاطری کا تحکیمائیا

ہر تغیر لکھنے کی وجہ

حرف الآول ما والآول ما والآول كالمراق تحرير کا اطفاع به الآول ما المسلم الله الله المسلم المسلم الله المسلم المسل

۳۔ تقییری باخذ

موافا نے اپنی کا حرائے علی بھی مائی ہے ہدائی ہے مہ افعال کیے ہے ہے ہیں: تجہر بیسساویہ تحجر درمایاں سمائم النوائی ، وران المسائل دوکس ، خاتان تجبر مائیاں این کا بران بران در دستین ، تجبر کھیل سے مائی النی آزام آرگی اور الناقاری عامری المرائزی والحجرے میں کہ دال ہے۔ ^(۲۰) تکین آیاہ اس کا محال میں مائی میل الناقار کرانا ہے۔ ^(۱۱)

هـرنجه و تغيير کې نبان

سد در اسر و بیر کی باب کی بیوند وزید که برگری کا بال آنج دوری کی گلری میر می حمولی و اداکی کا ظیہ ب بجگر زید سکی اس اوالا کا موافق کیجوان کی راسلہ ب تر از در انجاز بال و انجاست کے از تواقع مالول ب فواز شرکان میں بال بابک افزاد انتخاب سے بورہ 10 میل بدوان افزاد کی سال افزاد کی میں طند کھ کے ساتان اس میں بیان کا دور استغمال کی کہ شوا میک کے بدی کہ انتظام اور کر (20)

ووسری حملہ طباحق تصیلات پر مشتل ہے مواند خاراتی نے این بلر طبیعیت کے جاتب حمل مام کرر کے ہے بر جاب مداند کر اور ور ک شد میں مصار کا مطالب

شاخ كر سكا قداس ك نفيد بن بر قال دكر منتى بدائد داخ كم جس كى كى قدو كا اعداد قاد و دخور ب البداس كا دم بدل بدل كر شائع كم كم خط ا

ملی قبل دلی سے ۱۹۰۸ و ۱۳۵۰ علی " زیر فرکن" کے 19 مارو علوں عی ایک عرفه فتائی اول (۲۴)

کیب الماق وفی سے ۱۹۱۲ء عاصور علی " زیر الرفر مجیر" کے جم سے ثالیٰ اول (10)

کے اس سے قائل ہوگی (۲۰) میرے پاکس دفل سے ۱۹۳۰ء مصاحد عی " حوسا دو ترید والا قراق ایار محل"

یرے پی روی ہے۔ ۱۹۳۱ میں اور دور کر کو اور اور کی اور دور کے اور دور کی اور دور کی اور دور کی اور دور کی اور دو مرکز کی بی والی سے ۱۹۲۸ میں ۱۹۵۲ میں "اور دو ترکن کید" کے اور سے دانا

_0

-1

_9

اد الد الك الفيل كرايي سه ١٣٠٨هـ يمن " مخ الما حدد قرك فريف بدوند" ك ما ريد والى بدل (٢٩) قرك كل كراي سه ١٩٥٢مـ تا عاصد عن ادر الزاء حدد قرك فريف مح



تيري صد " رجم " سان القرآن ير مشمل ب النير سے پہلے كلما مم يے اين اس كے آماذ و اعلام كر بارے مى كوئى ر بندائى حيى الى ہے اور ترجہ و تخییر کے اسلوب بھی ہمی بہت قرق ہے ترجہ عام تھم و آسان تبان بھی

ے جکہ تغییر على مولى قدى الفاظ كے ساتھ بخرے اصطلاحات كا استعمال كيا حميا ہے۔ ترجمہ کی تصوصیات ڑیر این الساور - تھ کیا جیا ہے اور مائے ہی اوشی ترید ہی دو می ہے جس سے آید کا طموم تقریهٔ داخی بو مانا سد قرهی عدد دیک عد رکے بوے زیر کو

الله موانا الدي ال ترجد كي دومري خصوصيت بديد كديد آسان اور عام المم ي toobaa-elibrary.blogspot.com

اور تحد النكل كى الى رهايد وكى كى سيد

تریر بی عاص مفدات استهال حمل کے محمد اس لے کہ مفدے پر طاقہ کے جدا (11) A I I I I I

تے ہے۔ کی ترکیب کی معاہدہ نبادہ کی گل ہے۔ (۱۲)

ترجد کی مرود اروز نان کا لحاظ رکیا گا ہے۔

ترجمہ بر الل علم کی آراء

بیان الترآن کی عمیرات کا ایک اہم سب اس کا ترجد سید اللے الد موادا محود

الحن كيج ين: " بدے ك اجاب عى مولوى مائل أي اور مولانا الرف على را يو رجمہ کیا ہے احر ال وولوں تریموں کو تخصیل سے ویکھا ہے جو سراییوں سے باک صاف

(4F) " Ut at it شد طیمان عدی کھنے ہیں: " اس ترجہ ہیں نیان کی مقاسیت کے ماہد مان کی

صحت کی اظلا ایک کا گل ہے جس سے حقیر کی فقر عمی والے والے ترقعے خال جمد اور اس ترجمہ غی ایک خاص بلت ہے رکی می سید کہ کم علی یا ترجوں کی عدم اختیاء کی وجہ ے يو الكوك قرآن كيد ش مام ياشد والول كو معلوم موسع بي ان كا تربر اس طرح

كاكيا ب كر بل كى على كروه لك على في در آئ ال موانا عبدالماجد وريا آلدي كليح بي: " ترجد بالعادره و مطلب تخر ب الد بالى

مولانا حيدالكور تريزى كلين إلى: "ترجد باكايره الد عام هم يوسية ميك ما تو نیان ک ساست اور بیان کی صحت عی ای دو دوے تراج سے سبتت لے کیا ہے، ترجہ ک افلاء ے یاک ہے اور نبان منتی ہے"۔ (٢١)

واكثر صالى النبي إلى النبي إلى حتال عيل كليتي جي: " مولانا ترير عي قول مخول كي جدت طرازیاں کو بائد فیل کرتے تھے ان کے زیر کا کال ان کا انتشار اور اُبہار ہے۔ toobaa-elibrary.blogspot.com

زیر اس طرح کرتے ہیں کہ عام تھم کئی ہو اور قرآئی افتاد کی ترتیب زیادہ الف بلت نہ ور اس کے مادو اردو کی اول تبان استول کی ہے تکسانی عادوں سے مروز کیا ہے اس لیے کہ ان کے مجھے والے متالی اور محدود ہوتے ہیں جکہ مام قم اولی زبان سے سارے اروو وال معقيد او كے ايس - كي ك ترجد على قافل جائزہ الى فيس عبد اس لے كد اس

ج هی صد " هیر " بیان افرکن بر مشتل ہے۔

3

اد اس سلد عى سب سے يمط تحير كا فقدف وال كر ديا يوں تاكد الحير ك جد یاد قابوں کے سائے آ جا کید میرے فٹ فقر اگا ایم سید کرایی کا مطور "بيك الترآك" _-

التنير كے جلہ اجاء كا تعارف اس تخیر کو مولانا ہلای کے ۱۹۰۲ء۔۱۳۲۰ء عی کستا شروع کیا اور ١٩٠٨ ١١٦٥ عن عمل كيا . يه تغير جد جد جارول كو يجاكر ك دو حسول على بلي دفعه

عاداء۔ عادم على شائع الل على الل ك الله عوالا الله ي عدد مرد فود مطالعہ کیا اور این احلب مولانا عردالکریم(۷۸) اور مولانا حییب احر کے الوی کے تعاون ے ۱۹۳۵ء۔ ۱۳۵۳ء نی بھی ترائم کے ساتھ دھارہ شاتے کیا(۱۹) اس کے تھیری

الانوالك الك موالات ك تحداس طرح الله مے مائے این السلور ترید کے اور ویکی ترید وا کیا ہے اس کی کیلیت ہے ہے کہ

ویکی مدر دیک جی دی ب اور تعد کا حرد المال کر کے کے اس بر الا تیل دوم ا مائد الله" ف. " كل كر علا كيت كي اللم الحربيان كي كل ع

تیرا ماثیہ تھیر شا دو قتم کے مؤلفت مشکل لگاتے تک بھیا۔ بین مشایی معمومہ آآنے کا ہے کین اگر چھ کیا۔ ایک ای مغمون کی ایک سالھ گئی جی توان کا سفال

-4

-6

- A

.4

٠

آخوں مائے۔ " اروپائے" کے مواق سے مائا ہے جم مثل تھیری مایانت کے طرق و مردی مو کو بیان کیا گیا ہے۔ فوق مائے۔ تھیری عفر کے ہاگئی کیا حد بھی " وائی" کے مواق سے کا آم کیا ہے اس علی عمل تریر و تھیر ہے دارا۔ اصرف دائے اعواملیات کے بجابات دئے گئے

ہے۔(د) رحول میں ہے – الأو کے موجو سے ہے اس کے افیل میں کی خاص کیدہ کی ذکرکیہ بیان کی گئیں۔(د) معدال مائیر '' ہوا'' کے موجود سے 18 م بے گئی کید سور کا دورک موجود سے 18 م

ہاں کیا ہے۔(22) ہارہوں مائیہ " سائل السلوک سی تھام تک المفارک" کے مواقان سے پہلے مولی نگی تکہ " دورخ الفوک تریم سمائل السفرک" کے مواقان سے اوروڈ نزید سے معالی مشکلہ کمام کیا ہے ہے زمال ۱۹۹۰ء ۱۳۳۸ء نگل تک القال ۱۹۹۱ء نگل ان کا ترجہ

کر کے ۱۳۵۰ء ۱۳۵۰ء علی جان افزاق کے واقی بے اسک کر دیا۔ (۱۳۶۰) اس جی انسوف کے مماکل کا قرآن سے انہائے کہا گیا ہے۔

سود سے میں میں اور من عمرت یا ہائے۔ اور جو العامل مائے پر ہد کے آگ کا کہ کا کہا گیا ہے اس کا جم ہے " وہ واقعال خ آئے العامل العامل اس کی آلاک آئے ہے پر جائے کے حاضہ آرامہ سب کی آزائش فائر دی چی، اس کلیہ فرق تک ہے کہ اس کا ترجہ کی وہ کیا ہے اسے

کی تھی کے ماتھ کھن کیا گیا ہے۔ چودہوں عالمیہ بھس دراک ملیہ کی اہل ہی جارے کا اٹانا علی مٹن کر دیا گیا ہے۔ مثل " رمال رفح ابادی فی طلح الحدادے اس عمل ایک ساک سے مول کہوں ہے کیا

" رماد رق الجاد فی تا برمدر" *** این یک یک سال که سول ایمان سے کیا وزار کا بی کا بور بالد کے ساتھ دو فلاق مشکل چیار کیا "مشتائن هیر" کی چارجوں نے کہ ہم مفر آزائے" کی "کی فاصلا پڑار سے چارو مزکل کوفائش چیار کا " مشتائی متحدر آزائے" کی "کی فاصلا پڑار سے چارو مزکل کوفائش چیار

۳۔ معنق کی اپنی تشمیر کے بارے علی دائے موادہ افزائ کے آبید دائہ فو اپنی تشمیر کے بائے عمی فربلا کو میان الترکش عمی سب الدان طباعات جی ہے تشمیر عمیر کے کال طرق عدد کے ساتھ تشکیل جس میں ک ان ورد ان کرد کرد کے دور سر کے کہ کام حدث تاہد میں دید کار کرد کار

على سب هال مشائل إلى يو تحير على لـ كال شرع مدد كم مالا ملك مهل ب اس كا قد قول وكول كو يدكي جنول يه كم و كم يس معتم قام يا معالد كما يد (اس) و تعبر ك بعض مثلاث يسك على على قد قده محلاد خال بالاد موجاً ما الاد

مجر سے مسل منطقات کاللے ہے۔ مال مال اور اور منطقات ہا اور اور منطقات اور منطقات اور منطقات اور منطقات کا اور م اگر قام مدر نہ اور اور این کا صاف افسار کر دیا اور کھ دیا آگر اس سے امار محکور سکی مل چاہلے اور ای کر افلام کیا جائے ہے۔ چاہئے محکور مندہ علقات ایسے تک ایس ایک سردہ والسط عمل ایک مزد مز عرف (شاہد)

موانا کے تخبر کھنے ہوئے بکہ اسوئیل اور خموصیات کو دکھر رکھا ہے۔ ان ج

۳۔ مصنف کے اصول تغییر و تغییری خصوصیات

یں امول آئر گئے۔ کی دولیت کی ایواز پر کل ہے 3 کوشٹل کی گئے ہے کہ دولیت گ اور کھی آئر آزگان ہے گئیر وائل کی قرائس کی مزید وضاعت یا تاثیر نکل فائل کی جائے وفال حدید کل محمد نر العاد تور شمک وال

و المار المسل التحديد كا همل هجر سائع شد كو والك يك دو كر ما سبد عمول التي المساعد في أكد كما تدارس والب التي لك إنها هما في الكور لل به هي. " يتدا المسول كماني غابس بد على هجر الكور ها كال والكور الإسراء المسلم كما كور المسول كماني غابس بد على تحرير المسول كماني خابس المساعد المسلم كماني المساعد ا

س۔ شیرا امول آبیل پراپ سے متنقی تھیر مثال ہے لیے بگاہی اس لیے کہ اس موضوع پر اول مستقد ان کا مالار فیمل آناکہ سی بچرفنا امول بھر مشامات متعدد بکہ آئے ہیں ان رکن بکہ مشبقا گئر کر بقد مثالت ہے

س ہے تھا امول ہو مشاعث حدد بکہ آسانہ ہے، ان پر کی بیکہ مشدقا ہی کر ایپ مثلثات پر حوال دے دیا گیا ہے۔ ہ۔ پانچ ان امول مشمرین کے مثلک اقوال کی مودن بھی دہارے اور اوال عرب سے بھ

یانی اصل حرات سک تھا۔ اقال کا صورت علی معاہدہ اور افاق حراب سک تھ بیاف آرجہ فقر کیا مرف اسے افکر کر دیا جائل دولوں راہ دار تھی جائل دولوں کے کر دیکہ۔

الا ہے ہے اسول جیر علی منطق عادی کا ایل المال دکھا کیا ہے۔ اند مالائل اسول جال کی گلب سے کن و کن محد سد لی ہے وا

ماقتل اصول جل کی کئی۔ یہ می و کن میلاند نے ہے ہاں حرف ام کھ دیا ہے۔ جل مئی تک کلے کر کر کے کیا ہے یا صرف مقوم الا کیا ہے جان کلیہ شام کا ماک 20 ° می " کا وائے ہے۔

المحقق میمل فش تزید کے شاہد جی متمون کا بہت طردال مشکا کہ این بر ترحد
کا دونامت موافد ہے داکیل فیر بیاد ہوئا ہے (شمک کی کر داشیہ
دول اصل اعاف، الحاف شکون فیر فلائل کے دربیہ فیر کا طول جی کا حواد
در طرح اسرال عالمی کی کاکند

وسوال احدل تحيير اس خرج كى ہے كه معمول كا ديا خود كابر او جائے اور كبيل ديا Je كدكر مى والتح كيا ي مرد بوال اصول اعتلافی قراب جی صرف قریب حق کو ادا محا ہے ، ووسرے قراب کو شرورت کے تحد مائے میں کھ دیا ہے۔ اربوال اصول على مباحث قرات، المت، بكاخت وقيره كى نبان عرفي ركى بي تاكد

عهام اس طرف ملکت یو کر متوش ند جول تیرہوال اصول کلیر ش جال اختلال کلما ہے عراد مولاد کد پھٹوب ول جال

مرائدی کلسا سید مراد مواده الدو الله مباو کی چیا۔ جال کی فیم کلسا دہی وائی باداشت الله عود بوال اصول دول بر مورت كا بالالتوام وما كما ي اور أماة مورو شي موره كا ظلام

Je - 4 V 66 L پردہوی اسول سائل الیے کامید ، ان سائل پر ای عل مختی ک ہے جس بر قم -10 كام الله موقف عد

مولوی اصول بی گیات کی تخییر عی مدید مرفرع بید اس جگد نمی کا قول فیس ایا (6A)

س تغير يا الل علم كي تراء

"II

_11

طامہ شد سلیمان مروی کلھتے ہیں۔ موادہ نے اٹی تخسیر شی روابات محجہ اور اقوال ملف صالحین کا التوام کی ہے فتی اور کلای سائل کی او سے کی گئے ہے۔ شمات اور مگوک کو عل کیا عی ہے۔ صوفیات اور ذوقی حداف می درج کے کے ایک ایس اتام کت ظاہر کو سائے رکھ کر ان میں سے کی قبل کو دلائل سے تری دی گئی ہے۔ یہ تعییر تی ہوی مدی کے وسل چی کھی گئی ہے اس لیے تام قداء کی تسابق کا خلامہ سے اور الکاف و معتكر تحفيظات ال عن يجال عالى جاتى الدر (٥٥)

موادہ اور شاہ محمری نے فریلا: علی مجان تھا ہے تھی خوام افاض کے لیے تھی کی ہے گئے نے صفوم ہداک اس سے طابہ کا اعتقادہ کر تک جی ہے۔ (۸۸) موادہ اور بن کاتھ اور کے فریلا جماعشائی کی مطاقت سک مطاقت سے ماصل

ئے ہدے۔ سٹرے افراق انتما ہے سراوں علی الل کر سینے جیر (۱۸) سال کو انتخاب کے جی اس کی اقدہ وکے 2 نو سرف دی طلع بیان تک جی پیشوں کے گئیر کی گئیر کے بہت واقعہ کا کہنا ہو اور سنتمال مطلعے یہ الحک سٹری کی کر کر میں کی تخر امیں رہ دو مکتش کے کہ بیت بدنے انتخاب کہ ادا چاہ تکلیل تک کارکر اس کا کے دور (۱۸) تکلیل تک کارکر اس کا کے دور (۱۸)

ای خم ک گراد کا مواده اعتبام اگل تغلاق. حیدالیدی عدی(۱۹۰۰ . مواده حیدالبید دریا کبدی مواده احد سید داری. مواده کد شک کاعدادی اور قاملی کو زاید المسیق رئم کا سرور ۱۹۸۲ .

۵ میان التر آن کے سلسلہ بعض امور کی خاعدی و تجادی

J

یاں افتر کی ہے ساملہ انس اسے کا قاتادی و فہادی کی طرف الدے اور ادافا پیاماں کا فرسد مشتمان دہ ہی ، جی کی دید ہے منافد کرنے عمل وقت اور کی جا تھ کہ شریم طرف نے بھار ہی منافی کی منافی اور ساطر کے ادبیے قاتادی کی گئی جا بھا کہ اگلا منافذت نے تھا ہی منافی کہے ہے منافی کا سام سافی جا سام ان اس کا منافی کا کی جا بدر اس منافی کے سام ان اس کا س

مود آل اور گؤرے کا طرح بیان تھیری عالیہ ہے۔ بیان تھیری بی ہو طرح و اس سے بارہ موال بی اور ہو طاقہ اللہ موال سے تھے تھی کیا ہے تھی باتھا ہو انگر پر تھی بیارہ و اندام طراس کا تلات ("مور" "م" " " """ "" "" " باتشار کے نکے بعد ہو کہ بازی بعد سے فیٹے جید ہے گئے اس کا اس تکارات انکام میں مجمود کے لائے بعد ہو کہ باری جید سے فیٹے جید ہے گئے اس کا اس کا میں اس مات ہے۔ انکام میں مجمود کے بیان ہے کہ موالی کی موالی کھری انداز میں اس کا موالی کھری اور شداد ہوتا ہے۔ میں طلات پر وائی کپ قد کی طرز پر ہے، اٹیم مطافہ کر لے کے لیے گیر کو محل پاڑے کے ایدہ کو فیدکورو پڑی ہے (۱۹۸) پہر کا طرز ہے۔ اس کا ایک کا ہے ایدہ کو فیدکورو پڑی ہے (۱۹۸) پہر کا طرز ہے۔

.

_1

گئیر کے آباز علی فرخی ترجہ تھر ہے ہیں جہ گئیر کے آباز واقی برائے۔ وکی ترجہ وسعت الطوار کرتا چا چاہا ہے جس سے تھیر بمل یکیا ہے، بائل طیس واقی ((() اکا طرح موافا کھائی کے ان کھیری خصوصیات کا اعظار فرایا ہے، این کا تھیر کے آباز بمل اعزام کم ہے ، اباز سوم یا کام ہے اعزام ہے۔ ((۸۸)

مود ما مورد) کے لدے میں مول ہو کا احتمال بھے اتبادا کہا نے الیمیل مولادہ میں بڑے ہائی احتمال کی جات کا فراد روان پر فاق کی اس کا ذکر کرتے ہے کا مولادہ کا کہ گاہے۔

بدانتیشی قبطیان باسبطیان و تحرن ایشان ازوتسلیه موسی علیه السلام ایشان را ودر ا خود ندهد ≳:

ن ماھد جی: تسلیمط بلیات بر البطیان بار احلاک ایشا*ن* چ*ند باد چادم ک قریا تام حواجت حرف د های عی چی (*۸۹) ک^ی کے دور عی

ہے اورو غیر مسئول ہو گا ہے۔ ان طرح موادد ہے تحجہ عن می اعتبار کو طوط رسکتہ ہو ہے وہ اموانداست و طوک کو والی افو رسکتہ ہو ہے جوانا اعزاد اعتبار کیا ہے اور جائے ہے ہائ ویکن انقواد کا استیار کیا ہے جائے ہواج علی مسئول علی اور این کی گئے ہے ہائی اور

اس کے بچے بھی تھر کا دائد تھد ہوگیا۔ (**) ابدا اجسب بھاکا کہ جان افتراک کا تھیل جات ہے جد اے لے بھی اے ایس فراعت کیا جانے۔ اہم اجلادار وائی مرد کہا جد کا مسئل کر السائے بھی ہو کا اواقات در اسطانیات کو ادد ایش میں تھیا ہے نے 2 و تر فرای کی اس تھی ہی ماہد کا واقعات کے انداز انداز کا میں اسائد کا انداز میں ماہد کا اواقات کے کہ مواز سے بھی ان کی امراح کے بدای افراق کے کہ

toobaa-elibrary.blogspot.com

فاع يد كي ين جي عرب موف ك تائيد مولى ع، مثل:

٧_ مان القرآن كے ظامے

J

ايد "فقد بان الرآن" ك بم يه موادا الد مين الد كبار ك كا ب، ال عل (41) -4 16 4 06 -48 4,50 1/2 CHA PO C OF PO OF ودرا ظامه " تعمل و عليس تقير عان الزكن" ك يم سه مولاة ومي الله خان اعلم کوی الد آبدی کے کیا ہے۔ یہ الک الکای ہی کالید سے اللہ ادا

تيرا ظامر " مكن الزال الكيم ع زير و كلير مان الزان" ك يم عد موقا طر او میل نے کیا ہے اور یہ وادہ افتر کی کرائی سے شک او ہے۔ اس ک مولا کے صابر وہ کے کی ہے اس عی تقری فاع می ، می خال کر دیے گا

وقا عام = الراق الحليم مع كمل تغير بيان الرق " ك يم ع على كول ع 1900ء ے ٹائے یو رہا ہے اس کی طلیس کنے کا ام عاصل ہے۔ اس عمل ہو تھے 5 = - 1 6 8 1 m of (40) us & 2 , 10 m 2 00 , 30 کمل سان افز آن کو مروحہ اورو عی ترول کر وا جائے آو اس کی اللویت وہ چہ ہم -52 h ان کزوریال کے باوجود اس ترجد و تھیر کو بیت مقبولت حاصل مول

یا نج یں صد میان القرآن کی مقولیت اور قرآنی لریج بر اس کا اثر۔ ر مصیل ہے۔

مولانا تخافوی کی کائیں متدو زیافوں علی ترجہ ہوئی جرب ان علی متدمی، اردو، كراتي. يش على الكريزي(٩٥) . عرفي ريكري(٩١) ، ميتو (١٥) ، فير مدى زيامي شال جما اللين ترجد قركان كو سب سے زياد ، علولت ماصل يولى اس كا عدد دباول على ترجد مى مول خلا -

ایک راجد کوی زیان جی ۱۹۲۷ میل دوالانتاحت مگاور سے شائع جول (۹۸) ودرارتد مع تعمير ظلد على " تعمير الرفيد مان الزائن" ك ام عد الد (١٩) ... تيم الترهد بدى نباق عمد بها سيد -

J

5

-

_A

چرا ترید و الدیر اگریزی نبان ش مواده حدالهاید دریا آبادی نے تھا ہے اس می الله آب ك ترجد في الند معرب الدوى س عمل دولي كل سيد (١٠٠٠)

یا نیمال ترجد و تخییر الفی نبان چی کائم خال سے کیا ہے اور ترجد پی معرب المالوی _5 ع دی ہے دول ہے۔ (۱۱۱)

مِنَا رَحِد كُرِيقَ عَي مِوا بِ يَرَ كُرُ مِنْهَا حَسِ الدِين مِنْهِي لِي كُلُ المند لور _1 عفرت اللوى ك تريمدكى دو س تاركيا ب محر مواده ميدار ميم صادل ك عم س

شائع ہوا ہے یہ دو جلدول علی ۹۰ ۱۵ س بر مالال ہے۔ ساتوال ترجد مولاه عمدالياب وريا كياري في ادوه على ١٥٥ فيمد حفرت فالوي ك

ترجہ کا مدے کا ہے۔ ^(۱۹۳) آشوال ترجد موانا مليم الدين ملى في اردو يمن في الند اور معرب المطوى ك زید کا لا کر مرے فاور کے اس ے کیا ہے اور اول حرج انہوں نے ای طرف ے اس علی بکے اشافہ فیمل کیا ہیں۔ اس ترید علی حربم لے صرف تبان تہدئی کر

کے اے مروبہ اورہ علی کیا ہے۔ یہ وہ جلدوں علی کیتہ دوی کرایی ہے شائع ہوا لوال ترجد الله مواده عليم الدين مثني مرع بلحري كالكروتي على بواسيد (١٠٣)

وسوائل ترجمه مجيد الدي الرفيري كليتوى سنة ود جلدول شي حظوم فردو ترجمه كيا سيد _14 اور اس بنی حدرت شاوی کے ترجہ سے مدد کی ہے۔ یہ ترجمہ کرائی سے شائع ہو ما

بے ترجہ قرآن ای کیلیت عی متعدد قامیر کے پہنے چکا ہے مثل: عیر ان میں کے ماتھ AAAA عی کرائی ے (۱۰۹)

الله على الا أن ك ما تد ١٩٩٠م عي واحد من (١٠٨)

_*

r

#

۵

سارف الزكن على الر الله ك ما تد " وشي تريد" المدد عي الراح جوا مدر (١٠٠١) مبارف، الترکی حلی علی عمل علی سے ماتھ "وَشَحَی وَعِد" اِگریزی بین کی شائع ہو میا

بیان والز آئن کی تحبیر سے بھی حدد صراری نے مدد لی ہے جن عمل سے مواقا م امر کا درس قر کان (m) فردد علی اور حوالانا على الدين ماددي كا كر الى على اس ك مادو ری ور علل قام کی تعنیف عی ای اس سے مد ل کی ہے۔ و کر مان الا آن ک

عدليت كاواخ عشري اس محمر ادر بان باک کے او " بیان الر آن " ہر عدد ے آب کے مانے الما بدائي الفادر بن ايناب موشوع كمل كرنا مول.

حواتی و حواله حات

ای رز ر جسس مدر ایدوی جامورو ای پرانیر افاق اید انهل ساحب داهی واداموم وحد) کی در محرال تک قاور جل کلیات ای میس جل مولا چا۔ اور میس اور

ب النيات لركود اليس ال عد الذكرود الله m الرف الوارك _ خاب من الحق كالمت المال، عالمات الرفيد شاق واكل المال عام 4 4 ر ص منه الحد يزيعه التعوامل و بهيمة المسسام والتوامل، لوالحن الى العسسني الدوي

ול ב ול ונשו לוש דשות אורה . ב אל נווען נשם יו אין ر شوي (اداء ۽ ابتا ۽ دار العلم ويدر بيل الله طي الله عديد الله عديد) + 10 مار ماه الرك الولك ا/دل او ووفقال في الجنان عدل مل الريت امام كراي ١٩٨٨) 17/1 (m 13, m) 35 all for to for for all all to mary

ها و ماه درصد که انجر نام وارد کا دارد اصفاعیات اوائی ۱۳۹۵ تا ۱۳۰۰ ما اید پیدو نظال این ۱۳۵۳ در دوم افزارشد سنگ بیرانیک سمید اصدا سمیاری آبادی جاسد افزاید ۱۳۱۵ شکل دوم ۱۳۶۰ برای این هد

۱۹۹۳ م) هد انترف الوافركي الم استر اور التل دوست مستماليند عيدالراثيد اوالتداركات والإومام من ۱۳۳۳ اور المطاده واداعلوم اود التا مك قرائل خداريت عاد اللدي ويتالان (المجائل بريكس ويشارك ۲۰۰

یو منصف ۱۰۰۷ میرود تک ۱۵ برای هدید شده ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۰ میرود ۱۳ به ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۰ ت در قرآن امرادکی ایرود ترویز طاید ۱۳۵۱ به منطر انسان ۱۳۵۰ میرود (۱۳ میرود تا نظری کیر (انقد انتشار ۱۳۵۸ میرود) نکی ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۰ به ایرود از انتشار ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۱ تا

کہ بھر بہت ہاتھ مثل ہے 10 ہو ہال ہے 200 خداصوم دائیصہ مجاب 100 فدامشوم اور این کا قرآئل انداری 1917 سک مصنطون ساز نیری حال کروہ بھرائم کا کئی ہے۔ باصارر ابتدائح کا مثاق اعظم یا کرون فیر (مشور کاسٹ کرائی) می 1917ء اور مطابعہ طاقہ

_4

-4

۱/۲۰ وی پورپ مسئمان می ۱۰۰۰ بهتر افتی داره بود. افر فد البول ۲ با ۱۸ در می ۱۳۲۳ در ۱۳۸۷ تا ۱۳۲۰ تی پورپ مسئمان می ۱۳۰۰ پذر دلطان می ۱۲۰۰ در بدم افزف شک چلاط مسئف سمید ایو میشب سد ایل محلب شکل شک

یاد دخالان می ۲۵۳ اور پرم انترف کے چارع معنظ معید ایم حاصب کے ایک محکب علی مقاندہ و جاذ ہے کہ چار اگل کرا ہے اور این کے تصنیعی احیال کیکھ چید۔ محمد میں سے کہ فات کے مساولات کے اور این کے تحقیقی احیال کیکھ چید۔

کی احد من کے افزار الا حال میں الموال کی الا کی الا جائے ہیں کہ اس ک من الا مال میں کی میں الا میں اس میں الا میں المین الا میں الا میں المیں الا میں ال

A

.).

_IP

_M*

Ja

يم کے فرود (اہم _ 15 کو صافہ میں گئیم (منافہ فی انگے ای افل گڑے بے غیر ٹی ۔ قد کی کئی۔ بند کرایاں کی کافر ساتا ہو کہ فرق اس کا کسی ہے۔ ۔ کنٹ امور المورس کے معاملات اللہ العاملات المورس کے انسان کا اللہ اللہ کا اللہ کا اللہ کا اللہ کا اللہ کا الل

عمل بيان الأقون الرحب على قطاق إلى الله أن مهيد كان كوافي) الم 4 الاد كوار الميك عمل بيان القرآن (الله الم سيد) " أن بي 11 مجار عالى عن عزال موجاد سيد. مها والرف الله في الموارك كي هيد بين المؤلف كالمحقيق ماكو (القبل إلى الله كل الم

ع فدر على _ واكو رساند فيه مدي (الله كان على على الله 140 ما 1400) على ١٩٩٣

باساند الحمق معزمت تفاق قبر می ۱۳ ام و دیگاہ قان بلاپ مسلمان ، می ۱۳۳۳ غرصت چاہلیند کیج افاحت ، واکار مهدائی دکتیہ وواطع کو آگی کرائی کئی الل ۲۰۱۵ ماہ ۱۳۵۰ می ۱۳۱۱ مورد دیکٹے بھیکر الحق می ۱۳۳۲ اور اول بایٹ مسلمان می ۱۳۳۳ اور اول ارسان میں ۱۳۳۴ میں کام کو جھ اوگوں نے کی کیا ہے کمر تھور ہے اس مورد پائیلیا یا مکل یہ دیگاہے واٹیکٹ اظماعت ، افراف مل

لاقول (دامل الرئية ٢٠٠٦ ج) . فرست "بنيانت علي 200 اللفاق الانسسان على السيند، فهي السيند، فهواكن المصوي (مطبور ومثل 2000م) من صور اللي تتم كانه أو أنك أرئي من متولّ شده ام سد كل جوا سدر المتحق كل 201

١٧ فرسه علمات عيم الاسه مي ١٩٩٥

د کیرس الزائن. حیب او کیرای (ایل، المال دید الحل ۳ ما) 4 ه کی در الله ۳ ما) 4 ه کی ا

طور مد عشورت التاثوي. ۱۸۸۸ - نادر اسال الا محرک کو جو مطر طبق و نکسا سده مواده حسب الرمشود المطاق و مر المعاجد

کیا سل اس مائید کا کارس کی اور جلد سکی و اجاست اس و انجام اسیان اس و این میرید اگر سمال اسکی عربی بر بایدهد وادا اطفاع و بیرید کی والی افزادی نتی اس کا تذکره موجود اثنا و این سند الاقل مایدند اقتاع از بیرید متجربه جمالی ۱۹۸۱ از ۱۹۸۸ احمالی کیا کیا ہیں۔

04 سطحاً ۱۹۵۳ هر مجعلاً محکوانی (کافریش عالمی) شدا بی کلیه ایابیان نوانم افلاکی (سیلمود، ارود بریمل فرده کنل بدمیه شیل بدمیه سیمل می کلت طی رب ۱۳۳۳هد) .. ۲۸ تا ۲۰ در ۵۳ ۱۰. میلی دوست مسئمل می ۱۳۳۰ هر بلیتاند المی مترب تنافی کبر س ۱۵ تار ۱۳۰۰ می امتد

الله الاست مسلمان می ۱۳۳۳ اور بدیاند المی اعترات المادی فیر می ۱۵۱ اور ۱۳۰۰ ۱۴ اندو محود المسی سند کلی اس تریش به متنید یک سید رویکنط مقدمد تشکیر متافی (مسلمید منفی نجادی و مطبور مجل الملک هد الله الدست سند التو نف مسجوی عرب بدائل الزام آزگارا تو مالم لاك عل وم (كلس موارف التراكل ديده ١٩٩٨م)

.75

ro

.100

ہدوں۔ اگمی مترے ہلائی فیر میں انہ اور ۱۳۰۰ - بھی ہدے۔ مسلمانی میں ۳۳۳ ایمیان فزام افزائق سے ۱۹۵۳ - کے اس تعدر یہ شرب ہے ترجہ مواہ فرانظیر تھوی کا ند ہو ، وی کا کیا گیا۔ تزیر تفایم افزائد کی بھی میں میا آیا، مائٹر، افزائل

ارس تاریک تیم الاست که ۱۳۳۱ و بلیار الی این ۱۳۳۱ ک بر سه میلیان می ۱۳۳۳ مقدر شمل بیان افزائق (منطید بر او کتب فائد آنه با نا کرایا Ciror ای ۱ اس کم ک قال درد شک تحریل دب ایک برکرار انجوانی باان . اکار از انتخابی این اظالی ا

مطابع الكيك توسيد كالمنطق المثال كما في 1400م) محل 1400م والاستان المنطق المنطق المنطق المنطقة في المنطق المنطق المنطق المنطق المنطق المنطق المنطق المنطق المنطقة الم

ا / ۱۳۶۲ پر ۱۳۶۸ پر ترکل کئی کے کہ دو تراقم کی ۱۳۵۸ افدالاء دوراملوم اور اول کی ترکل خداری سی ۳۳ WORLD BIBLIG GRAGHY OF TRANSLATIONS OF THE

 WORLD BIBLIO GRAGHY OF TRANSLATIONS OF THE MEANINGS OF THE HOLY QUIRAN 1515 TO 1980 BY RE-SERCH CENTAR FOR ISLAMIC HISTORY (BTAMBULFRET ED. 1989) P.586

(DYAMBUL PRIST ED. 1900) P.540

اس على ممرف تريد كا اگر به ااگر احد فقط سط فرآن كرنا برك برد انته (الكيامت)

(«هور» أن ايل املیم» كيه عمل ۱۹۸۸ بي مي ان موج آن مواق به تحصاب محل امناهت كرند به ساز كيم افتح الل ۱۹۸۸ بي مي ان موج آن مواق بد تحصاب محل

ے کئی ایش مال ہے نہ کی فائدی کی خاتدی کی ہے۔ ۱۸ در البیان انزاع افز کی میں ۱۹۳

الیان ازام الاگن می ۱۳ الیان ازام الاگن می ۱۳ رای نو بی زیر انهای کا هیر چی مشایی طالب نعی

ہیوں فرام ہوس میں ۱۳ - اس مو علی فرعہ 1940ء کے سمبر 186 کا سمبر بھی مطابق ہوئے ہیں۔ مسال کو خال افزاد کی میں 19 میں کہ موال مجہد بھا۔ مذرجہ ہوا للہ ایمیان فزارا ہوائزی میں 17 - اس فوز پار میں فائل کا تعاملاک اس کی مائٹے ہولیک فزار کہ بڑکی رائے کے اور کا فراقر در شاخت کا کھو دی گائی اس کو بھی ترجہ

کل بکہ تیز ٹی کیا گیا ہا وہ کی کر حوث افاؤں سے کل تھا بکی تریند پرا ہے۔ کئی دومرا کل باہد میں ۱۹ مائے۔ بنل فال ہدر ، فواپ ہید اللہ بھرفاً موجہ کلو دی گل میں ۱۹

- اس تحرا اور ما الله او الري س كي الدائد ي الله الدائل الي سك الم س الدك الدائد ولى ب خالع موا هد وكل أركال كركار كا مدورة الى موجود POWER PROGRAMMY FAIR ال على معا قر كان فير معامد اعداد على عال كيا كيا الله عال ماك ماك ك اعتراع ا
- لل الديوة ب ريولا مترحى بايو في ويدي ويك الكالي بي مثلا ال الرسد والمال علم الاحد قرال علم ك الد 17 م ع 11 الد المال الرائد والماللوم
- ALL ((10)) 2 220. ں 50 فائلہ کی گئے اللہ کے دد علی ہے۔ فداد اللاق 107/1 اور ارائات שורות שות לל ל בנו בוצ משום ל יל שול מוני לעום ל
- ر 20 موں حد ہد ہے ک اس اگر لرکا ہے دد ہے کہ لڑاں کے اس علو مرل کا ک 50
- لے فر افسی ہے اور امام میں میدھل کے مطمون کی طرف روزی ہیں کرتے ویکھ لبائد الى مل ٢٠٠١ دو 100 كا ١٥٠٠
 - المهال الزائم الأكان مي ١٣٠٦٠ حرف كي هيي عاد تايد آي تبوش كر بلا _FY عدر تعل مان الاتك مليد م هركت عدرو و م أرب -54
- \$1 13 2 12 all 18 17 all 18 2 18 all 18 18 18 18 18 _____
- الل علا قرال علم كا المعد تاتم على على عدل هدام مان كا عد قرال عد عداد مان كا عدم الله م ١٨٠٨ ال غرج ميل واستد عل الد (البيت الملاح عليد أقست كرا ك ١٨٥٨) في ١٩٠٤ ما ١٩٠٠ ما ١٩٠٨ ما الله عدم الله عدم
- المنظام والماطوم اور الله كي قراقل شدات عن ١١١ ي ١١ سال درد ألكن س 2 كر هذ ب ويجه _54 الرف الوائع ٢٨/٣ ور تحل على الاتك الكاكا الع صود 1/100
 - of the same as the sale of the call the way .50
 - PPP. PORL LEVE "PI

 - الله معلى المرتجى النظالي معيد
 - 25
 - MBLIO GRAPHY, PS43 A III J (17 III) L (6 / d7) rr
 - 77 J of 19 19 114 _F4
 - _07

JA7116533

TEA UPTO WE FE OF HOTEL OF

۳۸ این) ۳۹ این) ۵۰ این) ۱۵ این

.47

-01"

-00

.04

-01

-04 -04

.41

.15

.15

_10

-11

.14

قردد پیمل کلیمیری اوسید حمل ۱۳۹۹
یم کا قرک فرید به برید اند (مجد دانید کرای) می ۱۲۹
DEPOSIT UNION COMMITTEE PARK
متندر حيان التخركان. لمشكا ارام معيد رة 1 ء من كد
متدر بیان الاز آن انگا ایم سید خ کراش کیب فیز فعظ یمی تخلیری فیب ص ۲۹۹
م الرف العلا قاد كان بيد مار بيك المرآل الكا ايم مهد م أب فو الماء
کئیری اوپ می ۱۹۹۱
تحير كا الكل تمنا" المتركل الجليم من عمل بيال المتركل و زير" (الا عيم 18 مـن 186 المر
الى مادب 15 كين لولا في الل ١٩٠٥٠) تيكر على سه عرفي حد ساك الدي
وغيره الملل الإستيب
واکا سال کے مطابق عمل الم علی علی علی کے معدد علی قتال کیا ہے ور اللہ اللہ سم
على كرده يال المركل اسل لو ك على ملا ب كر مد عامد دكد ويل ب
هدر بمل عان الا آل (سند، الكا ايم سيد)
مقدر جال الركان (ملیور باره کافی کرای)
هد هر مال
ماستاند. انحق معترمت القاؤى لبر ص ١١٥ حزية ويكلف ياد والحطال شير مطيبان الد
عدد ، و حرف مود بر و ۱۰۰۰ کرد دید په اصل که جده د (ملی افزید ادام کرای ۱۰۰۰ کرد دید
10 July 200 100
مرین سیار شده از این می است. بازنار انسین معرف هایی فیمر می ۲۳۳
ہاں۔ اس سرے بھی جو س ۱۳۳۳ قرآی بھیم کے ابدہ ڈائم کل ۱۸۵۳ سویہ تیمبرے دیکھ کل ۲۸۸ ، میں ۱۵۸ اور میں۔
ادر چاک 17 قر گل می ۵۰

toobaa-elibrary.blogspot.com

ď٤

یای افزی (6 کا ایم سید) ۱/۱ شط دارج میداد نگایوی ک امل و حدال طفیقت به اموانشان ایر المول سال ایم سمیک

ときかんしいるよくしゃりかんがかけの

منطق کلب تکی ہے۔ ۱۳۵۰ - مقدر حان الآوکان (میلود اوڈ گائی کرائی)

-64

-41

" عد - منظور سیات احتراف (منجود تایغ اقل فرایک) ۵.۵. - بیان افتر آن (منجود انتجا ایک) مهید) ۱/۵۵ د ۲.۵. - بدیند اکمن (منورت تینوی قبر) می ۱۳۵

۱۳۰۱ - بایدار ۱ شن (منفرت آلیایی میر) می ۱۳۰۱ ۱۳۵۸ - ایدا شن ۱۳۰۱ ۱۸۵۸ - منفرد - دامنان آلی

راه . مندر بیان اختراق 2- کنیر بیان اختراق کا مختل و کلیدی مطاعد می ۱۳۱ فیدر اینار الحق می ۱۳۰ میدرد. 2- در منابع اختراق کا مختل و کلیدی مطاعد می ۱۳۱ فیدرایشار الحق می م

۱۸۰۰ - اور فی اداملوم وجد ۲ / ۲۰ تا ادر کال پوت سملیان می ۱۳۳۳ ۱۸۰۱ - بازید، افریخد (دواملوم وجدد تیم) می ۱۳۵۰

ر بری برخید (دارامش وید گیر) می میده ۱۸. گری نیم ک اور زام می ۱۸۸۸ اور طرح افزگار بیش مرود گی مثل (سیادر دوامش کارک کاری) می ۵۰۰۰

المد لرك يم يد لدواج من ١٨٨٨ بالدواج لركل من مد

بهمد - خدود بی گئیری فزپ فی عص^ی ۱۹۰۸ ه.د. - بیان افزگی (انگا که مید) ۱ آ.2

۱۹۹۰ حظ دیکھ اینا ۲/۳ عد حظ دیکھ اینا ۱۹ / ۱ تا در ۱۹۱۸ واکل صافر سے ای ارپاد طیسی می اس طرف الله کیا ہے

س ۲۸۰ م مد خلاطه ۱/۲ رود زی ۱۶۶۵ مدید سال پ

خلائے 1/1 کے بیا قرآی کا قرار دے اند کیا ہے۔ خلائے کا مراہ

- 45

ے فاصر سیادوں کا علی ش اور ایک وار ش ۱۹۵۰ می بر ای اس دورہ سے مسلل خاتی

ر الى الله ك والم الله الله كا زيادل على .. علم الله تركي المادر بل الله كا كال

ہو رہا ہے سلی اول ٹی گئے اور حول کا ام ان اور اللہ واکیا۔ عومہ کے بادیور "س محل" کا ان ان کھا ہے جس سے محل تھیر کا دعوکہ اورا سے۔ دیکھ

سائل (2) و کال می ۱۳۹ اور دونامه یک کرای ۸ مجر ۱۹۸۹ ...

عدر بیان الزکن (۱۶۶ کی کرای ۱۹۵۳) افزند الدارگ ۲ / ۲۹۲ ۲۹۲

فرمت تالملك شيم الامن ص ۱۱۴

.4.

10. لرست تاينات 10. الذار الار 10. 10.

40

-36

-44

_41

17 L of S 12

_4^

.41

...

J45

Jef.

J+F

JAF

٥٠١_

J+1

4+4

ص 21 ر10 (10 و10 الر 14 المر 14 المردة ا

لرست تالينات شيم الامت ص + ٦٢ ال تزجر كل مولتا قد هر كامني حداليميد حداليكل ود نامیر الی نے زیر کر سے چیچے کی ہے۔ جال المنعلی علی الحب بر جال آلمین ١٩٨٨ وليان فكانت اسلار الادور شكل لكرك البلب الرسلي الدوق مي اح pro could will not got IFAJELU DI BONA 10.0 NT 10.00 کت ددی کرای شار کے مواقع سے بالاثاف یہ معلیات حاصل کی جائے۔ ور التعليل ك لے 4 مل كا 2547 World Bibliography ب ور قرآن محم کے دور زائع می ۱۲۱ میں والمسطر قرآن فیر) ۱۲ م ۔ تی وار ی سلی سید قرآ ہے کل کافی ہے شائع ہوئی ہے اس ی کلیم کا ترجہ موالا ملد الرحمي كالدحلوى سروكما ستاسد _ الله طور عد كذر الله الله الله والمد يد 1997 + 1996 عد 10 عد الله عد تريد الله كال موالا التم شاء كالمرى كا الله toobaa-elibrary.blogspot.com

۴۰۹ . رو د بلدوں عل ۱۹۹۰ علی خوان النواز کی شاند کا ادافار وصد سے شائح اولی ہے اس عمل

پیٹا مماعات جیریہ اور کیافات ترید فائل فائد علی نے کا ترید فائل کو مورٹ خاتی کا وید خال کیا گیا ہے ریکھ بھرے تحریر بازار یہ مثل کا تھا چھا مامیس کا کار جلوں میں معارف افزائل کے ایم سے دواملوم کارگ کرایک

ے ستان ہو کالج سامنے کی کافہ طبیعت کی سیدار انتخابات کے ماہے واداعتم کو آگ کرایا۔ سے 2000ء مثل ہمائے ہے اس میں ویر گیا طبیعہ ویجھ آئی وید مشزعا آفاق کا ہے اور هجر سائل کلی حاصب کی رہے۔ مسئل سائل جانو کا انتخابات کے شدہ عزیمہ کا مدر ہے سماعا کی مطال کا در کرفائیہ 2000ء ہے۔

ل سعف که آنگری ترکیر عدد حریمی کل مدرست مواده کل حال کل و گرانی ۱۹۱۰ دست حرکی ادر میاریدس کل مکل باور بیمب کر کرایی سے حاکی حراکی سید له به دوس فرک خواده افتاحت افترک کرایی سے مکل دفتہ سریدوسی عراقی استاد فرص بیدا اور کمیل میشودار علی ۱۹۸۱ء عربی کمل بیدار



ا و دعر اميم اور ۱۳ اور ۱۳ اور ۱۳ تعارف و تيمره کټ

ا الله منظوم الامندي المهدد المند الموادع الأول الى المداول المداعي الدام كل الهوال الذي المند

رف و مؤلف کا اقبال قریش در نام مدین می و در در قرور کا فشی مورد

ارات و المالية المرات المالية المرات المالية المرات المالية المرات المالية المرات المالية المرات المالية المرا المرات المرا

اش المراد المناد التي يداية من مجد الحدد والى عادون "إذا التي مهاليًّا مالي المثالات المناقظة لما 1944 من المناقطة التي يل المناقطة الم

گیت بازگری ۱۵۵ به به این کن تهن اگار با در میرداد مواد شرک می قادی (Lineman) با می قریب کند چد بهد بداد بری ادر این امراز می افزایش

ا من المراق المواقع المراق المواقع المواقع المواقع المراق المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المو - المقدم في المواقع ال

ا الما الموادي مسائل بروگاه کار کار به به این است به سبب مدن به به مدر گیل را به چیری کار ایش با مداوه این میده این است مسائل به مداکن کار در این می مدن با برای کار در این می کند با برای در این کار این کار این کار این می از این می می در این می داد این می در این می داد این می در این می در این می د را بست کی می این کار در این کار این می در در این می در این می در این کار در در در این می در

الله المام المعاملة المعاملة في الأمام المعاملة المعاملة المعاملة المعاملة المعاملة المعاملة المعاملة المعاملة

واقت المان و الله كان بر بدو م بي في هر يقت جاي ادار الد عبر برد على (ما ١٨٥٠ م) كم علوات به حالا مدم بالد عن (المنع على الدائم بالمائل) على وفد كناء الدائم بها فالله كم ، وأن 10

موده الحالي في كل على الموساعة الموساع

- She it a the state

المان آیا الله علی الدائل آنگی استانا قدان او این به الایلی شد دری آوی به الله الم دیلته این ادر گراف فی بیرس سه استانا قدان بی تقیمت سه دری آس سه به داش این

لك ما مواقع المساور المساور المواقع المواقع المساور الأول المواقع المساور المواقع المساور الأول المساور المسا

کی مید در تیم و امد و کار مید - احق عقید درجات کند مید باشد در در میانی کا "کید کے درکامی اکارکی چید چید" (کی مادار) مثالی کار کارکی کارکی با مداول قدومی میدای در در کارک در ایس می کنیمی مید مید کی کارمان میکند این کنیم کارکی در تیمی کنیمی میروی عراس بدا میداد میداد میداد میداد میداد میداد میداد میداد درگی اور میداد کرد. است کشش کارکامی در چانشد از مان میداد تنظیر در کارکی کار میداد میکند.

که در اند افغانی از برج " بیدارات کے اصفاعت تاثیق کی دوروں کے اس کا میں انداز کے میں انداز کے انداز کے انداز ک ان اکارائی بریدی کی ایس کی سیان کی گئی اور ان ساکی بھٹ کا اور دیا کے کار انداز کی انداز کی انداز کی انداز کی ا مارس میرون افزان کی کے انداز انداز کی انداز انداز کی انداز انداز کی انداز کی انداز کی انداز کی انداز کی انداز کارائدائی کار

کی بید شده می می دادند. به می خود به می باشد به بازی می دادند. می خود به می می می دادند به می می دادند. این است می می دادند در این است می دادند. به می دادند به م

گیره کلی آگا بیشتر کار چیم و خوب سد شده کیچه طوحه شده مداده میزاد کلی و به این مداده از شده کار این کلی و چی میشار کلی به این شدهک درمان می بداده افزار از این برده سده این به این میشار بیشتر طرحی و آنهای می این میدان از میشار این دادهای کلیآن و تاب شد بیشار این شخر دادی درسی کا میان را با

الله المحافظة المستقبلة المحافظة المستقبلة ال

مرسد ال الآل کی بی ایس ال باشد سند شده انتها در اقبار در تمان و با نیاد ماش فی کراه چید مای ادامان سه چید ۴۹ سه می در قشان کاکی

ا من المساول في الوقيد في الانتساع المساول من المرافق المساول المساول

الله من علی شانی آن (گروه ۱۳۰۵). ای همی شر ۱۱ میداند مسوی مه ۱۶ مید بادای مسهدی مدافعی سهر مداخی

ن کے میں میں میں میں میں میں میں جو میں میں میں میں میں کہ ان کے ان کا میں میں میں میں میں اس کی بات کے ان کے ایسے میں کی اس کے آخرہ میں کی کی بیٹر میں میں میں میں میں میں میں میں میں اس اس میں میں اس کے ان میں میں ہیں۔ ایس میں میں میں کی واقع میں سے اللہ انقوال میں میں میں میں میں میں کہ کافی کر ان میں ہیں گے۔

4 8 8 8 25 25 4 6 510 to - 2

ان میں اور ان کی بات اور ان کا میں کم تھی جھے ہیں ہے۔ بالی میں وہی اور مطاق کا میں اور ان ان اس سے کی دورہ اور اور کا گئی کے کا ماک کی بھے اور وہ کی کی سے جند ایس کے کی شاخ ایس سے ان کی ملک کے اور اور والی آئی گئی۔ والی آئی آئی کی کا ان کی کر و اس کی کھا ہیں اور میں انتقد میں مدد کی کھان

یا کی آورکز کی این ایش وی کا کلت میں روز باطلب عبد سرک مکترد روز کا کس ای نیازی کا حکمت کی ایک این کی این ایس کا میں ایک استراق کی جیک کم چی کار در ایک مواد کا ایس در شد ایک ایس اعظامی کی وجہ ایسان کا استراق اور در ایسان ساتھ اور بیت میں انتخاص ایر کی اگر ایسان کا

کرب نے '' فرنگل مہونا تقران سے اپنی تھی تقریبات و الایات و الحس طرح والمجاب ہے۔ اس کا بیان سیان

ما مداد آن الأول المواقع من المراقع من المواقع من المواقع الم

ر المرابع المسائل کے ماتھ نے باتھ کی مائٹ آل جا کہ نے فیک مخصیف موک کی کال جا ہے تھ مرابع مائٹ میں مال کی از باتھ کی کاری کی مع کامی کی کھڑے تھا میں میں آباد و محمل ان کان کان کار کار (جدار) ساتھ ہے جانے کا ساتھ سے بار سے فات کی ان ساتھ

الكيب على حوالف المدائل والمهدات والكل المؤلف عليات على الحص والمدائل والكل

یے ج اے کا 2 م کی موجد سے این ایس کی میصول یا معجدے کھے مواد سے ان کے انحرال اول ایسان

 ا و دعر اميم اور ۱۳ اور ۱۳ اور ۱۳ تعارف و تيمره کټ

ا الله منظوم الامندي المهدد المند الموادع الأول الى المداول المداعي الدام كل الهوال الذي المند

رف و مؤلف کا اقبال قریش در نام مدین می و در در قرور کا فشی مورد

ارات و المالية المرات المالية المرات المالية المرات المالية المرات المالية المرات المالية المرات المالية المرا المرات المرا

اش المراد المناد التي يداية من مجد الحدد والى عادون "إذا التي مهاليًّا مالي المثالات المناقظة لما 1944 من المناقطة التي يل المناقطة الم

گیت بازگری ۱۵۵ به به این کن تهن اگار با در میرداد مواد شرک می قادی (Lineman) با می قریب کند چد بهد بداد بری ادر این امراز می افزایش

ا من المراق المواقع المراق المواقع المواقع المواقع المراق المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المو - المقدم في المواقع ال

ا الما الموادي مسائل بروگاه کار کار به به این است به سبب مدن به به مدر گیل را به چیری کار ایش با مداوه این میده این است مسائل به مداکن کار در این می مدن با برای کار در این می کند با برای در این کار این کار این کار این می از این می می در این می داد این می در این می داد این می در این می در این می د را بست کی می این کار در این کار این می در در این می در این می در این کار در در در این می در

الله المام المعاملة المعاملة في الأمام المعاملة المعاملة المعاملة المعاملة المعاملة المعاملة المعاملة المعاملة

واقت المان و الله كان بر بدو م بي في هر يقت جاي ادار الد عبر برد على (ما ١٨٥٠ م) كم علوات به حالا مدم بالد عن (المنع على الدائم بالمائل) على وفد كناء الدائم بها فالله كم ، وأن 10

موده الحالي في كل على الموساعة الموساع

- She it a the state

المان آیا الله علی الدائل آنگی استانا قدان او این به الایلی شد دری آوی به الله الم دیلته این ادر گراف فی بیرس سه استانا قدان بی تقیمت سه دری آس سه به داش این

لك ما مواقع المساور المساور المواقع المواقع المساور الأول المواقع المساور المواقع المساور الأول المساور المسا

کی مید در تیم و امد و کار مید - احق عقید درجات کند مید باشد در در میانی کا "کید کے درکامی اکارکی چید چید" (کی مادار) مثالی کار کارکی کارکی با مداول قدومی میدای در در کارک در ایس می کنیمی مید مید کی کارمان میکند این کنیم کارکی در تیمی کنیمی میروی عراس بدا میداد میداد میداد میداد میداد میداد میداد میداد درگی اور میداد کرد. است کشش کارکامی در چانشد از مان میداد تنظیر در کارکی کار میداد میکند.

'' الله النمن المباعث می جید اللہ ہے کال النمنی اور اس سے کی عصد سے کر اس یہ کے ہیں۔ واب منز کی اللہ علی واللہ با اللہ اللہ ہے گئے ہے۔ پر پر اسلام بال سے مثلق احادیدہ کال کر دی کی بیرن (امریدہ)۔

کرد خدر پاکسان سب سے پہلے حترف تکم واصد منانا خادثی سے ڈال کیا، ماسک اس سے کہ اس میں اند پاکسان اعتمال کی کہا، اس سے انجیار واصلی مال بعد خاطر مرکز اواز انتہالی موجو سے یہ و اور موجود کا دید چھر انتیار نے آپار ہی کماری انتہا معمال اور موجودی اور اعتمام کی افتار و دیماد سے کہا دیکہ سنج اسانی دوست کا حالی کرتے مدل اور موجودی

الله يريد في الحوالي المستوالية والأملاء السياسية الأولى المهيد الموالية في الكورية المحالية الموالية في الكوري وقد المهل المهل المستوالية في المستوالية الموالية في المستوالية في المستوالية المستوالية في المستوالية في المستوالية المستوالية في المستوالية المستوالية في المستوالية في

ا من الما المواقع ك مسائلة بعد المواقع كي ا

ر من بدور المراقع مي المواقع المواقع

ام میں میں میں اور استان کے اور اور اور استان انہ میں امرید موم ہیں کے استان انہ میں امرید موم ہیں کے استان کی ایک اور امرید میں اور امرید امرید کی ایک اور امرید میں اور امرید امرید کی امرید اثر کے امرید اور امرید امرید کی امرید اثر کے امرید اثر کے امرید اگر کے امرید اور امرید امرید کی افراد امرید کی کرد کی امرید کرد کرد کرد کی امرید کی امرید کی امرید کی امرید کی امرید کرد کرد ک

m of the mather was well

ل کی کی دیں ہے کا انتظامی علی ایس انگر کی کا بھارہ کی کہ روستان کی جہت ہیں گئی۔ کم چی کہ دی انگر ہی کا 20 ما ہو کہ کے جہت ہیں اس استعادی کم کا 20 ہو سے این کا اندیک انداز روستان کے 20 ہو انداز میں میسان کا فائل ہو انداز کا روستان کا انداز کی انداز کا انداز کا انداز کا انداز کی کا انداز کار

ر بيديد المواقع التي المساولة المساولة

ر ان کا دولات کناکی "میزی همی و مین به داند میزی کی میاب فرادل کی میاب فرادل کی میاب فرادل کی همی میزید کا فرا نظیری خدمت کا ایرانو کاری میزید که فراد کرانی تامید به میزی کاری میزید کاری میراند میزید میزید میزید میزید میز میزی کاری کاری بدر میزید که میزید که میزید کاری کاری از ایری آرمید آرمید تیلی و میمی ادر میزید کاری شده میزید می

الموادر کابلات الروسیان کابلاک کا دور کابلاک کار بات کابل کار بات به گلی جہد مثل آگیا۔ بھر بید اور دورک کی اجاد کا کابلاک کی بید آگیات کی اتفادہ اگر توادہ انتخاذ سے درصد کر کی چانگ و کابلاک کی اور دورک کابلاک کی بیدائی کابلاک کی دورک کی دورک کی بالیک کار بھر ایسان کی گار جد ایک اور دورک کی کو ان کار دورک کی میں کی